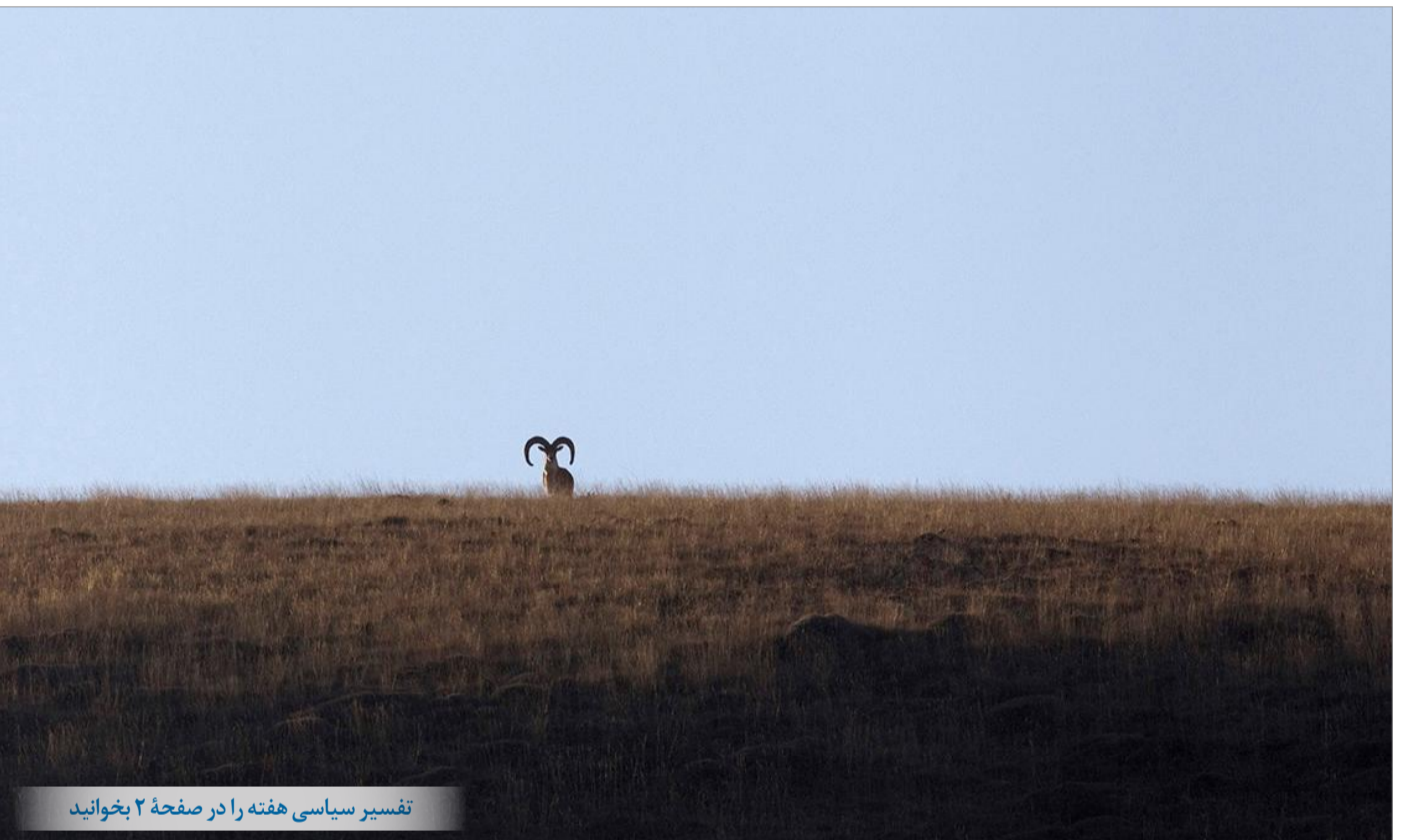




محیط زیست و حیات وحش در تیررس سپاه

● نگاه امنیتی به ان.جی. اوها از هراس مزن جمهوری اسلامی نسبت به گسترش و قوی شدن تشکل‌های مستقل سرچشمه می‌گیرد که تخفیف یافته‌ی نگاهی است که رژیم به احزاب غیر فرمایشی و مخالف نظام دارد.
 ● سپاه پاسداران حوزه‌ی محیط زیست را که از نظر اجتماعی و اقتصادی یکی از مهم‌ترین منابع هر کشور به شمار می‌رود، به حیطه‌ی نفوذ خود می‌افزاید.



تفسیر سیاسی هفته را در صفحه ۲ بخوانید

سرمقاله یک پیشنهاد کاملاً ممکن و عادلانه به مقامات و مسئولان جمهوری اسلامی

آیا شما مقامات و مسئولان «نظام مقدس» خبرها و گزارش‌های مربوط به وضعیت کارگران و کارمندان را دنبال می‌کنید؟ با این فرض که چنین است حتماً در جریان هستید که در سال‌های اخیر به دلیل تورم و گرانی و بی‌کاری و... که شما مسئولیت ناکارآمدی نظام خود را در بروز آنها بر عهده نمی‌گیرید، وضعیت معیشتی خانواده‌های متوسط به شدت ناگوار شده و طبقات تنگدست هم به سختی روزگار می‌گذرانند. هزاران کارمند و کارگر در صنایع و واحدهای تولیدی مختلف یا کار خود را از دست داده‌اند و یا در ازای کاری که انجام می‌دهند ماه‌های متمادی حقوق دریافت نکرده‌اند. ما تا کنون ندیده و نشنیده‌ایم که مقامات و مسئولان نه تنها از وضعیت بد معیشتی خود و خانواده‌شان بنالند یا در تظاهرات اعتراضی شرکت کنند بلکه مدعی شکوفایی و رشد در جمهوری اسلامی هم هستند! البته در چند سال اخیر به دلیل درگیری‌های جناحی، هر بار گروهی از مقامات و مسئولان درباره گرانی و تورم و وضعیت بد معیشتی داد سخن می‌دهند. اما منظورشان خودشان نیست! آنها نه تنها حقوق‌های نجومی و غیرنجومی خود را به موقع و بی‌موقع دریافت می‌کنند بلکه سهم خود را از «سفره انقلاب» چنان برداشته و برمی‌دارند که برای باقی ماندن در جایگاه «مقام» و «مسئول» سر و دست هم می‌شکنند بدون آنکه «مسئولیتی» را بپذیرند! ما به آن هزینه‌های میلیاردی که برای تبلیغات ایدئولوژیک و صدور انقلاب اسلامی - شیعی و جنگ نیابتی در عراق و یمن و لبنان و سوریه و افغانستان و... خرج می‌شود، یا به بودجه‌های کلان نهادهای مذهبی و نظامی که جیره‌خواران «نظام مقدس» هستند، و یا به مالیات‌های نجومی بنیادهای مذهبی که پرداخت نمی‌شوند کاری نداریم. ولی با توجه به اینکه در ماه‌های اخیر تجمعات اعتراضی کارگران و کارمندان به دلیل عدم دریافت حقوق افزایش یافته، پیشنهاد می‌شود مقامات و مسئولان جمهوری اسلامی فقط چند ماه جای خود را با این کارکنان عوض کنند. از آنجا که شما حتماً تحت فشار گرانی و تورم و «بی‌کاری» نیستید و چه بسا بار چند نسل پس از خود را نیز بسته باشید، پیشنهاد می‌شود حقوق خود را که بنا به دستگاه‌های عریض و طویل دولتی و نظامی و مذهبی قطعاً ماهیانه سر به میلیاردها تومان خواهد زد، به طور موقت به کارگران و کارکنانی بدهید که چندین ماه است حقوق دریافت نکرده‌اند. این پیشنهاد نه «ساختار شکن» است، نه «برانداز» است، نه حتی اصلاح طلب! بلکه فقط برای تأمین حقوق ماهیانه‌ی افرادی است که به دلیل سیاست‌های داخلی و خارجی نظامی که شما «مقامات و مسئولان» آن هستید، واحدهایشان قادر به پرداخت حقوق آنها نیستند. چند تن از شما مقامات و مسئولان «نظام مقدس» که با ادعای دفاع از «مستضعفان» به قدرت رسیده‌اید و چهل سال است «مستکبری» می‌کنید، حاضرید حقوق ماهانه خود را به کارگرانی بدهید که رهبرتان، خمینی، ریاکارانه و در حرف، بر دستان آنها بوسه می‌زند؟! شما، مدعیان بهشت و معنویت و حکومت الهی بر زمین، آیا اندکی شجاعت و باور به ادعاهای خود دارید که فقط چند ماه، به اندازه همین کارگران و کارکنان واحدهای ورشکسته، از پول و اموال دنیوی خود بگذرید و آن را به کسانی بدهید که به آن نیاز دارند و شما برگردهی آنان به حکومت رسیده‌اید؟! این گوی و این میدان! الا به بقرات

رفراندوم، تاکتیکی برای استراتژی گذار مسالمت‌آمیز به سوی دموکراسی



مساله همه‌پرسی یا رفراندوم در مورد آینده ایران، بار دیگر با بیانیه فراخوان ۱۵ فعال سیاسی و حقوق بشری و هنری داخل و خارج از کشور که در ۲۲ بهمن ۹۶ منتشر شد در مرکز توجه قرار گرفت. این اولین بار نیست که در مورد آینده ایران رجوع به آرای مردم مطرح می‌شود. سال‌ها پیش نیز شماری از فعالان سیاسی چنین رفراندومی را پیشنهاد کرده بودند، اگرچه این بار پیشنهاد همه‌پرسی، قبل از اینکه از سوی نخبگان مطرح شود، در جریان خیزش مردمی دی‌ماه در کف خیابان و با شعار «رفراندوم، رفراندوم، رفراندوم» در دستور کار قرار گرفت.

در صفحه ۲

«حفاظت سپاه» کارگزاران جمهوری اسلامی را پشت «پرده آهنین» قراردادده

در صفحه ۱۸

در این شماره می‌خوانید:

- صفحات ۸ و ۹ ● «زن روز» و «مرد روز»
- صفحه ۱۲ ● دوقرن فرازونشیب مطبوعات در ایران (۵۷) - احمد احرار
- همکاری بر اصول، نه با کسان - داریوش همایون
- صفحه ۱۳ ● سرگرمی - جدول - سودوکو
- صفحه ۱۴ ● خاطراتی از دکتر بهرامی (۲۰۱)
- صفحه ۱۵ ● جنبش مردمی، پایه‌های لرزان رژیم، روضه‌های بی‌خاصیت تکراری
- صفحه ۱۶ ● وضعیت‌های رقت‌بار اپوزیسیون جمهوری اسلامی
- صفحه ۳ ● ائتلاف عربی مقرّ جاسوسی سپاه در جنوب یمن راه‌هدف قرارداد
- صفحه ۴ ● دلار هم امنیتی شد: یواشکی ۵۰۶۰ تومان؛ «سین» کیست؟!
- صفحه ۵ ● جشنواره فیلم «فجر» تقدیم می‌شود به سازمان رسانه‌ای اوج از زیر مجموعه‌های سپاه!
- صفحه ۶ ● مطهری! پراتورز لندن متوجه‌قصده خودکشی کاووس سیدامامی نشد!
- صفحه ۷ ● بیانیه رفراندوم برای گذار از جمهوری اسلامی یک ترجمه از شعار و خواست مردم است

رده بندی جدید فیفا؛ یک رتبه صعود برای ایران

تیم ملی فوتسال ایران برای
 دوازدهمین بار قهرمان آسیا شد

المپیک زمستانی ۲۰۱۸؛ مدال‌های
 آلمان به ۱۲ رسید

سفرهای بی نتیجه خادم به زوریخ

علی کریمی: فدراسیون ۵ ستاره پر از
 اشکال است

فوتبال علیه دیکتاتوری:
 استاد یوم‌های ایران کانون التهاب و اعتراض

علی پروین: داوری جشنواره‌ها هم
 مثل داوری فوتبال است

در صفحات ۱۰ و ۱۱

Tel: 0044(0)20 3633 3684

Fax: 0044(0)20 3633 3685

شما با آگهی در کیهان فقط اطلاع‌رسانی و کسب و کار خود را معرفی نمی‌کنید بلکه یک کار فرهنگی نیز انجام می‌دهید!

کیهان . کیهان لندن . کیهان خودتان را زنده نگاه می‌دارید

www.kayhan.london

email: ads@kayhan.london

پیشنهاد آمریکا به جمهوری اسلامی برای تبادل زندانی‌ها



کمپین فعالین حقوق بشر برای آزادی سیامک و باقر نمازی

● **چهره‌های نزدیک به حکومت در ایران می‌گویند آمریکا خواسته میانجی این گفتگوها عمان یا یک کشور اروپایی باشد.**

● **معاون وزیر خارجه آمریکا در امور روابط عمومی گفته تا کنون مسئله زندانیان آمریکایی در ایران را از طریق ساز و کارهای مختلف مطرح کرده‌ایم.**

روزنامه نیویورک تایمز گزارش داده مقام‌های کاخ سفید در ماه دسامبر ۲۰۱۷ به ایران پیشنهاد برقراری یک کانال ارتباطی مستقیم برای مذاکره درباره زندانیان دو طرف ارائه داده است.

حمیدرضا ترقی عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی مدعی شده دولت دونالد ترامپ بارها تلاش کرده تا این کانال ارتباطی برقرار شود و خواهان مذاکرات مخفیانه با میانجی‌گری عمان یا کشورهای اروپایی بر سر آزادی زندانی‌ها شده اما جمهوری اسلامی تا کنون درخواست‌های واشنگتن را رد کرده است.

او تاکید کرده «جمهوری اسلامی هرگز با دولت ترامپ مذاکره نخواهد کرد زیرا به گفته او «دولت آمریکا نشان داده که صداقت ندارد.»

روزنامه وال استریت ژورنال هم با اعلام خبر پیشنهاد آمریکا به ایران برای تبادل زندانی به نقل از منابع مطلع نوشت که واشنگتن تا کنون ۳ بار پیشنهاد خود را تکرار کرده و ایران هنوز نپذیرفته است.

استیو گلدستین معاون وزیر خارجه در امور روابط عمومی به وال استریت ژورنال گفته «ما از هر فرصتی که بتوانیم مساله آزادی شهروندان آمریکا را که ناعادلانه در ایران در زندانی شده‌اند مطرح می‌کنیم و تا کنون این مساله را از طریق ساز و کارهای مختلف مطرح کرده‌ایم.»

این در حالیست که هدر ناوئرت سخنگوی وزارت خارجه آمریکا هفته گذشته سه‌شنبه، ۱۷ بهمن، در نشست خبری خود، خواستار آزادی اتباع آمریکایی شد که به جرائم امنیتی در ایران به حبس محکوم شده‌اند؛ وی گفت: «ایران باید این آمریکایی‌ها را آزاد کند اگر می‌خواهد به عنوان بخشی از جامعه جهانی شناخته شده و مورد احترام قرار گیرد.»

سیامک و باقر نمازی دو شهروند دوتابعیتی آمریکایی- ایرانی هستند که به اتهام جاسوسی ۱۰ سال حکم زندان گرفتند.

باقر نمازی ۸۱ ساله اخیر برای درمان قلب خود به مرخصی از زندان رفته بود اما با وجود اینکه یک پزشک معتمد حکومت توصیه کرده نمازی باید سه ماه استراحت کند وی به دستور مقام‌های زندان به اوین بازگردانده شد.

اینکه فردی با این سن و سال در زندان نگه داشته شده آن هم در شرایطی که عمل قلب انجام داده و حال جسمی او هر لحظه در نوسان است به شدت مورد انتقاد خانواده نمازی و فعالین حقوق بشر قرار گرفته است و سخنگوی وزارت خارجه آمریکا هم بر همین اساس به بازگرداندن باقر نمازی به زندان واکنش نشان داد.

کارن وفاداری و همسرش آفرین نیساری دو شهروند دیگر دوتابعیتی آمریکایی- ایرانی هستند که از مرداد ماه ۱۳۹۵ به اتهام اقدام علیه امنیت ملی در بازداشت بسر می‌برند.

ائتلاف عربی مقرّ جاسوسی سپاه در جنوب یمن را هدف قرار داد



عکس از اسکای نیوز عربی منطقه تعز

● **عربستان می‌گوید این شبکه جاسوسی با شبه نظامیان حوثی در ارتباط بودند.**

● **از شمار تلفات احتمالی این حملات گزارشی در دست نیست.**

هواپیماهای جنگنده ائتلاف عربی مقرّ گروهی از نیروهای ایرانی مستقر در یمن را در شهر تعز هدف قرار دادند.

اسکای نیوز عربی به نقل از ارتش یمن گزارش داد نیروی هوایی ائتلاف به رهبری عربستان صبح جمعه، ۲۷ بهمن، مقرّ کارشناسان جاسوسی ایران در استان تعز واقع در ارتفاعات جنوبی این کشور را هدف قرار دادند. گزارش‌ها حاکی از آن است که در ۲۴ ساعت گذشته ۶۸ حمله هوایی به مواضع نظامی متعلق به شبه‌نظامیان حوثی انجام شده است. در این حملات چند پایگاه نظامی در صنعا و مارب منهدم شدند.

جنگنده‌های ائتلاف پیش از این یک موشک زمین به زمین را که از طرف شبه‌نظامیان حوثی به فرودگاه حدیده پرتاب شده بود منهدم کردند. از شمار تلفات این شبکه جاسوسی که با شبه‌نظامیان حوثی در ارتباط بودند گزارشی در دست نیست.

درگیری در منطقه تعز چند روز است بالا گرفته و شب گذشته در حمله شبه‌نظامیان حوثی به نظامیان ارتش عربستان ۱۳ نفر کشته و زخمی شدند.

به گزارش منابع خارجی آخرین خبرها از یمن حاکی است که این فرد حسین خسروی کارشناس بریتانیا پیش‌نویس طرحی را به شورای امنیت سازمان ملل ارائه داده که طبق آن عربستان و ائتلاف عربی مبلغ یک میلیارد دلار برای مقابله با بحران انسانی در یمن و بهبود وضعیت ارسال کمک‌های بشردوستانه باید اختصاص دهند.

بریتانیا در پیش‌نویس این طرح که باید به تصویب اعضای شورای امنیت برسد از نقش امارات و عربستان برای کمک به یمن به ویژه اختصاص دادن نزدیک به یک میلیارد دلار کمک به این کشور جنگ‌زده تقدیر کرده است.

حدود سه ماه پیش در آذرماه گزارش شد که چند شبه‌نظامی ایرانی در حمله ائتلاف عربی به مقرّ آنها در یمن کشته شدند و جمهوری اسلامی به حوثی‌ها فشار آورده که جسد یکی از آنان حتماً باید به ایران بازگردد.

این فرد حسین خسروی کارشناس

موشکی سپاه بود که جسد او تحت تدابیر شدید امنیتی و به دلایل نامشخص از بیمارستان ۴۸ در جنوب صنعا به بیمارستان المؤید در شمال این شهر منتقل شد.

سپاه متهم است با ارسال تسلیحات موشکی حوثی‌های یمن را علیه عربستان تقویت می‌کند. در دو ماه گذشته شواهدی از بقایای موشک‌های پرتاب شده به خاک عربستان از طرف حوثی‌ها به دست آمده که نشان می‌دهد جمهوری اسلامی در ساخت این موشک‌ها همکاری داشته است با این حال مقام‌های رژیم ایران همواره این اتهامات را تکذیب کرده‌اند.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در یکی از آخرین سخنرانی‌های خود طرح این ادعاها را فشار به جمهوری اسلامی دانسته و ادعا کرده که اگر یمن محاصره نبود، ۱۰۰ موشک به آنها می‌دادیم.

مذاکرات سه ساعته دو کره در دهکده المپیک؛ رئیس جمهوری کره جنوبی در تدارک سفر به کره شمالی



در مراسم بازگشایی المپیک خواهر رهبر کره شمالی در صندلی پشت مایک پنس معاون ترامپ نشسته بود

ساعتی بعد از شروع بازی‌های المپیک زمستانی، کیم یو چونگ خواهر کیم جونگ اون رهبر کره شمالی در دیدار با رئیس جمهوری کره جنوبی که نزدیک به سه ساعت طول کشید دعوتنامه‌ای را که برادرش با خط خود نوشته بود به وی داد. گفته می‌شود در این دعوتنامه خطاب به رئیس جمهوری کره جنوبی آمده است که در اولین فرصت منتظر دیدار شما هستیم.

با سفر خواهر رئیس جمهوری کره شمالی که در سلسله مراتب حکومتی آن کشور سمت مهمی دارد به کره جنوبی و حضور در مراسم گشایش المپیک زمستانی همچنین رژه کاروان ورزشی دو کشور زیر یک پرچم و حمل مشعل المپیک به وسیله ورزشکاران دو کشور روابط میان دو کره فعلاً به نوعی در اختیار خود آنها قرار گرفته است و فارغ از اختلاف نظرها به لطف بازی‌های المپیک دروازه‌های بسته میان شمال و جنوب این شبه‌جزیره باز شده و روابط متشنج میان آنها ولو برای مدتی کوتاه به نوعی آرام گرفته است.

در این میان کره شمالی از اینکه با چرخشی سریع روابط خود را با همسایه کاپیتالیزم و البته

ثروتمندش بهبود بخشیده بسیار راضی و خوشحال است چون با اجرای این نمایش از یک سو به تنش‌های خطرناک یک‌سال اخیر در مرز دو کشور پایان بخشیده و از طرف دیگر به آمریکا نشان داده برقراری رابطه میان دو کره نیاز به قیم و واسطه ندارد. ضمن آنکه خطر حمله احتمالی آمریکا و در واقع تهدیدهای دونالد ترامپ را که گفته بود کره شمالی را با خاک یکسان می‌کند کاهش داده است.

روز شنبه چینگ این مون مشاور رئیس جمهوری کره جنوبی به سی ان ان گفت: امکان گفتگو میان آمریکا و کره شمالی وجود دارد اما کیم جونگ اون هیچ پیش شرطی را برای مذاکره قبول نمی‌کند چون او سلاح هسته‌ای را تضمینی برای ادامه حیات رژیم خود می‌داند. ضمن آنکه به قول‌های آمریکا نیز اعتماد نمی‌کند. ترامپ می‌گوید کره شمالی باید سلاح هسته‌ای خود را برچیند.

درگیری در بلندی‌های جولان: ارتش اسرائیل پهپاد و تاسیسات سپاه در سوریه را هدف قرار داد



بقایای جنگنده اسرائیل ساقط شده توسط پدافند ارتش اسد

تلافی جویانه ۱۲ هدف را در دمشق و حماه در خاک سوریه هدف قرار دادند که تعدادی از آنها متعلق به سپاه پاسداران است.

آژانس خبری دولتی «سانا» اعلام کرد سیستم پدافندی ارتش سوریه شروع به شلیک به سمت جنگنده‌های اسرائیل کرد.

تنش‌ها بعد از ورود پهپاد ایرانی به آسمان اسرائیل بالاگرفت. حملات ارتش اسرائیل به سوریه از شنبه آغاز و با حمله به تعدادی از تاسیسات نظامی ارتش بشار اسد در بخش مرکزی سوریه ادامه یافت.

گزارش‌ها حاکی از آن است که پدافند سوریه نتوانست این حملات را دفع کند، اما در مرحله دوم حملات یکی از جنگنده‌های اسرائیل هدف قرار داده شد.

اسپوتنیک روسیه نیز گزارش داد در جریان دومین حمله هوایی که ۱۲ هدف در خاک سوریه منهدم شد ۳ آتشبار پدافند هوایی روسیه و ۴ مرکز مربوط به تاسیسات سپاه پاسداران نیز مورد حمله قرار گرفتند. از معدود دفعاتی است که ارتش اسرائیل مستقیم به مواضع روسیه در سوریه حمله کرده است.

جانا تان کونریکوس سخنگوی ارتش اسرائیل که آخرین اخبار این درگیری‌ها را توییت می‌کند تایید کرد تاسیسات ایرانی در سوریه هدف قرار گرفته و پرواز پهپاد متعلق ایران بر فراز اسرائیل نقض حاکمیت این کشور است و گفته این موضوع پیگیری خواهد شد.

گزارش شده در پی شدت گرفتن درگیری‌ها، پروازهای فرودگاه «بن گوریون» تل‌آویو موقتاً به حالت تعلیق درآمده است. ارتش به ساکنان

- به دنبال پرواز یک فروند پهپاد سپاه بر فراز اسرائیل نیروی هوایی این کشور ۱۲ هدف در خاک سوریه را منهدم کرد.
- پدافند سوریه یک جنگنده اسرائیلی را ساقط کرد.
- ارتش اسرائیل در اقدامی تلافی جویانه به مواضع سوریه و روسیه و ایران در خاک سوریه حمله کرد.

تنش در مرز سوریه و اسرائیل که ماه‌هاست ادامه دارد صبح روز شنبه، ۱۰ فوریه (۲۱ بهمن)، در حوالی بلندی‌های جولان به درگیری تبدیل شد و ارتش اسرائیل یک فروند هواپیمای بدون سرنشین جمهوری اسلامی را که از سوریه بر فراز اسرائیل پرواز می‌کرد هدف قرار داد.

ساعتی بعد ارتش سوریه در بیانیه‌ای اعلام کرد یک فروند جنگنده اف-۱۶ اسرائیل رهگیری و ساقط شده است. منابع اسرائیل این خبر را تایید کردند اما اعلام شد دو خلبان آن موفق به فرود با چتر نجات شدند و سالم هستند. به گزارش پایگاه خبری ملیت ترکیه، جنگنده‌های ارتش اسرائیل در اقدامی



پهپاد ساقط شده ایران حوالی جولان

دارالترجمه بین المللی فریس

زیر نظر و با مسؤلیت دکتر ناصر رحیمی
(استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی

تلفن: 020-8735 6500 / 020-8222 8884 / 020-8222 8831
فکس: 020-7760 7160
www.assot.co.uk
Email: assot@aol.com

Suite 611, Britannia House, 11 Glenthorne Road
Hammersmith, London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

نماز جمعه تهران حکومتی تر شد: ابوترابی فرد با حکم خامنه‌ای «امام جمعه موقت» شد



ابوترابی فرد

سید محمدحسن ابوترابی فرد نماینده پیشین چهار دوره مجلس شورای اسلامی با حکمی از سوی علی خامنه‌ای به امامت جمعه موقت تهران منصوب شد.

طبق اعلام پایگاه اطلاع‌رسانی شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه، ابوترابی فرد بلافاصله پس از این انتصاب، نماز جمعه ۲۷ بهمن تهران را اقامه خواهد کرد.

او یکی از سرسخت‌ترین مخالفان میرحسین موسوی و مهدی کروبی رهبران جنبش سبز است و بارها در نطق‌ها و مصاحبه‌های خود گفته اگر رأفت اسلامی نبود با «سران فتنه» به گونه دیگری برخورد می‌شد.

یکی از مشهورترین سخنرانی‌های او ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۲ در دانشگاه صنعتی شریف بود که ادعا کرد محمد خاتمی و اکبر هاشمی‌رفسنجانی به فتنه دامن زدند. وی باین حال تمایلات خود برای نزدیک شدن به حسن روحانی را بارها نشان داده است.

ابوترابی فرد در نخستین ماه‌های آغاز به کار حسن روحانی در دولت یازدهم و حتی پیش از آن در چند گفتگو تأکید کرد که روحانی هم در جریان اصولگرا و

هم اصلاح‌طلب چهره قابل قبولی دارد. این روحانی در آغاز فعالیت‌های خود پس از پیروزی انقلاب به ارتشی‌ها نزدیک شد و در دوران جنگ ایران و عراق به همراه لشکر ۱۶ زرهی در کردستان مستقر شد و پس از آن با حکم آیت‌الله خمینی مسؤول عقیدتی-سیاسی وزارت دفاع شد.

یکی از ماموریت‌های ویژه او سفر به آلمان بود با وظیفه‌ی سازماندهی افسران جوان نظامی در حال تحصیل

به منظور بازگشت آنان به ایران. او آنها را شستشوی مغزی می‌داد تا در آلمان نمانند و به ارتش پس از انقلاب ملحق شوند. در سال‌های گذشته احمد جنتی، محمدامامی کاشانی، سیداحمدخانی، محمدعلی موحدی کرمانی و کاظم صدیقی پای ثابت خطبه‌خوانی‌های نماز جمعه پایتخت بودند و با اضافه شدن ابوترابی به این تیم فعلا او جوان‌ترین خطیب جمعه تهران است.

علی لاریجانی: آمریکایی‌ها داعش را با هلی کوپتر به افغانستان می‌برند



استقبال لاریجانی و بروردی رییس کمیسیون امنیت ملی از مهمانان اروپایی

● رییس مجلس شورای اسلامی ادعای هفت ماه پیش روسیه مبنی بر انتقال اعضای داعش به افغانستان توسط آمریکا را تکرار کرد.

● او در دیدار با مقام‌های اروپایی گفته آمریکا ۳۰ سال است در پی تقویت تروریسم در منطقه است!

● از اصلی‌ترین اهداف سفر هیات اروپایی به تهران گفتگو بر سر رفتار بی‌ثبات کننده جمهوری اسلامی در منطقه و برنامه‌های موشکی است.

رییس مجلس شورای اسلامی در دیدار با دیوید مک آلیستر رییس کمیته روابط خارجی پارلمان اروپا و هیات پارلمانی اتحادیه اروپا ادعا کرده آمریکایی‌ها داعش را با هلی کوپتر به افغانستان می‌برند.

علی لاریجانی در دیداری که چهارشنبه، ۲۴ بهمن، انجام و خبر آن یک روز بعد رسانه‌ای شد تأکید کرده به کمک CIA، عربستان، امارات و پاکستان حدود ۳۰ سال پیش تروریست‌ها در افغانستان به وجود آمدند تا با شوروی مقابله کنند و تا امروز از آن استفاده ابزاری می‌شود.

اولین بار تیرماه سال ۱۳۹۶ بود که ماریا زاخاروا سخنگوی وزارت خارجه روسیه از دولت افغانستان و فرماندهان آمریکایی و ناتو در این کشور خواست تا در مورد گزارش‌های مربوط به پرواز «هلی کوپترهای ناشناس» برای کمک به گروه تروریستی داعش

تسلیماتی شده است.

دهم بهمن علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در درس خارج فقه خود گفت، «هدف آمریکا از انتقال تروریست‌های داعش به افغانستان، موجه کردن ادامه حضور خود در منطقه و ایجاد امنیت برای رژیم صهیونیستی است.»

او تأکید کرد، آمریکا پس از شکست در سوریه و عراق به دنبال انتقال داعش به افغانستان است و کشتارهای اخیر در واقع آغاز همین نقشه است و آمریکایی‌ها به دنبال آن هستند که این منطقه روی خوش نیند و دولت‌ها و ملت‌های منطقه به خود مشغول باشند تا به فکر معارضه با عامل خبیث استکبار یعنی صهیونیسم نیفتند.

مقام‌های جمهوری اسلامی اما گفته‌اند این پروازها یا انتقال زمینی نیروهای داعش از چه مسیری صورت می‌گیرد. نزدیک‌ترین فاصله زمینی میان سوریه (دیرالزور) تا افغانستان (ولایت ننگرهار) ۳۶۲۰

داعش مستقر در عراق و سوریه به طور زمینی از ایران عبور کنند در غیر این صورت باید خارج از مرزهای شمالی ایران این مسیر را طی کنند یعنی عبور از کشورهای ترکیه، ارمنستان یا گرجستان و آسیای مرکزی و ترکمنستان تا افغانستان. ادعای رژیم ایران در مورد حمایت آمریکا از داعش در حالیهست که تهران خود متهم ردیف اول در منطقه به عنوان بزرگترین حامی تروریسم است.

روزنامه فایننشال تایمز در گزارشی نوشته حضور ایران در جنگ سوریه برای سپاه موقعیت‌های مناسب سرمایه‌گذاری را فراهم کرده که توافق بر سر راهاندازی اپراتور تلفن همراه، مشارکت در بهره‌برداری از معدن فسفات و توسعه کشاورزی نمونه‌هایی از آنهاست.

محمدجواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی نیز در دیدار با حیدرالعبادی نخست وزیر عراق در حاشیه کنفرانس بازسازی این کشور پس از داعش که در کویت برگزار می‌شود گفته جمهوری اسلامی برای هرگونه همکاری سیاسی و اقتصادی آماده است.

حال یکی از دلایل مهم سفر کمیته روابط خارجی اتحادیه اروپایی به تهران گفتگو برسر توسعه طلبی رژیم ایران در خاورمیانه است.

پیش از این امانوئل ماکرون رئیس جمهوری فرانسه در تازه‌ترین موضع‌گیری خود درباره ایران اعلام کرده بود فعالیت‌های موشکی ایران سرچشمه بی‌ثباتی در خاورمیانه است. رکن تیلرسون وزیر امور خارجه آمریکا نیز گفته که ایران باید نیروهای نظامی خود را از سوریه خارج کند.



فاصله جغرافیایی سوریه و عراق تا شرق افغانستان

در افغانستان توضیح دهند. روسیه ادعا کرده بود اطلاعات تازه در اختیار دارد که افراد مسلح شاخه افغانستان داعش به منطقه‌ی تورابورا در شرق افغانستان در ولایت ننگرهار منتقل شدند و به آنها کمک

دلار هم امنیتی شد: یواشکی ۵۰۶۰ تومان؛ «سین» کیست؟!



● خبرگزاری مهر نوشته به علت افت ۲۵ درصدی ارزش پول ملی دستگاه‌های امنیتی برای برخورد با سوداگران وارد میدان شده‌اند.

● بعد از بازداشت ۹۰ دلال ارز و پلمپ ۱۶ صرافی و جلسه محرمانه دولتی‌ها، بانک مرکزی «بسته ضدالتهاب بازار ارز» را منتشر کرد.

● رییس پلیس تهران از دستگیری «سین» خبر داد که گویا جانشین جمشید بسم‌الله شده است.

کنترل نرخ ارز توسط بانک مرکزی شکست خورده، قیمت دلار و یورو همچنان رکورد می‌زند و تنها کاری که برای دولت مانده پلیسی کردن بازار ارز است.

البته این سیاست هم جواب نمی‌دهد و ظهر چهارشنبه، ۲۵ بهمن، کار به آنجا رسید که صرافی‌ها دلار خرید و فروش ارز را زدن و قیل‌قالی هم یواشکی در کوچه‌های اطراف جمهوری و چهارراه استانبول دلار را به «دلار لازم‌ها» تا ۵۰۶۰ تومان فروختند.

صبح چهارشنبه، ۲۵ بهمن، دولت با کمک نیروی انتظامی و حکم قضایی صبح عزم خود را جزم کرده بود تا شاید با شوک چکشی نبض بازار ارز را در دست خود بگیرد. چند گروه کت و شلواری با تیریش و پرونده زیر بغل و خودکار به دست به همراه چند سرهنگ و سرگرد کلت به کمر بسته و چند سرباز به میدان فردوسی و چهارراه استانبول و جمهوری ریختند و ۱۰ صرافی را پلمپ کردند، گوش ۱۶ صراف را پیچاندند و هشدار پلمپ دادند و ۹۰ دلال را هم که آنها را «خالگران بازار ارز» معرفی کرده‌اند بازداشت کرده و با خود بردند.

سردار حسین رحیمی رییس پلیس تهران درباره اینکه آیا «جمشید بسم‌الله» نیز در این عملیات دستگیر شده یا نه، گفت: «فردی به نام «س» که جایگزین این فرد شده بود در عملیات امروز دستگیر شد.» در مهرماه سال ۹۱ هم وقتی نرخ ارز به طور چشمی بالا می‌رفت، دولت احمدی‌نژاد اعلام کرد که عامل این اخلال که فردی است

معروف به جمشید بسم‌الله بازداشت شده است. سردار حیمی اما توضیح نداد که «سین» کیست و چکاره است که می‌تواند یک‌تنه نرخ ارز را تعیین کند؛ ولی تأکید کرده که پلیس فضای دلالان و اخلاگران بازار ارز را با حضور و نظارت مؤثر از بین خواهد برد.

خبرگزاری مهر نیز نوشته به علت افت ۲۵ درصدی ارزش پول ملی سوداگران وارد میدان شده‌اند. ادعا شده ۷۵۵ حساب متعلق به دلالان ارزی با ۲۰ هزار میلیارد تومان گردش مالی مسدود شده است تا بلکه اوضاع سامان پیدا کند.

بعضی صراف‌ها می‌گویند دستور گرفته‌اند پشت تابلوی صرافی‌ها قیمت غیرواقعی بزنند. آنها هم وقتی دیدند اوضاع بازار تا این حد امنیتی شده و مسئولان به جای اینکه به حل بحران از ریشه بپردازند یقه صراف‌ها را می‌گیرند خود را خلاص کرده و پشت شیشه‌ها نوشته‌اند خرید و فروش ارز نداریم!

طرفداران دوآتشه دولت حسن روحانی که مرغ‌شان یک پا دارد همچنان مدعی هستند سپاه بازار ارز را دستکاری کرده که دولت را کله‌پا کند.

پدرام سلطانی نایب رییس اتاق بازرگانی ایران در پاسخ به اینکه چرا مردم به خرید بیشتر دلار و طلا روی آورده‌اند گفته «سیاست‌های اشتباه بانک مرکزی از جمله تزریق اسکناس دلار به صرافی‌ها با نرخ پایین‌تر باعث شد که ارز و طلا از چرخه اقتصادی خارج شود و به خانه‌ها برود؛ عملاً یعنی دلار را دور ریخته‌ایم که به ضرر اقتصاد ایران و به نفع خزانه‌داری آمریکا است.»

اسحاق جهانگیری معاون اول دولت، رییس بانک مرکزی و مدیران چند بانک جلسه محرمانه برگزار

پی نوشت؛ چگونه برای ۲ ساعت کار در سال، ۱۴ میلیارد تومان بودجه بگیریم؟!



در اینجا اهمیت پی نوشت بیش از متن است

پی‌نوشت یا همان پن. معروف، سری جدید گزارش‌های کوتاه و ویدیویی کیهان لندن است که زوایای دیگری از متن و رویدادها را به نمایش می‌گذارد. این بار: چگونه برای ۲ ساعت کار در سال، ۱۴ میلیارد تومان بودجه بگیریم؟!

جشنواره فیلم «فجر» تقدیم می شود به سازمان رسانه‌ای اوج از زیرمجموعه‌های سپاه!



سارا بهرامی برنده سیمرع بهترین بازیگر زن، امیر جدیدی بهترین بازیگر مرد و سحر دولت‌شاهی برنده بهترین بازیگر نقش دو

باید ویتترین محصولات رانته سینما خواند چرا که اگر پیش از این نهادها و ارگان‌ها در بخش «تجلی اراده ملی» به فیلم‌های نزدیک به اهداف خود جایزه می‌دادند، امسال این برگزارکنندگان جشنواره فیلم «فجر» بودند که به نهادها و ارگان‌ها جایزه خود را اهدا کردند.

در این میان، کنار گذاشتن فیلمی چون «لاتاری» ساخته محمدحسین مهدویان (که در مدت زمان کوتاه حضورش در سینما، کارنامه نامعتبری برای خود درست کرده) از مهم‌ترین اتفاقات جشنواره بود.

«لاتاری» که مختصات عیان یک فیلم رانته و حکومتی را دارد، فقط

سینمای ایران اجرا کرد. با این حال، منتقدان سینمایی روی آنتن صدا و سیمای جمهوری اسلامی، «به وقت شام» را فیلمی تبلیغاتی و ایدئولوژیک خواندند که دارد شو اجرا می‌کند و فرمان کار از دست کارگردانش خارج شده است.

امیر قادری منتقد سینما در یک برنامه اینترنتی گفت که تا کنون فیلمی به بدی این فیلم در تاریخ سینمای جهان ساخته نشده و باید به همین دلیل دیدن آن را از دست نداد! این منتقد در حالی که پوزخند می‌زد گفت که «به وقت شام» شبیه فیلم‌های «هورور زامبی» است که تماشاگر می‌تواند با دیدن آن لذت

● «وقتی مستقل‌ها مشغول تماشای تقسیم غنائم در مراسم اختتامیه بودند، حاتمی‌کیا هنگام گرفتن جایزه‌اش بر سر منتقدان فیلمش فریاد کشید.

آزاده کریمی - جشنواره فیلم «فجر» سی و ششمین دوره خود را در حالی پشت سر گذاشت که «تنگه ابوقریب» و «به وقت شام» از تولیدات سازمان فرهنگی رسانه‌ای «اوج»، از زیرمجموعه‌های سپاه پاسداران جوایز اصلی را از آن خود کردند.

در این دوره از جشنواره فیلم «فجر»، ۲۵ فیلم سینمایی به رقابت پرداختند که جوایز اصلی آن به سپاه پاسداران برای «تنگه ابوقریب» ساخته بهرام توکلی و «به وقت شام» ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا اهدا شد.

در حالی که ابراهیم حاتمی‌کیا با «به وقت شام» یک پروپاگاندای تمام‌عیار برای توجیه حضور نظامی جمهوری اسلامی در سوریه راه انداخته بود ولی این فیلم چنان از نظر ساختاری و تکنیکی، باسماهی از آب درآمد که منتقدان تلویزیونی هم حاضر نشدند از آن دفاع کنند.

این فیلمساز که از ابتدا با رانت حکومتی پا به سینمای ایران گذاشته، از وزارت اطلاعات، بنیاد سینمایی فارابی، حوزه هنری تا سپاه پاسداران زیر بال و پرش را گرفته‌اند ولی حالا به با «یک بفرمایید شام!» به قول یکی از منتقدان سینمایی، یک مشت پول را به آتش کشیده است.

با اینکه غیروابسته‌ها در مراسم پایانی فیلم «فجر»، تقسیم غنائم سیمرع به خودی‌ها را در سکوت تماشا می‌کردند، حاتمی‌کیا، آن هم هنگام دریافت جایزه بهترین کارگردانی، درباره عدم حمایت منتقدان در صدا و سیما به پرخاشگری پرداخت.

فیلمساز همواره مورد عنایت سینمای جمهوری اسلامی گفت که یک فیلمساز وابسته و حکومتی است و افتخار می‌کند برای سازمان «اوج» فیلم ساخته و قاسم سلیمانی از او حمایت کرده است.

فریاد «حکومتی بودن» حاتمی‌کیا اگرچه برای مخاطبان جدی سینمای ایران موضوعی تکراری است ولی او همواره تلاش کرده این پرچم را از خود دور کند؛ چنانکه سال ۱۳۹۲ از منتقدانش شاکای بود که چرا به او حکومتی می‌گویند.

حضورش در مراسم دیدار با سیدعلی خامنه‌ای طبق روال همیشگی و نشست کنار دست رهبر جمهوری اسلامی به عنوان یک نورچشمی، عذرخواهی فوری رئیس صدا و سیما از عملکرد برنامه «هفت» درباره فیلم وی و پیام ستایش‌آمیز محمدعلی جعفری فرمانده کل سپاه پاسداران که حاتمی‌کیا را «شجاع، وطن‌دوست و خالص» خوانده، کنسرت گوش‌خراش حکومت‌خوانی را در بلندگوها برای



ابراهیم حاتمی‌کیا فیلمساز رانته در حال فریاد و بهرام توکلی فیلمساز تازه رانته شده آرام و دست به سینه!

در یک بخش صداگذاری کاندیدا شد که آن را هم به دست نیارود. برای همین هم تهیه‌کننده آن محمود رضوی موضوع شکایت از دبیرخانه فیلم «فجر» را پیش کشید. او در اینستاگرام خود نوشت که یک تیم حقوقی به او گفته‌اند که امکان شکایت از دبیرخانه فیلم «فجر» را دارد ولی پس از واکنش رسانه‌ها به این پست اینستاگرامی، اعلام کرد که قصد شکایت ندارد.

شکایت تهیه‌کننده «لاتاری» از دبیرخانه فیلم «فجر» اگر انجام می‌گرفت، اولین شکایت یک تهیه‌کننده از یک جشنواره، به خاطر جایزه نگرفتن، در طول تاریخ حیات سینما در جهان می‌بود چرا که همه می‌دانند داوری بحثی سلیقه‌ای است و جایزه نگرفتن یک فیلم در جشنواره، شکایت‌بردار نیست.

رضوی یا از مختصات جشنواره‌ای بی‌خبر است یا آنقدر به کنه جشنواره نزدیک است که می‌داند زد و بندهای پشت جویز تا چه اندازه وابسته به عوامل غیرسینمایی است.

جشنواره سی و ششم فیلم «فجر» با عدم اقبال سینماگران شناخته شده برای حضور در آن، حذف بخش فیلمسازان فیلم اولی، اعتراض سینماگران رانته چون حاتمی‌کیا، نامزد شدن فیلم‌های کمی مستقل ولی نداشتن اقبال کسب جایزه و حذف زنان در بخش تلویزیونی مراسم بازگشایی و پایانی خلاصه می‌شود که مجموعاً یکی از بی‌خاصیت‌ترین دوره‌های جشنواره فیلم «فجر» را رقم زد.

ببرد و بخندند! صرف نظر از سینماگران رانته مانند حاتمی‌کیا در این دوره از جشنواره فیلم فجر، حکایت غم‌انگیز رانته شدن فیلمسازان مستقلی چون بهرام توکلی است. توکلی یکی از بااستعدادترین فیلمسازان جوان ایران است که با ساختن فیلمی سفارشی برای سازمان فرهنگی رسانه‌ای «اوج» با عنوان «تنگه ابوقریب»، به جشنواره فیلم «فجر» آمد و به طور مشترک با حاتمی‌کیا جایزه بهترین کارگردان جشنواره را دریافت کرد.

با اینکه او در نشست فیلمساز در جشنواره تلاش کرد با غیرمستقل خواندن کلیت سینمای ایران، از بار سنگین وابستگی شانه خالی کند ولی شرکت این فیلمساز در ارتش سینمای رانته و حکومتی، زنگ خطری است برای سینمای ایران که روز به روز به پول‌های ناپاک و پنهان حکومت آلوده می‌شود و مثل ویروس حتی به مستقل‌ها نیز سرایت می‌کند. تکنیک و کارگردانی «تنگه ابوقریب» برخلاف «به وقت شام» از سوی تماشاگران و منتقدان ستایش شد ولی برخی از اصول‌گرایان آن را اثری ضدجنگ و خالی از باورهای ارزشی دانستند. سینمای ایران امروز به شدت در خطر قبضه اندیشه و اعتبارفروشی سینماگران است؛ سینماگرانی که ادعای استقلال می‌کنند و در عین حال پشت پرده از بودجه‌های بادآورده حکومتی تغذیه می‌شوند و محصولات یکبار مصرف «ارزشی» تحویل می‌دهند. جشنواره فیلم «فجر» امسال را

در سالمرگ فروغ فرخزاد گورستان ظهیرالدوله تعطیل کرده است!



گورستان تاریخی ظهیرالدوله که محل دفن فروغ فرخزاد شاعر نامدار معاصر است، در پنجاه و یکمین سالمرگ وی با درهای بسته مواجه شدند. امروز سالروز درگذشت فروغ فرخزاد شاعر نامدار و نوگرایی ایرانی است که حتی پس از مرگ نیز با محدودیت و نگاه‌های بسته و ایدئولوژیک روبروست. پیگیر این شاعر در گورستان تاریخی ظهیرالدوله به خاک سپرده شده که همواره با مراجعه‌کنندگان برخورد غیرمستولانه داشته است.

این گورستان که علاوه بر فروغ فرخزاد، محل دفن بزرگان دیگری هم هست، فقط در روزهای پنجشنبه و جمعه و آن هم به صورت تفکیک جنسیتی و زنانه و مردانه به روی

مراجعه‌کنندگان باز است. اغلب مراجعه‌کنندگان به این گورستان قطعاً خاطرات تلخی از برخوردهای غیرمودبانه مسئولان آن و انتظارات طولانی پشت درهای بسته آن دارند. مشخص نیست مسئول این گورستان چه نهادی است و پاسخگویی با چه کسی است. هیچ یک از ارگان‌های اوقاف و امور خیریه، شهرداری تهران و میراث فرهنگی خود را مسئول مستقیم این گورستان تاریخی و فرهنگی نمی‌دانند!

امروز بازدیدکنندگان فراوانی در سالمرگ فروغ به خانه ابدی وی شتافتند ولی حتی در گورستان‌ها را نیز به روی دوستداران فرهنگ و هنر می‌بندند!

● مراجعه‌کنندگان با در بسته ظهیرالدوله مواجه شدند.

● برای مراجعه‌کنندگان تفکیک جنسیتی در این گورستان برقرار شده.

● حتی درهای گورستان را نیز به روی دوستداران فرهنگ و هنر می‌بندند.

گورستان تاریخی ظهیرالدوله محل دفن فروغ فرخزاد در پنجاه و یکمین سالمرگ این شاعر معاصر بسته است! پیش از این نیز مسئولان این گورستان مراجعه به آن را تفکیک جنسیتی کرده بودند! مراجعه‌کنندگان به

مرضیه برومند: من با حجاب اجباری مخالفم ولی او بدریخت و بددهن و مو وزوزی است!



● مرضیه برومند می‌گوید مصاحبه‌اش با طالبی نژاد مربوط به مهرماه است.

● وی گفته است: با دخالت و رهبری‌نمایی‌هایی که در خارج از کشور و در امان بسر می‌برند مخالف است.

● پس از انتقاد برومند از مسیح علی‌نژاد، کاربران اینترنتی تصاویر بی‌حجاب برومند در قبل از انقلاب را منتشر کردند.

می‌کند. وی بدون اینکه نامی از علینژاد ببرد، در اظهاراتی عجیب گفته: «خانم اسمشو نبر که اینطوریه (با دست به موها اشاره می‌کند) بدریخت، بددهن (احمد طالبی‌نژاد می‌گوید وزوزی) خود نیز نوشته که «گفتگوی من با احمد طالبی‌نژاد هم جدید نیست و در

داخل به نفع خودشان مصادره کنند و بهانه به دست تندرورها بدهند و جوان‌های نازنین ما را به مخاطره بیاندازند نیز به شدت مخالفم...»

این کارگردان آثار مربوط به کودک و نوجوان درباره گفتگوی منتشر شده خود نیز نوشته که «گفتگوی من با احمد طالبی‌نژاد هم جدید نیست و در

مهرماه گذشته انجام شده، بهتر است آن را کامل ببینید.»

روز گذشته بخشی از ویدئوی گفتگوی مرضیه برومند با احمد طالبی‌نژاد منتقد سینما در فضای مجازی منتشر شد که در آن این کارگردان از کمپین «چهارشنبه‌های سفید» و فعالیت‌های مسیح علی‌نژاد برای مبارزه با حجاب اجباری انتقاد

مرضیه برومند در واکنش به انتقادش به کمپین «چهارشنبه‌های سفید» و مسیح علی‌نژاد می‌گوید با حجاب اجباری مخالف است و خودش هم «به مفهوم رایج» هرگز محجبه نبوده و نیست.

مرضیه برومند کارگردان و بازیگر قدیمی تلویزیون در واکنش به انتقادهایی از «مو وزوزی» خواندن مسیح علی‌نژاد در اینستاگرام خود نوشت که با حجاب اجباری مخالف است و خودش هم به مفهوم رایج هرگز محجبه نبوده و نیست.

وی نوشته است: «اما با دخالت و رهبری‌نمایی‌هایی که در خارج از کشور و در امان بسر می‌برند و مترصد هستند تا هر جنبش اجتماعی را در



مرضیه برومند در گفتگو با احمد طالبی نژاد

مهرماه گذشته انجام شده، بهتر است آن را کامل ببینید.»

روز گذشته بخشی از ویدئوی گفتگوی مرضیه برومند با احمد طالبی‌نژاد منتقد سینما در فضای مجازی منتشر شد که در آن این کارگردان از کمپین «چهارشنبه‌های سفید» و فعالیت‌های مسیح علی‌نژاد برای مبارزه با حجاب اجباری انتقاد

سپاه پاسداران مستندات و مدارک مرگ کاووس سیدامامی را در اختیار مجلس شورای اسلامی قرار می دهد!



● تابش از دیدار فراکسیون محیط زیست مجلس شورای اسلامی با خانواده بازداشت شدگان فعال محیط زیست در آینده خبر داد.
● نهاد امنیتی که فعالان محیط زیستی را بازداشت کرده اعلام نشده ولی سپاه مدارکی درباره مرگ سیدامامی در اختیار دارد.

به مجلس ارائه دهد.»
تابش همچنین از دیدار با خانواده بازداشت شدگان فعال محیط زیست خبر داده و گفته که در ادامه بررسی دستگیری این افراد و مرگ دکتر سیدامامی در زندان این دیدار انجام خواهد گرفت. رئیس فراکسیون محیط زیست اعلام کرد که روزهای آینده جلسه‌ای نیز با مسئولین قضایی، سازمان زندان‌ها، سپاه، وزارت اطلاعات و سازمان محیط زیست خواهند داشت. وی تاکید کرد اتهامات افراد بازداشت شده باید در «محاکم قضایی» اثبات شود.
روز یکشنبه عباس جعفری دولت آبادی در حاشیه تظاهرات ۲۲ بهمن خبر فوت کاووس سیدامامی در زندان را تایید کرد و مدعی شد که این استاد دانشگاه پیش از دست زدن به آنچه وی «خودکشی» خوانده، اعترافات کرده است.
محسنی اژه‌ای، سخنگوی قوه قضاییه، نیز روز دوشنبه، ۲۳ بهمن، گفت افراد دستگیر شده به دادن «اطلاعات طبقه‌بندی شده و از مراکز حساس به سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه از جمله رژیم صهیونیستی و آمریکا» متهم هستند که بعضی از آنها در بازداشت به سر می‌برند.
وی درباره درگذشت سیدامامی در

عیسی کلانتری در واکنش به ادعای جاسوسی موشکی محیط‌زیستی‌ها: دوربین‌های رصد یوزپلنگ حداکثر ۵۰ متر دید دارند!



عیسی کلانتری تا امروز نسبت به وضعیت بازداشت‌شدگان زیست محیطی سکوت کرده بود

● عیسی کلانتری که قبلاً بازداشت کاوه مدنی را در گفتگو با محمود صادقی تایید کرده بود حالا می‌گوید کاوه مدنی بازداشت و بازجویی نشده است!
● «اطلاعی از وضعیت پرونده سیدامامی ندارم.»
-بی‌اطلاعی و عدم شفافیت و پاسخ نگفتن از سوی مسئولان محیط زیست نشانگر ناتوانی و محدودیت اختیارات مقامات دولت است که حتی در حیطة مسئولیت خود قادر و مجاز به اظهار نظر و اطلاع‌رسانی نیستند!

رئیس سازمان محیط زیست می‌گوید دوربین‌هایی که برای رصد یوزپلنگ‌ها در برخی مکان‌ها نصب شده، حداکثر دارای دید ۵۰ متری است. دادستان تهران پیش از این گفته بود، بازداشت‌شدگان اخیر به بهانه فعالیت‌های محیط زیستی پایگاه‌های موشکی را رصد می‌کرده‌اند!
عیسی کلانتری رئیس سازمان محیط زیست که پس از انتشار خبر دستگیری فعالان محیط زیستی و مرگ مشکوک کاووس سیدامامی سکوت کرده بود، امروز چهارشنبه، ۲۵ بهمن‌ماه، در حاشیه نشست هیات دولت به خبرنگاران گفته که «در حال حاضر دستگاه وزارت اطلاعات در حال پیگیری موضوع است.»
در حالی که خبر بازداشت کاوه مدنی معاون رئیس سازمان محیط زیست در فضای مجازی انتشار یافت

و شایعاتی مبنی بر همراهی مأموران امنیتی با وی در هنگام صحبت «لایو» در اینستاگرام نیز درز پیدا کرد، کلانتری مدعی شده که اصلاً کاوه مدنی بازداشت نشده است!
وی حتی در پاسخ به این سوال که کاوه مدنی بازجویی شده، ادعا کرد: «او تاکنون بازجویی نشده است.»
در حالی که محمود صادقی نماینده مجلس شورای اسلامی روز ۲۲ بهمن خبر داد که در گفتگو با عیسی کلانتری وی بازداشت کاوه مدنی را تایید کرده است!
کلانتری همچنین از وضعیت پرونده کاووس سیدامامی اظهار بی‌اطلاعی کرد و گفت: «اطلاعی از این پرونده ندارم.»
با اینکه پاسخ‌های کلانتری به رسانه‌ها قانع‌کننده نیست ولی در واکنش به اظهارات عصر گذشته عباس جعفری دولت آبادی دادستان تهران مبنی بر استفاده از دوربین‌های محیط زیستی برای جاسوسی درباره فعالیت‌های موشکی سپاه، گفت: «دوربین‌هایی که برای رصد یوز

کارکنان موسسه «حیات وحش میراث پارسیان»: جوسازی انشعاب‌کنندگان سبب دخالت دستگاه‌های اطلاعاتی شد



● «سیدامامی را برای صبحانه یا چیز دیگری بیدار می‌کنند، که می‌بینند در سرویس بهداشتی خود را حلق آویز کرده است.»
● «چرا خبر بازداشت دیر اعلام شده و اگر مقوله جاسوسی است، نقش وزارت اطلاعات در پرونده چیست؟»
● «البته یک خورده هم تقصیر همکاران ما بود. زنگ مجلس خورده بود، ساعت نزدیک دو بود و دیگر دوستان نرسیدند تا آخر فیلم را رؤیت کنند.»

رئیس فراکسیون محیط زیست مجلس شورای اسلامی می‌گوید در دیداری که با کارکنان موسسه «حیات وحش میراث پارسیان» داشتند، آنها گفتند افرادی مرتبط به این موسسه در خارج و داخل کشور که از این موسسه انشعاب کرده بودند، جوسازی و شایعه‌پراکنی‌هایی داشته‌اند و این امر سبب دخالت دستگاه‌های اطلاعاتی در این مقوله شده است.
محمدرضا تابش رئیس فراکسیون محیط زیست مجلس شورای اسلامی از دیدار اعضای این فراکسیون با جمعی از خانواده‌های زندانیان محیط زیست و کارکنان موسسه «حیات وحش میراث پارسیان» خبر داد.
این نماینده مجلس شورای اسلامی از قول کارکنان «موسسه حیات وحش پارسیان» گفته که «این کارکنان از علاقه‌مندی سیدامامی نسبت به مسائل زیست‌محیطی و کمک‌های وی سخن گفتند و در صحبت‌هایشان بیان کردند افرادی مرتبط با این موسسه در خارج و داخل کشور که از این موسسه انشعاب کرده بودند، جوسازی و شایعه‌پراکنی‌هایی داشته‌اند و این امر سبب ورود دستگاه‌های اطلاعاتی به این مقوله شده است.»

وی اضافه کرد که این کارمندان تاکید داشتند که تمامی فعالیت‌های آنها صرفاً زیست‌محیطی بوده و همه اقدامات آنها در داخل و خارج کشور با هماهنگی دستگاه‌های مربوطه انجام شده و آنها برای تمامی اقدامات و فعالیت‌های خود مجوزهای لازم را داشته‌اند. رئیس فراکسیون محیط زیست مجلس شورای اسلامی روایت تازه‌ای از مرگ کاووس سیدامامی در جلسه نمایندگان مجلس با کارشناسان مربوط به این پرونده داشته و گفته است: «کارشناسان مربوطه در این جلسه بیان کردند سیدامامی در مواجهه با یکی از دستگیرشدگان که اعتراف کرده فعالیت‌های خارج از عرفی داشته است، بخشی از مسئولیت امر را پذیرفته و برآشفته و مضطرب به سلول باز می‌گردد و بعد فیلمی به ما نشان دادند که در این فیلم سیدامامی سعی در شکستن لامپ بالای سرش دارد و در سلول پیراهن خود را در می‌آورد و به گردن می‌آویزد.»
این نماینده مجلس همچنین روایت کامل جلالی از مرگ این فعال محیط زیستی را تکرار کرد و گفته است: «کارشناسان در آن جلسه بیان کردند به دلیل این که سیدامامی در سرویس بهداشتی خود را حلق آویز کرده، فیلمی از این اقدام وجود ندارد.»
پیش از این جلالی نماینده دیگر مجلس شورای اسلامی گفته بود که سیدامامی در سرویس بهداشتی دست به خودکشی زده و موضع تصویری

مطهری: اپراتور زندان متوجه قصد خودکشی کاووس سیدامامی نشد!



● فرزندان سیدامامی: سه‌شنبه ۲۴ بهمن مراسم خاکسپاری پدرم را برگزار می‌کنیم. - علی مطهری: توضیحات ارائه شده سپاه کافی نیست.

نشان می‌دهد احتمالاً قصد خودکشی دارد. در اینجا کوتاهی اپراتور روشن است که متوجه این اتفاق نشده در حالی که باید زودتر متوجه می‌شده و از این اتفاق جلوگیری می‌کرده است. به نظر می‌رسد در این زمینه کوتاهی شده و خودشان هم قبول دارند.»
به گفته نقوی‌حسینی، «خانواده مرحوم هم وقتی فیلم را دیدند برداشت آنها همین بود که هیچ عاملی دخالت در مرگ ایشان نداشته و کاملاً اقدامی از طرف خودش بوده و حتی درخواست کالبدشکافی هم نکردند برای این مرحوم، چون کاملاً واضح و روشن است.»
وی اضافه کرد: «ایشان به دلیل اینکه استاد دانشگاه بودند، در مکان خاص و مناسب‌تری نگهداری می‌شدند و فیلم کاملاً مسجل است و نشان می‌دهد که ایشان خودش خودکشی می‌کند. هیاتی که فیلم را دیدند هم به اتفاق تایید کردند که اقدام ایشان شخصی و خودکشی است.»
از سوی دیگر، محمدرضا عارف رئیس فراکسیون امید هم گفته که «امروز همچنین فیلمی برای تعداد محدودی از نمایندگان به نمایش گذاشته شد؛ این فیلم در اتافی بود که ایشان (سیدامامی) نگهداری می‌شد و گفتند چون استاد دانشگاه بود سوئیت خوبی

در حالی که سخنگوی کمیسیون امنیت ملی از تایید فیلم «خودکشی» کاووس سیدامامی توسط تمامی نمایندگان مجلس شورای اسلامی خبر داد، ولی علی مطهری گفته که در این فیلم لحظه خودکشی مشهود نیست. با این حال، فرزندان سیدامامی در اینستاگرام شخصی خود اعلام کرد که مراسم خاکسپاری این استاد ایرانی-کانادایی سه‌شنبه، ۲۴ بهمن‌ماه، برگزار می‌شود.
علی مطهری نایب رئیس مجلس شورای اسلامی با اشاره به جلسه روز دوشنبه‌ی نمایندگان مجلس با نیروهای اطلاعات سپاه درباره مرگ مشکوک کاووس سیدامامی گفته که توضیحات ارائه شده کافی نیست و مجلس منتظر تکمیل اطلاعات خود در این زمینه است.
با این حال، حسن نقوی‌حسینی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی به صدا و سیما جمهوری اسلامی در اظهارات متناقضی گفته که «در این فیلم کاملاً شفاف و روشن مشاهده شد که ایشان (سیدامامی) خودشان مقدمات خودکشی را فراهم می‌کنند، پیراهن خودشان را در می‌آورد و آماده می‌کنند برای این کار. حتی تختی را که در آن استراحت می‌کردند طوری بازسازی کردند که اگر مأمورینی آمدند و تحت را دیدند احساس کنند که کسی خوابیده، یعنی با بالشت و پتویی که داشتند، آنجا را به شکلی بازسازی کردند که همه احساس کنند که ایشان در تختش خوابیده.»
اما مطهری با بیان اینکه «در این فیلم لحظه خودکشی مشهود نیست» گفته که «حدود هفت ساعت دقیقاً ایشان (سیدامامی) مشغول اقداماتی است که

نشست «امروز و فردای ایران سی و هشت سال پس از انقلاب ۱۳۵۷» در لندن



«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

گاندی برای مطالعات صلح در دانشگاه جیندال در دهلی نو زیر عنوان «چرا نمی‌توانیم منتظر بمانیم؟ دگرپوئی دیگری در آینه کثرت‌گرایی همدلانه و گفتگوی میان‌فرهنگی» سخن گفت.

سخنران سوم این نشست دکتر حسین لاجوردی جامعه‌شناس و رئیس انجمن پژوهشگران ایران بود که درباره «مسئولیت ما در امروز و فردای ایران» صحبت کرد.

در بخش دوم نشست، پرسش و پاسخ با مدیریت رویا کاشفی سرپرست کمیته حقوق بشر انجمن پژوهشگران ایران و یکی از بینندگان ایرانی انجام شد.

کیهان لندن گزارشی ویدئویی از این نشست تهیه کرده است.

بشر انجمن پژوهشگران ایران و یکی از بینندگان ایرانی یکاوی شرکت داشتند. ائتلاف بین‌المللی علیه خشونت در ایران (ایکاوی) همایشی با عنوان «امروز و فردای ایران سی و هشت سال پس از انقلاب ۱۳۵۷» در لندن برگزار کرد.

در این نشست روحی شفیعی بنیانگذار و سرپرست ایکاوی، دکتر کاوه موسوی حقوقدان و استاد سابق دانشگاه آکسفورد در رشته حقوق بشر و بنیانگذار و نخستین رئیس حقوق منافع مردمی در دانشگاه آکسفورد، دکتر رامین جهانگیلو استاد فلسفه و مدیر اجرایی مرکز مهاتما گاندی برای مطالعات صلح در دانشگاه جیندال در دهلی نو، دکتر حسین لاجوردی جامعه‌شناس و رئیس انجمن پژوهشگران ایران و رویا کاشفی سرپرست کمیته حقوق

جعفر پناهی و محسن مخملباف، و پژوهشگرانی چون محسن کدیور و کاظم کردوانی و همچنین نرگس محمدی فعال حقوق بشر که در زندان اوین دوران محکومیت خود را می‌گذراند به عقیده امضاکنندگان این بیانیه، راهکار برون‌رفت از این مشکلات بنیادین، گذار مسالمت‌آمیز از نظام جمهوری اسلامی به یک دموکراسی سکولار پارلمانی مبتنی بر آرای آزاد مردم، رعایت کامل حقوق بشر و رفع همه تبعیض‌های نهادینه به ویژه برابری کامل زنان، اقوام، ادیان و مذاهب در همه زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است.

احمد رفت با محسن سازگارا یکی از امضاکنندگان این فراخوان در واشنگتن گفتگویی انجام داده است.

بیانیه فراندوم برای گذار از جمهوری اسلامی یک ترجمه از شعار و خواست مردم است



«برای دیدن ویدئو، روی عکس کلیک نموده و یا به سایت کیهان لندن مراجعه نمایید.»

حسن روحانی پیشدستی کرده و به لزوم برگزاری فراندومی برای حل مشکلات نظام در سخنرانی خود به مناسبت ۲۲ بهمن اشاره کرده بود.

فراخوانی با ۱۵ امضا با خواست برگزاری فراندومی برای تعیین نوع حکومت و گذار از جمهوری اسلامی اخیراً منتشر شده است. هشت نفر از امضاکنندگان در داخل کشور و ۷ نفر دیگر در خارج از مرزهای ایران زندگی می‌کنند. امضاکنندگان این فراخوان فعالان سیاسی هستند چون محمد ملکی، محمد نوریزاد، ابوالفضل قدیانی، حشمت‌الله طبرزدی، حسن شریعتمداری و محسن سازگارا، حقوقدانانی چون نسرتیپ ستوده، شیرین عبادی، پیام اخوان و محمد سیف‌زاده، هنرمندان سرشناسی چون

در جریان خیزش مردمی دی‌ماه، در کنار شعارهایی چون «مرگ بر دیکتاتور» و «مرگ بر خامنه‌ای»، شعار «فراندوم، فراندوم اینه شعار مردم» هم در خیابان‌ها شنیده شد.

پانزده شخصیت سیاسی و حقوق بشری و هنری در فراخوانی خواهان برگزاری فراندومی با نظارت بین‌المللی برای گذار از نظام شدند.

در این فراخوان برای اولین بار نام‌های شخصیت‌های داخل و خارج از کشور در یک بیانیه سیاسی در کنار هم دیده می‌شود.

برخی از امضاکنندگان این فراخوان در آخرین انتخابات ریاست جمهوری نیز شرکت کرده بودند و برای اولین بار لزوم گذار از نظام کنونی را می‌پذیرند. ساعاتی قبل از انتشار این فراخوان،

سازگارا، سیف‌زاده، هنرمندان سرشناسی چون در جریان خیزش مردمی دی‌ماه، در کنار شعارهایی چون «مرگ بر دیکتاتور» و «مرگ بر خامنه‌ای»، شعار «فراندوم، فراندوم اینه شعار مردم» هم در خیابان‌ها شنیده شد.

پانزده شخصیت سیاسی و حقوق بشری و هنری در فراخوانی خواهان برگزاری فراندومی با نظارت بین‌المللی برای گذار از نظام شدند.

در این فراخوان برای اولین بار نام‌های شخصیت‌های داخل و خارج از کشور در یک بیانیه سیاسی در کنار هم دیده می‌شود.

برخی از امضاکنندگان این فراخوان در آخرین انتخابات ریاست جمهوری نیز شرکت کرده بودند و برای اولین بار لزوم گذار از نظام کنونی را می‌پذیرند. ساعاتی قبل از انتشار این فراخوان،

طرح مجدد «فراندوم» از سوی حسن روحانی؛ مهر مرگ بر شناسنامه «اصلاحات»



روزنامه‌های حامی موسوی و خاتمی

کرده برگزاری همه‌پرسی است آیا اکثریت جامعه ما این وضع را قبول دارند؟!... ما با یافشاری روی مواضع غلط نمی‌توانیم مشکلات را حل کنیم، البته همه پرسشی باید از سوی یک نهاد بی‌طرف که مورد اعتماد باشد مثل خود مجمع تشخیص مصلحت [!] صورت گیرد، اگر اعتماد عمومی ضربه بخورد ادامه راه بدون مردم نه تنها مشکل است بلکه غیر ممکن است.»

امروز پس از گذشت تقریباً ۹ سال، ادامه‌ی راه دوباره ناممکن می‌شود. هشتاد و سه سال، ۳۰ تیر ۱۳۸۸، تیر اول چند روزنامه‌ی سبز تهران به نقل از سید محمد خاتمی بود: «همه پرسشی از مردم تنها راه حل است» که به همین دلیل نیز چند روزنامه بسته شدند از جمله «صدای عدالت»!

مردم برای تصمیم‌گیری، آن هم در شرایط کنونی ایران، تجلی نگرانی رهبری جمهوری اسلامی از مشروعیت نظام بین احاد ملت است. پیش از آنکه حسن روحانی به آنجا برسد که برگزاری فراندوم را پس از تظاهرات سراسری دی‌ماه که معترضان در شعارهای خود کل نظام را به پرسش کشیدند و فریاد زدند: «جمهوری اسلامی، نمی‌خوایم نمی‌خوایم»، مطرح کند، محمد خاتمی بود که این مسیر را ازمود و چوب آن را هم خورد. سیدمحمد خاتمی عصر روز یکشنبه، ۲۸ تیر ماه ۱۳۸۸، در دفتر قانون اساسی جمهوری اسلامی است که می‌گوید «در مسایل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد. در خواست مراجعه به آراء عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.»

فراندوم ابزاری است قانونی، در دست حاکمان و سیاستمدارانی که خواهان اجرای دموکراسی در مسائل مملکتی بر اساس رای و نظر شهروندان‌شان هستند. فراندوم همچنین می‌تواند مورد سوء استفاده انحصارطلبان و دیکتاتورها و نظام‌های ضدمردمی نیز قرار بگیرد، از جمله فراندوم جمهوری اسلامی در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ برای استقرار حکومت دینی در ایران که یکجانبه برگزار و البته موفق شد. اگر فراندوم میوه دموکراسی باشد و درخت در قانون اساسی دمکراتیک ریشه داشته باشد، برگزاری آن بدون نگرانی و همراه با مقبولیت نظام سیاسی است. اما به طور کلی ترس و وحشت از برگزاری فراندوم و مشارکت مستقیم

● خاتمی تیرماه ۸۸ گفته بود «همه پرسشی از مردم تنها راه حل است» حالا هشت سال گذشته روحانی نیز همان را تکرار می‌کند بدون آنکه هیچ کدام بگویند منظورشان از فراندوم چیست. آنها حتماً «همه‌پرسی» را مطرح نمی‌کنند که پاسخ «نه» به نظام را از مردم بگیرند!

● گروهی از پاسداران گفته‌اند «حرف از فراندوم زدن نه تدبیر است و نه سلیقه، اصل حرف مورداعتنا نیست.»

حسن روحانی در مراسم ۲۲ بهمن ۹۶ و در آغاز چهلین سال پیروری انقلاب اسلامی گفت راه خروج از بحران در ایران «فراندوم» است؛ زیر جایگاه سخنرانی یک عده بسیجی و دلواپس و بچه مدرسه‌ای مستقر شده بودند که شروع کردند به «هو» کردن و شعار دادند: «دروغگو دروغگو!»

آنچه روحانی گفت، براساس اصل ۵۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی است که می‌گوید «در مسایل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد. در خواست مراجعه به آراء عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد.»

فراندوم ابزاری است قانونی، در دست حاکمان و سیاستمدارانی که خواهان اجرای دموکراسی در مسائل مملکتی بر اساس رای و نظر شهروندان‌شان هستند. فراندوم همچنین می‌تواند مورد سوء استفاده انحصارطلبان و دیکتاتورها و نظام‌های ضدمردمی نیز قرار بگیرد، از جمله فراندوم جمهوری اسلامی در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ برای استقرار حکومت دینی در ایران که یکجانبه برگزار و البته موفق شد. اگر فراندوم میوه دموکراسی باشد و درخت در قانون اساسی دمکراتیک ریشه داشته باشد، برگزاری آن بدون نگرانی و همراه با مقبولیت نظام سیاسی است. اما به طور کلی ترس و وحشت از برگزاری فراندوم و مشارکت مستقیم

بیانیه فراخوان برگزاری فراندوم جهت تعیین نوع حکومت آینده ایران



● مجموعه تجربیات ۴۰ ساله حاکی از اصلاح‌ناپذیری نظام جمهوری اسلامی ایران است، چرا که نظام با پناه گرفتن در پشت مفاهیم الهی، استفاده ابزاری از دین، پیشه کردن دروغ و تزویر و عدم شفافیت، به هیچ گرفتن افکار عمومی، پشت پا زدن به حکومت قانون و موازین حقوق بشر، نقض نهادینه آزادی و حقوق ملت، ناتوانی مفرط از حل بحران‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و انسداد کلیه طرق نظارت قانونی و اصلاح مسالمت‌آمیز امور به مانع اصلی پیشرفت و رهایی ملت ایران تبدیل شده است.

● راهکار برون‌رفت از این مشکلات بنیادین، گذار مسالمت‌آمیز از نظام جمهوری اسلامی به یک دموکراسی سکولار پارلمانی مبتنی بر آرای آزاد مردم، رعایت کامل حقوق بشر و رفع همه تبعیض‌های نهادینه بخصوص برابری کامل زنان، قومیت‌ها، ادیان و مذاهب در همه زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌باشد.

زندگی روزمره و عادی جامعه عاجزند. تبیض، فساد و اختلاس‌های نجومی بیداد می‌کند. محتوای بسیاری از قوانین ظالمانه، مولد تبیض و مروج خشونت است. قوه قضائیه به جای اجرای عدالت و همین قوانین ناقص، مجری منویات سیاسی زمامداران شده است.

افراد مختلف از زنان، وکلا، روزنامه‌نگاران، معلمان، دانشجویان، کارگران و کنشگران سیاسی و اجتماعی به اتهام انتقاد از مسئولان، روشنگری افکار عمومی، دعوت دولتمردان به جدایی نهاد دین از حکومت، و درخواست لغو حجاب اجباری زنان، تحت آزارهای مداوم قرار گرفته، بازداشت و با احکام سنگین روانه زندان شده‌اند.

مجموعه تجربیات ۴۰ ساله حاکی از اصلاح‌ناپذیری نظام جمهوری اسلامی ایران است، چرا که نظام با پناه گرفتن در پشت مفاهیم الهی، استفاده ابزاری از دین، پیشه کردن دروغ و تزویر و عدم شفافیت، به هیچ گرفتن افکار عمومی، پشت پا زدن به حکومت قانون و موازین حقوق بشر، نقض نهادینه آزادی و حقوق ملت، ناتوانی مفرط از حل بحران‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و انسداد کلیه طرق نظارت قانونی و اصلاح مسالمت‌آمیز امور به مانع اصلی پیشرفت و رهایی ملت ایران تبدیل شده است.

زندگی روزمره و عادی جامعه عاجزند. تبیض، فساد و اختلاس‌های نجومی بیداد می‌کند. محتوای بسیاری از قوانین ظالمانه، مولد تبیض و مروج خشونت است. قوه قضائیه به جای اجرای عدالت و همین قوانین ناقص، مجری منویات سیاسی زمامداران شده است.

افراد مختلف از زنان، وکلا، روزنامه‌نگاران، معلمان، دانشجویان، کارگران و کنشگران سیاسی و اجتماعی به اتهام انتقاد از مسئولان، روشنگری افکار عمومی، دعوت دولتمردان به جدایی نهاد دین از حکومت، و درخواست لغو حجاب اجباری زنان، تحت آزارهای مداوم قرار گرفته، بازداشت و با احکام سنگین روانه زندان شده‌اند.

مجموعه تجربیات ۴۰ ساله حاکی از اصلاح‌ناپذیری نظام جمهوری اسلامی ایران است، چرا که نظام با پناه گرفتن در پشت مفاهیم الهی، استفاده ابزاری از دین، پیشه کردن دروغ و تزویر و عدم شفافیت، به هیچ گرفتن افکار عمومی، پشت پا زدن به حکومت قانون و موازین حقوق بشر، نقض نهادینه آزادی و حقوق ملت، ناتوانی مفرط از حل بحران‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و انسداد کلیه طرق نظارت قانونی و اصلاح مسالمت‌آمیز امور به مانع اصلی پیشرفت و رهایی ملت ایران تبدیل شده است.

● راهکار برون‌رفت از این مشکلات بنیادین، گذار مسالمت‌آمیز از نظام جمهوری اسلامی به یک دموکراسی سکولار پارلمانی مبتنی بر آرای آزاد مردم، رعایت کامل حقوق بشر و رفع همه تبعیض‌های نهادینه بخصوص برابری کامل زنان، قومیت‌ها، ادیان و مذاهب در همه زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می‌باشد.

زندگی روزمره و عادی جامعه عاجزند. تبیض، فساد و اختلاس‌های نجومی بیداد می‌کند. محتوای بسیاری از قوانین ظالمانه، مولد تبیض و مروج خشونت است. قوه قضائیه به جای اجرای عدالت و همین قوانین ناقص، مجری منویات سیاسی زمامداران شده است.

افراد مختلف از زنان، وکلا، روزنامه‌نگاران، معلمان، دانشجویان، کارگران و کنشگران سیاسی و اجتماعی به اتهام انتقاد از مسئولان، روشنگری افکار عمومی، دعوت دولتمردان به جدایی نهاد دین از حکومت، و درخواست لغو حجاب اجباری زنان، تحت آزارهای مداوم قرار گرفته، بازداشت و با احکام سنگین روانه زندان شده‌اند.

مجموعه تجربیات ۴۰ ساله حاکی از اصلاح‌ناپذیری نظام جمهوری اسلامی ایران است، چرا که نظام با پناه گرفتن در پشت مفاهیم الهی، استفاده ابزاری از دین، پیشه کردن دروغ و تزویر و عدم شفافیت، به هیچ گرفتن افکار عمومی، پشت پا زدن به حکومت قانون و موازین حقوق بشر، نقض نهادینه آزادی و حقوق ملت، ناتوانی مفرط از حل بحران‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و انسداد کلیه طرق نظارت قانونی و اصلاح مسالمت‌آمیز امور به مانع اصلی پیشرفت و رهایی ملت ایران تبدیل شده است.

● فراندوم سوپای برای وقت خریدن و امتیاز گرفتن همان‌ها که در تریبون‌ها و میتینگ‌های خود رای مردم را با شعار «مید به آینده» برای خود خریدند نه تنها در مسیر خود درجا زدند بلکه باز هم در برابر اعتراضات مردم به هشت سال پیش بازگشتند: جایی که خاتمی برگزاری فراندوم را مطرح کرد!

ادامه در صفحه ۱۷

زنان شاخص

رؤیا نونهالی

(۱۳۴۱ - تهران)



رؤیا نونهالی بازیگر و کارگردان تئاتر، سینما و تلویزیون است و در مدرسه ژاندارک تهران تحصیل کرده و مسلط به زبان انگلیسی و فرانسه و لیسانس رشته نقاشی از دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران است. اولین بازیگر زن که بلافاصله بعد از ورودش به سینما در سال ۱۳۶۷ سیمرغ بلورین از هفتمین جشنواره فیلم فجر را برای بازی در فیلم عروسی خوبان از آن خود کرد و همچنین او برای یک بازی کوتاه و نگاه پر معنایش در فیلم بوی کافور عطر یاس دوباره سیمرغ بلورین را از آن خود کرد و در هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های ۱۰۰ ثانیه‌ای با شعار سینمای اخلاق به همت حوزه تهران رویا نونهالی به عنوان با اخلاق‌ترین بازیگر زن تقدیر و قدرانی شد. فعالیت هنری وی از سال ۱۳۶۲ با بازیگری تئاتر و فعالیت در سینما از سال ۱۳۶۶ با حضور در فیلم «یار در خانه و...» ساخته خسرو سینایی آغاز شد و برای بازی در فیلم کوتاه هایلایت

شکم صاف یا مصرف این مواد غذایی

کمتر از چیزی که فکر می‌کنید کالری مصرف کرده‌اید. با انجام یک آزمایش مشخص شد خانم‌هایی که روزانه ۳ عدد سیب می‌خورند در مقایسه با سایر افراد خیلی سریع‌تر وزن کم می‌کنند.

برای داشتن تناسب اندام و کاهش وزن رژیم غذایی مناسب همراه با مواد غذایی مفید برای چربی سوزی باید برنامه ریزی شود. مصرف لفل قرمز و بادام که حاوی آنتی‌اکسیدان‌های مفید برای چربی سوزی می‌باشند بسیار مفید است.

بادام مملو از مواد غذایی مغذی است که بسیاری از آن‌ها برای سلامت بدن و کاهش وزن ضروری است. بادام حاوی فیبر است که باعث ایجاد حس سیری می‌شود. بادام میزان زیادی پروتئین دارد که به سوخت و ساز بدن تان کمک می‌کند. علاوه بر این منیزیم موجود در بادام به بالا رفتن میزان انرژی بدن هم کمک می‌کند. تحقیقات اخیر نشان می‌دهد، بادام حاوی ترکیباتی است که روند جذب چربی توسط بدن را تدریجی و کند می‌کند.

آیا می‌دانید امکان اینکه دائما در حال خوردن باشید و با این حال باز هم شکمی صاف و زیبا داشته باشید هم وجود دارد؟ ممکن است تمرینات ورزشی موضعی شکم مثل انواع کراچ، برای ساخت و تقویت عضلات مناسب باشد اما نمی‌تواند در سوختن چربی‌های زائد خیلی موثر و تاثیرگذار باشد. برای داشتن شکمی صاف و بدون چربی‌ها باید سالم غذا بخورید، از یک رژیم غذایی کم کالری پیروی کنید و تمرینات کاردیو انجام دهید و بدین شکل کالری بیشتری نسبت به آنچه که مصرف می‌کنید بسوزانید. پس اگر شما هم تصمیم دارید خوش‌اندام باشید و لذت داشتن یک شکم صاف و بدون چربی را تجربه کنید مطلب امروز ما را از دست ندهید. سبب سبب گاز زدن و جویدن مدوام آن باعث می‌شود مغزتان احساس کند بیشتر از مقداری که مصرف می‌کنید، غذا خورده‌اید. آیا می‌دانید امکان اینکه دائما در حال خوردن باشید و با این حال باز هم شکمی صاف و زیبا داشته باشید هم وجود دارد؟ ممکن است تمرینات ورزشی موضعی شکم مثل انواع کراچ، برای ساخت و تقویت عضلات مناسب باشد اما نمی‌تواند در سوختن چربی‌های زائد خیلی موثر و تاثیرگذار باشد. برای داشتن شکمی صاف و بدون چربی‌ها باید سالم غذا بخورید، از یک رژیم غذایی کم کالری پیروی کنید و تمرینات کاردیو انجام دهید و بدین شکل کالری بیشتری نسبت به آنچه که مصرف می‌کنید بسوزانید. پس اگر شما هم تصمیم دارید خوش‌اندام باشید و لذت داشتن یک شکم صاف و بدون چربی را تجربه کنید مطلب امروز ما را از دست ندهید.

سبب
سرخ یا سبزش فرقی ندارد، سبب سرشار از فیبر است و یک ماده غذایی کامل برای زمانی است که می‌خواهید وزن کم کنید و لاغر شوید؛ یا خوردن سبب خیلی سریع احساس سیری می‌کنید. سبب گاز زدن و جویدن مدوام آن باعث می‌شود مغزتان احساس کند بیشتر از مقداری که مصرف می‌کنید، غذا خورده‌اید. آیا می‌دانید امکان اینکه دائما در حال خوردن باشید و با این حال باز هم شکمی صاف و زیبا داشته باشید هم وجود دارد؟ ممکن است تمرینات ورزشی موضعی شکم مثل انواع کراچ، برای ساخت و تقویت عضلات مناسب باشد اما نمی‌تواند در سوختن چربی‌های زائد خیلی موثر و تاثیرگذار باشد. برای داشتن شکمی صاف و بدون چربی‌ها باید سالم غذا بخورید، از یک رژیم غذایی کم کالری پیروی کنید و تمرینات کاردیو انجام دهید و بدین شکل کالری بیشتری نسبت به آنچه که مصرف می‌کنید بسوزانید. پس اگر شما هم تصمیم دارید خوش‌اندام باشید و لذت داشتن یک شکم صاف و بدون چربی را تجربه کنید مطلب امروز ما را از دست ندهید.



است، غذاهایی که حاوی انواع آنتی‌اکسیدان‌ها هستند می‌توانند در مبارزه با ایجاد چربی‌های شکمی نقش مهمی ایفا کنند. محققین اخیرا دریافتند افرادی که در رژیم غذایی‌شان از خوراکی‌هایی حاوی بتاکاروتین و لیکوپین استفاده می‌کنند میان‌تنه کوچک‌تری نسبت به سایر افراد دارند زیرا آنتی‌اکسیدان‌های موجود در این دسته از مواد خوراکی مانع از تجمع چربی‌های اطراف شکم می‌شوند. لفل قرمز یک ایده عالی برای افزایش میزان آنتی‌اکسیدان‌ها و ویتامین C لازم است تا بدن بتواند خیلی راحت‌تر علیه ایجاد چربی‌های زائد مبارزه کند و آن‌ها را از بین ببرد.

ماست
پروبیوتیک‌های (دسته‌ای از باکتری‌ها که به باکتری‌های پروبیوتیک معروف هستند، مولکول‌های پیچیده و ترکیباتی مانند ویتامین‌ها و آنتی‌بیوتیک‌ها مختلف را تولید می‌کنند که برای بدن مفید می‌باشند) موجود در ماست علاوه



دستبند هوشمند سلامتی

این دستبند هوشمند فناوری جدید است که برای محافظت بیشتر از سلامتی افراد و محاسبه میزان کالری دریافتی، سوخت و ساز بدن، ضربان قلب و دیگر فاکتورهای سلامت استفاده می‌شود. کمپانی مایکروسافت محصول جدیدی را در بخش دیوایس‌های پوشیدنی هوشمند با نام Microsoft Band معرفی کرده است. این محصول با سیستم عامل های iOS، اندروید و ویندوزفون سازگار بوده و ۱۹۹ دلار قیمت خواهد داشت. در این مچ بند از ۱۰ حسگر استفاده شده است که به لطف آنها اندازه‌گیری ضربان قلب، میزان استرس، شدت دریافت UV از نور خورشید، مسافت طی شده، کالری مصرفی و مواردی از این قبیل امکان پذیر خواهد بود. پشتیبانی از GPS در این دیوایس هم برای ورزشکارانی که روزانه مسافتی را می‌دوند به کار خواهد آمد. باتری ۱۰۰ میلی‌آمپر ساعت با پشتیبانی از دو روز کار، صفحه ۱.۴ اینچی TFT با رزولوشن ۳۱۰ * ۱۰۲، پشتیبانی از Bluetooth ۴.۰ و LE و مقاومت در برابر پاشیدن قطرات آب و همچنین گرد و غبار از جمله مشخصات این محصول خواهند بود. نرم افزار Microsoft Health که بر پایه سیستم ابری بنا نهاده شده هم همراه با این دیوایس معرفی شده است. اطلاعات ثبت شده از فعالیت‌های ورزشی کاربر در این نرم افزار ذخیره می‌شود تا بر اساس آنها با استفاده از انجینی هوشمند پیشنهادهاتی در رابطه با ورزش و سلامتی ارائه شود. از جمله امکانات جالب Microsoft Health سازگاری با دیگر پلتفرم‌های فیتنس نظیر Jawbone Up ساخت RunKeeper و MyFitnessPal و MyFitnessPal خواهد بود.

بر کمک به گوارش و عملکرد بهتر آن از ایجاد بیوست و نفخ هم جلوگیری می‌کنند. علاوه بر تمامی مواردی که تا این‌جا ذکر شد زمانی که وزن کم می‌کنیم و چربی می‌سوزانیم نیاز مبرمی به مصرف بیشتر کلسیم داریم و ماست یکی از بهترین منابع مهم در تامین کلسیم مورد نیاز بدن ما به حساب می‌آید.

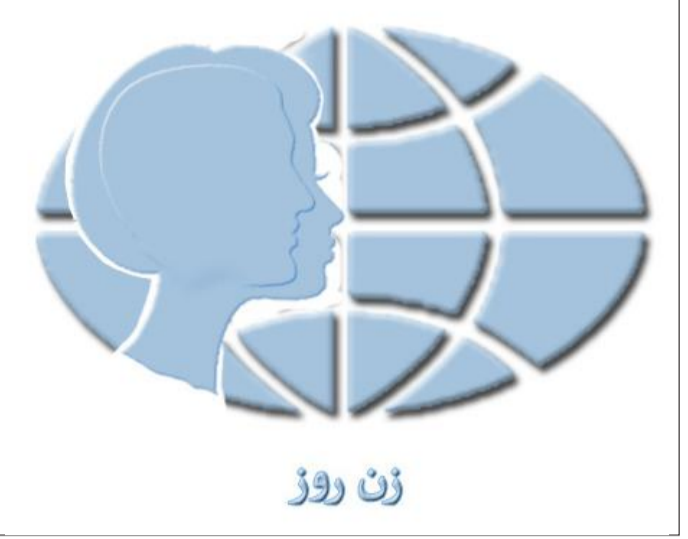
سیر
غذاهای ترموزنیک یا همان چربی‌سوز مثل سیر، ادویه‌ها و لفل‌ها موجب تولید گرما و حرارت در بدن و تحریک سوخت و ساز بیشتر آن و

در نتیجه از بین بردن چربی‌های زائد آن می‌شوند. با اضافه کردن چاشنی به غذا و تنوع ادویه‌های موجود در آن احساس سیری بیشتری می‌کنید در نتیجه کم‌تر می‌خورید و کالری کم‌تری هم مصرف می‌کنید.

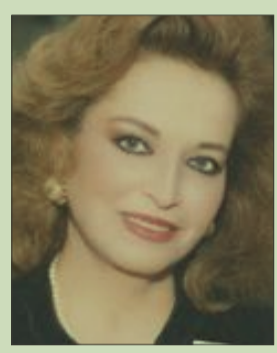
حبوبات
حبوبات سرشار از پروتئین و جایگزینی عالی به جای محصولات گوشتی به حساب می‌آیند؛ اگر تمایل دارید گیاه‌خوار شوید و از شر چربی‌های شکمی نجات پیدا کنید این مواد عالی و غنی از ارزش‌های مختلف غذایی را از دست ندهید. تحقیقات نشان می‌دهد استفاده از رژیم‌های غذایی کم‌کالری گیاهی یکی از موثرترین روش‌های لاغری و چربی سوزی، مخصوصا چربی‌های ناحیه شکم است. علاوه بر همه این‌ها پروتئین‌های گیاهی موجود در یک رژیم خالص و صحیح گیاهی باعث سوختن چربی‌های عمیق درونی بدن در مقایسه با مصرف پروتئین‌های موجود در گوشت و ماهی می‌شود.

بهداشت را رعایت کنید
بطور منظم شستشو کنید. شما نیاز به دوش دارید و باید خودتان را بطور مرتب بشویید. اینکه بوی بد واژن از بین برود، بستگی به بدن شما دارد، زیرا واژن زنان با هم متفاوت است. با این حال، شما احتمالا باید حداقل هر دو یا سه روز واژن را شستشو دهید. شستشو به کاهش باکتری روی پوست شما کمک می‌کند و همین باعث می‌شود تا از بوی بد احتمالی آن کاسته شود. درست مانند باقی اعضای بدن که با تجمع باکتری بد بو می‌شود.

از صابون‌های مناسب استفاده کنید
واژن بسیار حساس است و استفاده از صابون‌های نامناسب باعث تحریک و بوی بدن واژن می‌شود. از استفاده از صابون‌های به شدت عطری اجتناب کنید. صابون‌هایی که بیش از حد حاوی مواد غیر طبیعی یا ضد باکتری هستند را نیز استفاده نکنید. این مواد تعادل طبیعی بدن شما را



زن روز



بی تو طوفان زده ی دشت جنونم
صید افتاده به خونم
تو چسان می‌گذری غافل از اندوه درونم؟
بی من از کوچه گذر کردی و رفتی
بی من از شهر سفر کردی و رفتی
قطره ای اشک در خشید بچشمان سپاهم
تا خم کوچه بدنبال تو لغزید نگاهم
تو ندیدی
نگهت هیچ نیفتاد براهی که گذشتی
چون در خانه بیستم،
دگر از پای نشستم،
گویا زلزله آمد،
گویا خانه فروریخت سر من،
بی تو من در همه ی شهر غریبم

هما میر افشار

چگونه می‌توان بوی نامطبوع واژن را از بین برد

برهم می‌زند. در عوض، از صابون‌های طبیعی استفاده کنید که بی‌بو هستند. سالم نگه می‌دارد. استفاده از شورت بیش از ۲۴ ساعت منجر به افزایش سرعت باکتری‌های واژن می‌شود و در نتیجه تعادل باکتری‌ها را برهم می‌زند. همچنین باید شورت اندازه خود بپوشید. شورت نباید تنگ باشد و باید اجازه ورود هوا به واژن را بدهد. این کار موجب می‌شود تا محیط اطراف واژن بسیار مرطوب نشود و در نتیجه از افزایش باکتری‌ها جلوگیری می‌کند. جنس شورت اگر از الیاف طبیعی باشد، بهتر است.

دوش واژن نگیرید
تنها زمانی که شما می‌توانید دوش واژن بگیرید، این است که پزشک در شما توصیه کرده باشد. دوش واژن، کاری بسیار خطرناک برای از بین بردن باکتری‌های طبیعی بدن شماست و منجر به اختلالات بدی می‌شود. این کار تقریبا تضمین می‌کند که در معرض نوعی از عفونت قرار بگیرید. تنها تمیزکاری که باید انجام دهید این است که با صابون و آب بیرون واژن را بشویید.

رژیم غذایی خود را حفظ کنید
رژیم غذایی شما تا حد زیادی می‌تواند بر بوی واژن تاثیر بگذارد. تغییر تعادل شکر، باکتری و ترکیبات شیمیایی بدن روی بوی واژن تاثیر دارد. دقیقا مثل اینکه

به آرامی خودتان را پاک کنید
پاک کردن نادرست واژن پس از استفاده از توالت می‌تواند منجر به ابتلا به عفونت‌ها شود. در جهت صحیح (جلو به عقب) خودتان را پاک کنید و مطمئن شوید که به



وقتی سیر می‌خورید، پوست بدن شما نیز بوی نامطبوعی می‌گیرد. پس مواد غذایی را مصرف کنید که بوی بدی در واژن ایجاد نکنند. با کاهش مصرف شکر شروع کنید. یک سنسور قند خون می‌تواند باعث ایجاد عفونت‌های قارچی و انسداد شود که در نهایت منجر به بوی بد می‌شود. در عوض آناناس بخورید. این کار به طور علمی ثابت نشده که چه تاثیری دارد ولی باور مردم این است که موجب بوی خوب واژن می‌شود. ماست نیز یکی از مواد غذایی خوب است که حاوی باکتری‌های مفید برای بدن است. ماست بخورید.

سعی کنید مرتب اصلاح کنید
داشتن مو به خودی خود باعث بوی بد نمی‌شود ولی اگر این ناحیه به خوبی تمیز نشود، باکتری‌های زیادی ایجاد می‌کند. موهای این ناحیه را ریزید یا کوتاه کنید. این کار باعث کاهش احتمال ابتلا به عفونت می‌شود.

لباس زیر تمیز بپوشید
لباس زیر تمیز و اندازه بپوشید. از استفاده از شورت کهنه جدا خودداری



سعی کنید مرتب اصلاح کنید
داشتن مو به خودی خود باعث بوی بد نمی‌شود ولی اگر این ناحیه به خوبی تمیز نشود، باکتری‌های زیادی ایجاد می‌کند. موهای این ناحیه را ریزید یا کوتاه کنید. این کار باعث کاهش احتمال ابتلا به عفونت می‌شود.

لباس زیر تمیز بپوشید
لباس زیر تمیز و اندازه بپوشید. از استفاده از شورت کهنه جدا خودداری

مردان شاخص



امیر نادری (۱۳۲۴ - آبادان)

امیر نادری کارگردان و نویسنده ایرانی است. وی از سال ۱۳۶۹ در ایالات متحده آمریکا زندگی می‌کند. او از کارگردانان تأثیرگذار و مهم سینمای موج نو و معناگرای ایران است. نادری از کودکی در سالن سینما و تئاتر کار می‌کرد و با دیدن فیلم و نمایش، خواندن نقد فیلم و معاشرت با منتقدان، به طور خودآموخته وارد عالم سینما شد. در ابتدا به عنوان عکاس در چند فیلم مهم سینمای ایران کار کرد. در سال ۱۳۵۰ اولین فیلمش خداحافظ رفیق را کارگردانی کرد. توجه جشنواره‌های جهانی با فیلم دونه و آب، باد، خاک به او جلب شد. دونه از سوی تعدادی از منتقدان در فهرست یکی از تأثیرگذارترین فیلم‌های ربع قرن اخیر معرفی شده‌است. فیلم بعدی امیر نادری «ماه» نام داشت، نادری گفته‌است بیست سال درباره موضوع این فیلم کار کرده و یک دلیل مهاجرت او از ایران به آمریکا، ساختن فیلم

«ماه» بوده‌است. نادری برای فیلم وگاس: بر اساس یک داستان واقعی نامزد جایزه شیر طلایی از شصت و پنجمین جشنواره فیلم ونیز در سال ۲۰۰۸ شد و همچنین برای فیلم‌های دونه و آب، باد، خاک در سال‌های ۱۹۸۵ و ۱۹۸۹ برنده جایزه بالن طلایی جشنواره فیلم سه قاره نانت شد. در سال ۲۰۰۶ موزه ملی سینما در تورین ایتالیا به بزرگداشت امیر نادری و بررسی کارهای او با نمایش فیلم‌ها و عکس‌هایش پرداخت.



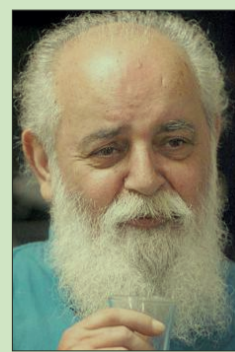
اندازه گیری ضربان قلب با روش جدید

پژوهشگران دانشگاه ایالت یوتا به تازگی موفق به ابداع دستگاهی شده‌اند که به وسیله آن می‌توان ضربان قلب را از راه دور اندازه گیری کرد. این دستگاه از راه دور کار میکند و توانایی فیلمبرداری از قلب را داراست. دانشمندان دانشگاه ایالت «یوتا» یک روش بدون تماس برای اندازه‌گیری ضربان قلب فرد با استفاده از دوربین فیلمبرداری ابداع کرده‌اند. این سیستم مبتنی بر این واقعیت است که پوست ما هنگام تپش قلب با تغییر ظاهری رنگ همراه می‌شود، به شیوه‌ای که نمی‌تواند توسط چشم انسان دیده شود، اما می‌تواند توسط یک دوربین شناسایی شود. دکتر «جیک گانتز» کسی است که با دانشجوی سابقش، «نیت روبن» همکاری کرد و این فناوری را ابداع کردند. وی می‌گوید: همگلوبین در خون دارای یک پیک جذب برای نور سبز است، بنابراین وقتی قلب خون را به شریان‌های نزدیک پوست پمپاژ می‌کند، نور سبز بیشتری جذب می‌شود و میزان کمتری منعکس می‌شود. این بدین معناست که ما مقادیر کمتری رنگ سبز در تصاویر دوربین می‌بینیم. این نرم‌افزار نه تنها داده‌های رنگی را پردازش می‌کند، بلکه همچنین به طور متوسط بر روی مناطقی از بدن که در آن پوست قابل مشاهده است مانند چهره، گردن یا بازوها محاسبه انجام می‌دهد. امید است که این اختراع بتواند در برنامه‌های کاربردی نظیر سیستم‌های نظارت کودک، تجهیزات ورزشی و حتی تجهیزات بیمارستانی استفاده شود. این فناوری در حال توسعه برای تجاری‌سازی از طریق شرکت استارت‌آپ «فوتوریتیم» (Photorithm) است. این سیستم رقابتی نیز دارد. موسسه پلی‌تکنیک فدرال لوزان (EPFL) نیز اخیراً سیستم‌های مشابهی را توسعه داده‌اند.

توانایی تفسیر این صداها، به عنوان راهی برای درک دنیای دیگر افراد است. اعلام کنید که یک شنونده صرف نیستید، باید این نتیجه‌گیری را به گوینده بدهید که او را دریافته‌اید. به عنوان مثال، تن صدای شخص می‌تواند نشان دهد که آیا او خوشحال، افسرده، عصبانی و یا ترسیده است. در نهایت، حس کردن، شما را به یک شنونده بهتر تبدیل خواهد کرد. با توجه به صداها، با حس شنوایی خود کار کنید. آخرین باری که چشم‌پایتان را بستید و از حس شنوایی استفاده کردید، کی بود؟



مرد روز



هوشنگ ابتهاج

مهی که مزد وفای مرا جفا دانست
دلهر آنچه جفا دید از و وفا دانست
روان شو از دل خونینم ای سرشک نهران
چرا که آن گل خندان چنین روا دانست
صفای خاطر آیینه دار ما را باش
که هر چه دید غبار غمش صفا دانست
گرم وصال نبخشند خوشدل به خیال
که دل به درد تو خو کرد و این دوا دانست
تو غنچه بودی و بلبل خموش غیرت عشق
به حیرتم که صبا قصه از کجا دانست
ز چشم سایه خدا را قدم دریغ مدار
که خاک راه تو را عین توتیا دانست

چگونه گوش دادن را یاد بگیریم

می‌خواهید هنر گوش دادن را یاد بگیرید؟ اگر زمانی که کسی صحبت می‌کند تمایل دارید تا به موضوعی خارج از مکالمه‌تان متمرکز شوید یا اغلب این پیام را به گوینده می‌دهید که نمی‌تواند به شما به عنوان یک محرم راز نگاه کند، زمان شروع تمرین برای داشتن این مهارت فرارسیده است. فعال عمل کردن و تعهد به گوش دادن می‌تواند روابط شما را بهبود بخشد و تجربه غنی از جهان برای شما پدید آورد. اگر می‌خواهید چگونه گوش دادن را یاد بگیرید و به اهمیت گوش دادن در حین صحبت کردن با مردم پی ببرید، به خواندن ادامه دهید.

وقتی با شخصی صحبت می‌کنید، روی آنچه که می‌گوید تمرکز کنید. اجازه ندهید که ذهن شما به جای دیگری پرواز کند، باید بدانید که در بین مکالمه‌ای قرار دارید و باید پیش بروید. چهره، چشمان و بدن فرد را تماشا کنید. چه چیزی واقعا طرف گفتگوی شما سعی دارد که بگوید؟ بخشی از متمرکز ماندن و گوش دادن واقعی شامل تفسیر سکوت افراد و توجه به زبان بدن آنها نیز می‌شود. این روش‌های غیرمعمول ارتباط، همانند کلمات مهم هستند.

بسیاری از افراد در طول مکالمه خیلی دشوار می‌توانند تمرکز کنند، زیرا احساس شرم و حیا دارند و می‌ترسند که قرار است چگونه از طرف مقابل مورد قضاوت قرار بگیرند. قطعاً گوینده سپاسگزار شماست که گوش خود را به او سپرده‌اید ولی این

عوامل حواس پرتی را حذف کنید

اولین کاری که وقتی کسی با شما شروع به صحبت می‌کند باید انجام دهید، این است که

تمام آنچه که باید در خصوص ویتامین ب۱۷ بدانید

مهمترین منابع ویتامین ب۱۷ شامل بادام تلخ، هسته هلو، هسته زردآلو، هسته گیلاس، هسته گوجه سبز، هسته شلیل و هسته سیب است. این میوه‌ها مقادیر قابل توجهی از این ویتامین را دارا می‌باشند. مطالعات نشان داده‌اند که این ویتامین همچنین در اکثر گونه‌های جنس پرونوس موجود است. جوانه یونجه، جوانه بابو، تمشک یا بلک بری، گندم سیاه، دانه ارزن، جو، برنج قهوه‌ای، بادام زمینی، کاساوا، به و شیرهی نیشکر سورگوم از دیگر مواد دارای این ویتامین هستند.

عوارض ناشی از کمبود ویتامین ب۱۷ ممکن است مقاومت بدن را در مقابل بیماری سرطان کم کنند. متخصصان تغذیه توصیه می‌کنند ۵ تا ۳۰ دانه زردآلو در روز در کنترل و پیشگیری از سرطان موثر خواهد بود و بهتر است دانه‌های زردآلو همراه سه وعده غذا مصرف شود.

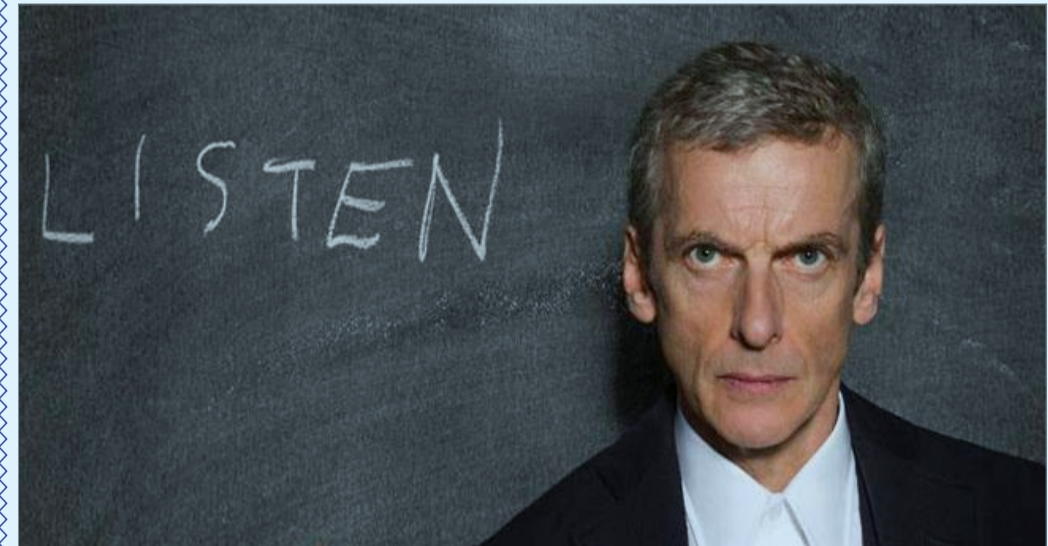
مسمومیت ویتامین ب۱۷ تاکنون گزارشی از مسمومیت این ویتامین گزارش نشده است ولی مصرف بیش از اندازه ممکن است ایجاد مسمومیت کند. میزان مناسب مصرف این ویتامین روزانه یک گرم است. برخی از علائم و نشانه‌های مسمومیت با ویتامین B۱۷ سردرد، ضعف، سرگیجه، و گاهی اوقات فشار خون پایین است.

در پایان ذکر این نکته ضروری است اگر در خواص ویتامین ب۱۷ و مصرف آن شک دارید، ولی مایل هستید به عنوان یک داروی پیشگیری و کنترل کننده از آن بهره ببرید، بهتر است با یک پزشک متخصص در تغذیه مشورت کنید. اطلاعات ارائه شده در این مقاله صرفاً جنبه‌ی آموزشی داشته و نیایستی به منظور جایگزین توصیه‌های پزشک متخصص در منابع تامین کننده ویتامین ب۱۷ نظر گرفته شود.



عملکرد انسولین شده و کاهش قند خون را منجر می‌شود. به طور کلی ویتامین ب۱۷ نقش مهمی در بالا بردن عملکرد سیستم ایمنی بدن دارد و مصرف مقادیر کافی آن به پیشگیری از بیماری‌ها کمک شایانی می‌کند.

منابع تامین کننده ویتامین ب۱۷ سیانور به شکل سیانید هیدروژن برای بدن سمی خواهد بود. خواص ویتامین ب۱۷ چیست؟ نام آمیگدالین از آمیگدال به معنی بادام گرفته شده است. این ترکیب از خانواده نیتریلوزایدها می‌باشد و از دو مولکول بنزالییداید و سیانور ساخته شده است و در ترکیبات دارویی به نتری لوساید معروف است. مهمترین و اصلی ترین ویژگی ویتامین ب۱۷ یا آمیگدالین کنترل و پیشگیری از سرطان است. تحقیقات سال‌های اخیر نشان داده است که این ماده نقش بسزایی در درمان غده‌های سرطانی داشته است و مصرف آن باعث از بین رفتن سلول‌های سرطانی می‌شود. آمیگدالین باعث تجزیه مواد سرطان زا در بدن، مسدود کردن منابع تغذیه سلول‌های تومور و مهار رشد سلول‌های سرطانی می‌شود. خاصیت ضد سرطانی این ویتامین در خصوص سرطان پروستات، سرطان ریه، روده بزرگ



گوش کنید و گوش کردن را یاد بگیرید. صداها اطراف را بشنوید و دانش شنوایی خود را افزایش دهید. با دقت گوش کنید در حال حاضر ما فقط چیزی از پس زمینه موسیقی می‌شنویم. درحالیکه برای گوش دادن به موسیقی باید تمرکز کنید. چشم‌ها را ببندید و واقعا به یک آلبوم موسیقی گوش کنید. البته به هر آلبوم موسیقی هم نمی‌شود گوش کرد! سعی کنید صداها را مورد علاقه خود را انتخاب کنید.

گوش کنید و گوش کردن را یاد بگیرید. صداها اطراف را بشنوید و دانش شنوایی خود را افزایش دهید. با دقت گوش کنید در حال حاضر ما فقط چیزی از پس زمینه موسیقی می‌شنویم. درحالیکه برای گوش دادن به موسیقی باید تمرکز کنید. چشم‌ها را ببندید و واقعا به یک آلبوم موسیقی گوش کنید. البته به هر آلبوم موسیقی هم نمی‌شود گوش کرد! سعی کنید صداها را مورد علاقه خود را انتخاب کنید. کمی به جلو بروید این زبان ساده بدن نشان می‌دهد که علاقمند به شنیدن بیشتر هستید. بدن شما باید با گوینده مواجه شود و نباید خودتان را در زاویه قبلی نگه دارید. کمی جلوتر بروید و تماس چشمی داشته باشید. البته نه زیاد. این تماس چشمی نشان از قوت گرفتن ارتباط دارد. تماس چشم در طی مکالمه همچنین نشان می‌دهد که گوینده توانسته توجه شنونده را به خود جلب کند.

به معنای آن نیست که شنونده خوبی هم هستید. بخشی از توانایی شنونده بودن، فکر کردن درباره مکالمه و سوال کردن است. اگر شما در تمام طول مکالمه احساس ناامنی می‌کنید و سوالات خود را نمی‌پرسید، این یعنی شنونده خوبی نیستید.

همدل باشید یکی دیگر از کلیدهای یادگیری گوش دادن این است که خودمان را بتوانیم جای دیگری بگذاریم. اگر یک نفر به شما اعتماد کرده و از زندگی و مشکلات خودش می‌گوید، یک قدم از خودتان بیرون بگذارید و سعی کنید تا موقعیت او را تصور کنید. ارتباطات واقعی زمانی شکل می‌گیرد که افراد یکدیگر را درک کنند. پیدا کردن یک موضوع مشترک دقیقاً بهترین روش برای پیدا کردن دیدگاه دیگران است. شنونده بودن با گوش فرادادن متفاوت است احتمالاً شنیده‌اید که بین شنیدن و گوش دادن تفاوت وجود دارد. شنیدن یک عمل فیزیکی برای حس کردن صداها است، در حالی که گوش دادن

عوامل حواس پرتی را از خودتان دور کنید. ممکن است خیلی چیزها حواس شما را از جملات طرف مقابل دور کند. تلویزیون را خاموش کنید، لپ تاپ خود را ببندید و چیز دیگری را که خواندید یا انجام می‌دهید را کنار بگذارید.

شنیدن و فهمیدن آنچه که کسی می‌گوید وقتی که در خلال صداها دیگر یا فعالیت‌های دیگر انجام می‌شود، بسیار دشوار است. در چنین شرایطی، برای داشتن یک مکالمه خصوصاً وقتی از طریق تلفن است بهتر است به اتافی دیگری بروید تا احتمال حواس پرتی شما را کاهش دهد. به جایی بروید که دیگران حضور کم‌رنگ‌تری دارند یا خلوت است. بسیاری از افراد صحبت‌های مهم را خارج از منزل و به دور از اینترنت و ابزارهای پرت‌کننده حواس انجام می‌دهند. می‌توانید حین پیاده‌روی یا در پارک مهمترین صحبت‌های خود را داشته باشید.

رده بندی جدید فیفا؛ یک رتبه صعود برای ایران



تیم ملی فوتبال ایران در تازه ترین رده بندی تیم های فوتبال جهان با یک مرتبه صعود در جایگاه ۳۳ دنیا قرار گرفته است. ایران در رده بندی جدید همچنان در مکان اول آسیا دیده می شود. تیم های اول تا دهم جهان در حال حاضر اینها هستند:

۱- آلمان ۲- برزیل ۳- پرتغال ۴- آرژانتین ۵- بلژیک ۶- اسپانیا ۷- لهستان ۸- سوئیس ۹- فرانسه ۱۰- شیلی

رتبه بندی تیم های آسیایی نیز چنین است:

سفرهای بی نتیجه خادم به زوربخ



رسول خادم و علیرضا کریمی

کشتی کریمی در مسابقات جهانی زیر بیست و سه سال لهستان را که با وجود برتری در مقابل حریف روس به دستور مربی خود در دقیقه آخر مبارزه را واگذار کرد تا با کشتی گیر اسرائیلی روبرو نشود چند بار دیده اند و بنابراین جایی برای انکار، تمارض یا دروغ های معمول در ورزش جمهوری اسلامی باقی نمانده است.

دو سفر رسول خادم رئیس فدراسیون کشتی در ماه های اخیر به زوربخ مقر فدراسیون جهانی این ورزش تنها توانست دو ماه محرومیت کشتی ایران، شخص علیرضا کریمی قربانی اصلی این اتفاق غم انگیز و غیرلازم و مربی او را به تاخیر بیاندازد زیرا آخرین خبرها حاکی از قطعی شدن تعلیق ورزش اول ایران از سوی فیلا با تاکید کمیته بین المللی المپیک است.

آشنایان خادم در فدراسیون جهانی کشتی در آخرین گفتگوها او را از امکان هر گونه ارفاق برای بخشیدن ایران ناامید کرده اند و به نظر می رسد تعلیق حضور کشتی گیران ایران در رقابت های بین المللی حداقل برای یکسال قطعی است.

مدیران فیلا و آی. او. سی فیلم

● به نظر می رسد تعلیق کشتی ایران قطعی است.

المپیک زمستانی ۲۰۱۸؛ مدال های آلمان به ۱۲ رسید



آلیونا ساوشنکو و برونو ماسوت، رقص روی یخ

● **مدال طلای اسکیت دو نفره روی یخ برای آلمان پس از ۵۰ سال**

ورزشکاران آلمانی در مسابقات المپیک زمستانی پیونگ چانگ روز چهارشنبه این هفته با کسب چند مدال دیگر تعداد مدال های خود را به ۱۲ عدد رساندند که شامل ۷ مدال طلا، ۲ مدال نقره و ۳ مدال برنز است. هلند، آمریکا و نروژ در مکان های دوم، سوم و چهارم از نظر تعداد مدال قرار دارند.



گروه پاتیناژ آلمان

ورزشکاران آلمانی در مسابقات المپیک زمستانی پیونگ چانگ روز چهارشنبه این هفته با کسب چند مدال دیگر تعداد مدال های خود را به ۱۲ عدد رساندند که شامل ۷ مدال طلا، ۲ مدال نقره و ۳ مدال برنز است. هلند، آمریکا و نروژ در مکان های دوم، سوم و چهارم از نظر تعداد مدال قرار دارند.

رده بندی کشورهای حاضر در بازی های المپیک زمستانی ۲۰۱۸ در ششمین روز رقابت ها چنین است:

آلمان ۷ مدال طلا، ۲ نقره و ۲ برنز
هلند ۵ مدال طلا، ۴ نقره و ۲ برنز
آمریکا ۴ مدال طلا، یک نقره و یک برنز
نروژ ۳ مدال طلا، ۵ نقره و ۳ برنز
کانادا ۳ مدال طلا، ۴ نقره و ۳ برنز
فرانسه ۲ مدال طلا، یک نقره و ۲ برنز
اتریش ۲ مدال طلا، یک نقره و یک برنز
سوئد ۲ مدال طلا و یک نقره
ایتالیا یک مدال طلا، یک نقره و یک برنز
کره شمالی یک مدال طلا و یک برنز
ژاپن ۴ مدال نقره و ۳ برنز

ورزشکاران شرکت کننده تحت پرچم المپیک از جمله روس ها یک نقره و ۴ برنز

ایران جام جهانی کشتی آمریکا را تحریم کرد



تصویری از جام جهانی کشتی آزاد ۲۰۱۷ در کرمانشاه

فدراسیون کشتی جمهوری اسلامی ایران به طور رسمی اعلام کرد، در جام جهانی کشتی آزاد در آمریکا شرکت نمی کند.

چند روز قبل اتحادیه جهانی کشتی در نامه ای به فدراسیون ایران از تغییر تاریخ جام جهانی کشتی فرنگی خبر داد. در حالی که پیش از این میزبانی این رقابت ها در سال ۲۰۱۸ به ایران و شهر اهواز واگذار شده بود و قرار بود مسابقات در اردیبهشت ماه برگزار شود، کشورهای اروپایی به دلیل نزدیکی «رقابت های قهرمانی اروپا» با «جام جهانی کشتی» خواستار تغییر تاریخ این مسابقات شده اند.

کشتی جهانی کشتی نیز در اقدامی عجیب تاریخ جدید برگزاری جام جهانی کشتی فرنگی ۲۰۱۸ را «آذرماه» اعلام کرد که فدراسیون ایران به تصمیم اتحادیه جهانی اعتراض کتبی کرد.

مسئولان فدراسیون کشتی ایران تهدید کردند در صورتی که اتحادیه جهانی پیشنهاد ایران را قبول نکند، ایران «جام جهانی کشتی آزاد آمریکا» را تحریم خواهد کرد.

حالا اتحادیه جهانی پاسخ ایران را داده و نوشته «ضمن اینکه متوجه نگرانی های فدراسیون ایران در این خصوص است، موافق برگزاری مسابقات در فروردین ماه نیست و در صورتی که ایران نتواند مسابقات را در آذرماه سال ۹۷ برگزار کند میزبانی جام جهانی را به کشور دیگری واگذار می کند.»

در پی این نامه، فدراسیون کشتی ایران به اتحادیه جهانی کشتی اعلام کرد که به دلیل بر هم خوردن برنامه های فنی مسابقات ملی خود، در جام جهانی کشتی آزاد در آمریکا شرکت نمی کند و با توجه به لزوم مذاکره مجدد با حامیان مالی به زودی در مورد قبول میزبانی جام جهانی کشتی فرنگی در آذرماه سال ۹۷ نظر خود را اعلام می کند. متن پاسخ ایران به اتحادیه جهانی کشتی به شرح زیر است:

(۱) در مورد تاریخ جدید، لازم است مجدد با اسپانسرهای جدیدی وارد

مذاکره شویم. به زودی نظر فدراسیون ایران برای برگزاری مسابقات جام جهانی کشتی فرنگی در تاریخ جدید مشخص شده از سوی اتحادیه را اعلام می کنیم.

(۲) اما این سوال فدراسیون ایران بی پاسخ ماند که چطور کشورهای اروپایی برای شرکت در جام جهانی آمریکا، که حدود ۳ روز از تاریخ پیشنهادی جدید ایران فاصله دارد، مشکلی ندارند، اما با زمان جدید پیشنهادی از سوی ایران (در تاریخ ۲۲ و ۲۳ فروردین) در برگزاری جام جهانی فرنگی (۳ روز بعد از آزاد) می توانند مشکل داشته باشند. به نظر می رسد مخالفت با زمان قبلی برگزاری مسابقات جام جهانی کشتی فرنگی، مشکل همه کشورهای اروپایی نیست.

(۳) به هر حال با توجه به اینکه تاریخ اعلامی جدید اتحادیه، که بر خلاف تاریخ مصوب در جلسه هیات رئیسه در فرانسه می باشد، متأسفانه تمام برنامه های برگزاری مسابقات انتخابی تیم های ملی بزرگسالان آزاد فرنگی ایران را که بر اساس یک برنامه مشخص مطابق خواست مردم و علاقه مندان به کشتی در ایران، هر ساله، همزمان برگزار می شود، تحت تاثیر خود قرار می دهد. از سوی دیگر فدراسیون ایران باید تدارک حضور سه تیم ملی در کشتی فرنگی خود را، در مسابقات بازی های آسیایی، جهانی و جام جهانی در حد فاصل زمانی نسبتاً محدودی ببیند. از اینرو ضرورت دارد، تاریخ مسابقات انتخابی تیم های ملی

آزاد و فرنگی ایران تغییر کند. به همین دلیل با توجه به مشکل بوجود آمده، همانطور که در نامه پیشین اعلام شد، تیم کشتی آزاد ایران نمی تواند در جام جهانی آمریکا شرکت کند.

دخالت مسائل سیاسی در این اختلاف

این در حالیست که به نظر می رسد پشت این ماجرا مسائل سیاسی در جریان باشد. ایران به دلیل قدرت و جایگاه ویژه ای که در کشتی جهان دارد کشور قدرتمندی در فدراسیون جهانی و سازمان های وابسته به این رشته ورزشی محسوب می شود. اما زیر سایه دشمنی با اسرائیل و در ماجرای کشتی نگرقتن علیرضا کریمی با حریف اسرائیلی جایگاه ایران ضعیف شده و به شدت تحت فشار قرار گرفته است و مطالبات و خواست های خود را سخت به کرسی می نشاند. از طرف دیگر معلوم نبود که به دلیل باخت اجباری علیرضا کریمی در برابر حریف روس برای قرار نگرقتن در برابر حریف اسرائیلی، ایران از سوی فیلا دچار محدودیت و تعلیق برای شرکت در مسابقات بین المللی نشود. در هفته های اخیر مسئولان فدراسیون کشتی بارها در این باره ابراز نگرانی کردند و محمد رضا داورزنی معاون وزارت ورزش چندی پیش گفت که به همین دلیل فیلا و مسئولان کمیته بین المللی المپیک برای محروم نمودن کشتی ایران از حضور در مسابقات بین المللی فشار می آورند. وی افزوده بود: «دعا کنیم اتفاقی نیفتد!»

تیم ملی فوتسال ایران برای دوازدهمین بار قهرمان آسیا شد



صحنه ای از دیدار تیم های فوتسال ایران و ژاپن

● **طیبی بازیکن شماره ۱۰ تیم ملی ایران با ۱۴ گل آقای گل این رقابت ها شد.**

تیم ملی فوتسال ایران در یک بازی برتر و حساب شده با شکست ژاپن برای دوازدهمین بار عنوان قهرمانی جام ملت های آسیا را به دست آورد و رکورد قهرمانی در قاره را همچنان برای خود نگه داشت.

دیدار تیم های ملی فوتسال ایران و ژاپن در مرحله نهایی پانزدهمین دوره جام ملت های آسیا روز یکشنبه، ۲۲ بهمن، در چین تأیید برگزار شد. در این دیدار ملی پوشان فوتسال ایران با نتیجه ۴ بر صفر حریف خود را شکست دادند و برای دوازدهمین بار عنوان قهرمانی آسیا را از آن خود کردند.

تیم ملی فوتسال ایران در نیمه نخست دیدار برابر ژاپن با تک گل علی اصغر حسن زاده که در دقیقه پایانی این نیمه به ثمر رسید، صاحب برتری شد. این بازیکن در دقیقه ۹ نیمه دوم هم دومین گل خود و سومین گل تیم ایران در این بازی را به ثمر رساند. پیش از وی، دومین گل تیم ملی فوتسال ایران توسط فرهاد توکلی و در دقیقه دوم از نیمه دوم وارد دروازه حریف شد. چهارمین گل تیم ملی فوتسال ایران در دیدار فینال برابر ژاپن هم توسط حسین طیبی و در دقیقه پایانی به ثمر رسید.

تیم ملی فوتسال در حالی عنوان قهرمانی این دوره از مسابقات جام

فوتبال علیه دیکتاتوری: استادیوم‌های ایران کانون التهاب و اعتراض



حضور گسترده پلیس ضدشورش در کنار زمین مسابقه در جریان دیدار استقلال و نفت آبان در بهمن ماه ۱۳۹۶

سرداران سپاه هستند که بر اساس نفوذشان در قدرت برای این باشگاه‌ها کانال‌های تامین مالی باز می‌کنند. در کنار اکثر تیم‌ها دلالتی گردن کلفت نزدیک به نهادهای امنیتی و اطلاعاتی فعال‌اند که یک سرشان در هیات‌های مذهبی و سر دیگرشان در فدراسیون و کمیته‌های آداری و سر دیگرشان در دفتر اعضای هیات مدیره است. اکثر مربیان و خیلی از بازیکنان از تباری در فوتبال و فساد می‌گویند، اما اراده و همچنین نیرویی برای مقابله با آن دیده نمی‌شود. رسانه‌های مستقل چندین توان عبور از خط قرمزها و وارد شدن به این قضایا را ندارند. بخش دیگری از رسانه‌ها تحت نفوذ و وابسته هستند. اینها بخش بسیار کوچکی از وضعیت فعلی فوتبال ایران است و عموم ویژگی‌ها در مورد شکل و شمایل فوتبال در دیکتاتورهای خاورمیانه و اروپای شرقی با هم مطابقت دارند.

فوتبال ایران به ویژه فضای استادیوم‌ها بعد از تظاهرات دی‌ماه ۹۶ به دیگ جوشان ناآرامی تبدیل شده و در جریان رقابت‌های لیگ موارد متعددی اعتراض علیه رژیم به راه افتاده است. حکومت هم در واکنش به آنها استادیوم‌ها را پلیسی کرده تا آنجا که صدا و سیما مجبور است صدای بازی را در بخش مستقیم قطع کند! به دنبال اعتراض‌های علی کریمی کاپیتان پیشین پرسپولیس و تیم ملی و سرمربی مستعفی تیم سپیدرود رشت، هواداران تیم فوتبال استقلال در بازی دو تیم در استادیوم آزادی او را به شدت تشویق کردند. هواداران استقلال بنری با خود به استادیوم آورده بودند که تصویر ناصر حجازی، مجتبی جباری و علی کریمی روی آن بود؛ سه فوتبالیستی که در بین هواداران به عنوان معترض شناخته می‌شوند اما پلیس اجازه ورود این بنر به داخل استادیوم را نداد.

روز پنج‌شنبه، ۲۱ دی‌ماه، ورزشگاه تختی تهران میزبان دو تیم فوتبال نفت و تراکتورسازی بود؛ پس از باخت دو بر صفر تراکتورسازی مقابل حریف، هواداران علیه مدیران این تیم اعتراض کردند و شعار دادند «تراکتور

سپاهی نمی‌خوایم نمی‌خوایم». بعضی از شعارهای استادیومی با وجود اینکه محتوای اعتراضی دارند، اما متأسفانه در سال‌های گذشته شکل رادیکال نامتعارف به خود گرفته و همراه با دشنام‌ها و الفاظ رکیک و جنسیتی شده است. اخیراً در فضای مجازی ویدیویی کوتاه از شعارهای رکیک هواداران کم سن و سال طرفدار تیم نفت آبادان منتشر شده که به علی خامنه‌ای به عنوان غارتگر پول نفت اعتراض می‌شود؛ اعتراضی با دشنام‌های رکیک جنسیتی که در واقع خود نظام باید پاسخگو باشد که چرا نتیجه‌ی چهار سال آموزش و پرورش جمهوری اسلامی چنین از آب در آمده است.

بسیاری از فوتبالیست‌ها و مربیان مطرح در ایران در هفته‌های اخیر انتقادات تندی علیه سیستم مدیریتی و ضعف‌های دولت مطرح کرده‌اند. حمایت‌های آنها از یکدیگر و همین‌طور شهرت و محبوبیتی که دارند پشتوانه خوبی شده تا به قدرت حاکم اعتراض کنند و صدایشان هم خیلی زود در رسانه‌ها شنیده شود.

«روزی روزگاری فوتبال» با اشاره به اینکه فوتبال عصر کمونیسم توانایی طبقه‌ی کارگر را به رخ می‌کشید می‌نویسد: ورزش در کشورهای کمونیستی ابزار کلیدی شد تا بر کارایی نظام صحنه بگذارد. تیم ملی فوتبال برای دولت‌های شرقی اروپا بازتابنده ایدئولوژی کمونیسم بود و هویت بومی و ملی مردم را نادیده می‌گرفت و جایی بود که در آن می‌شد پوزه غرب را به خاک مالید. توفیق تیم ملی فوتبال و باشگاه‌ها در عرصه بین‌المللی در کشورهای کمونیست توفیق رژیم به شمار می‌رفت.

هر بازیکنی که به تیم‌های باشگاهی بزرگ و تیم ملی راه پیدا می‌کرد از شرایط ویژه برخوردار می‌شد و فاصله عمیقی با بازیکنان معمولی می‌گرفت. موفق‌ترین باشگاه‌ها در کشورهای کمونیستی آنهایی بودند که به تشکیلات دولتی اعم از نهادهای نظامی و پلیسی و اطلاعاتی یا کارخانجات دولتی وصل بودند. اگر صنایع سنگین مثل صنایع فولاد و مهندسی و شیمیایی باشگاهی را اداره می‌کردند وضعیت مالی مناسبی پیدا می‌کرد. مثلاً بعضی باشگاه‌ها مثل «زسکا مسکو» متعلق به ارتش بودند و چون در کشورهای بلوک شرق خدمت سربازی اجباری بود بهترین بازیکنان در بهترین سن به اجبار جذب این تیم‌ها می‌شدند. تیم‌های فوتبال توسط نهادهای دولتی مصادره شده بود و نام آنها تغییر پیدا می‌کرد. در این کشورها نیز داورها و مافیای فوتبال بسیاری از نتایج را رقم می‌زدند، در نقل و انتقال بازیکنان و مربیان دست داشتند، پرداخت رشوه و تیبانی بیداد می‌کرد. بسیاری مدیران فوتبالی به جرم اختلاس و فساد دادگاهی می‌شدند. هواداران شعرهای ضد حکومتی سر می‌دادند. یک پای سیاستمداران در حکومت بود و پای دیگرشان در باشگاه‌های فوتبال و در کنار همه اینها تحت استبدادی که مینال و توانی برای تغییر این شرایط نداشت، «پنهان‌های فوتبالی فرصتی برای اعتراض به تمام ساختار می‌شد و در استادیوم‌ها و حاشیه فوتبال بروز می‌کرد».

در ایران تمام سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ فوتبال در ایران با اکثر این مشخصه‌ها دست و پنجه نرم کرده است. در واقع فوتبال به نوعی آینه تمام‌نمای وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران است به ویژه مشخصه‌هایی که در ماه اخیر پس از تظاهرات سراسری دی‌ماه و نمونه‌های قدیمی‌تر پس از اعتراضات به نتایج انتخابات و جریان جنبش ویژه در سال ۱۳۸۸ بروز کرد. **نگاهی کوتاه به وضعیت فوتبال در ایران**

لیگ برتر ایران در فصل (۹۶-۹۷) که تحت عنوان جام خلیج فارس برگزار می‌شود ۱۶ تیم دارد که ۱۲ تیم به طور کامل با منابع دولتی اداره می‌شود؛ با احتساب تغییرات در امتیاز تیم‌ها تا اواخر بهمن سال ۱۳۹۶ از میان این تیم‌ها ۱۰ تیم بالای جدول دولتی‌ها هستند و تمام تیم‌های خصوصی در حالی که با مشکلات اساسی اقتصادی دست به گریبانند برای فرار از سقوط به دسته پایین‌تر می‌جنگند. اکثر اعضای هیات مدیره این باشگاه‌ها سیاستمداران، دولتی‌ها و

است که خیلی از سیاستمداران را با اهداف مختلف به خود جلب می‌کند و اتفاقاً در بسیاری موارد برای آنها سودبخش بوده است.

الاغ شماره ۱۰ پوش و اعتراض به قضایی‌های دیکتاتور

قذافی و خانواده‌اش عاشق فوتبال بودند و از این میان پسرش سعدی القذافی بیش از سایرین به فوتبال علاقمند بود. او هم در باشگاه‌های ایتالیا فوتبال بازی کرد و هم وارد عرصه تیم‌داری شد و پول نفت لیبی را به فوتبال به ویژه تیم‌های تحت مدیریت‌اش تزریق کرد. تیم‌های تحت مدیریت خانواده‌ی قذافی به نوعی نماد حکومت شناخته می‌شدند. استادیوم‌ها معدود امکنتی بودند که با توجه به کثرت جمعیت و امکان تشویق‌های دسته‌جمعی و کاهش توانایی کنترل‌های پلیسی، امکان اندکی اعتراض هنوز در آنها وجود داشت.

استادیوم‌ها فرصتی برای مخالفان قذافی می‌شد تا زیر سایه سرودها و هم‌خوانی‌ها، او و خانواده‌اش را به باد انتقاد بگیرند. در یکی از همین بازی‌ها آنها الاغی را با پیراهن شماره ۱۰ به زمین مسابقه فرستادند و همه فهمیدند منظور آنها «سعدی» پسر قذافی است که در آن تیم پیراهن شماره ۱۰ می‌پوشید. او گرچه بازیکن خوبی بود و بازوبند کاپیتانی تیم ملی لیبی را می‌پوشید اما پسر قذافی دیکتاتور بود. پایان بازی تیم‌های باشگاهی لیبیایی که طرفداران زیادی داشتند فرصتی برای اعتراض علیه حکومت بود.

دیکتاتورها از فوتبال به عنوان ابزاری برای کسب اعتبار استفاده می‌کنند. همچنان که در جمهوری اسلامی فوتبال نه تنها یک ورزش بلکه فرصتی برای بسیج افکار عمومی است. زیر سایه کمبود امکانات تفریحی و ورزشی که در استقبال گسترده توده ضعیف مردم از تماشای فوتبال تاثیر زیادی دارد، حکومتی‌ها از چنین محیطی برای مقاصد سیاسی، اقتصادی و تبلیغاتی خود بهره می‌برند.

در ایران نمایندگان مجلس شورای اسلامی و شوراهای شهرها و سیاستمداران برای پیوستن و عضویت در هیات مدیره‌های تیم‌های فوتبال سر و دست می‌شکنند.

رونق تیم‌های نظامی و امنیتی؛ درخشش باشگاه‌های وابسته به صنایع سنگین

خانواده صدام نیز که به ورزش علاقمند بودند حتی «المپیک صدام» برگزار می‌کردند و چون بازار استقبال از فوتبال در بین مردم داغ بود، آنها فرصت داشتند تا با وجود انبوه گرفتاری‌ها و ترس‌ها به استادیوم‌ها بروند و تیم‌های نظامی مثل «پلیس» و «نیرو هوایی» و «ضدهوایی» را تشویق کنند. تجربه چنین شرایطی فقط خاص فوتبال در خاورمیانه نیست. دو سه دهه پیش فوتبال در کشورهای «بلوک شرق» مثل شوروی، یوگسلاوی، چکسلواکی، مجارستان، لهستان، یوگسلاوی و رومانی هم شرایط مشابهی داشت و به طور کل ورزش یک جبهه‌ی موثر برای دفاع از ایدئولوژی و رقابت میان کمونیسم و نظام سرمایه‌داری محسوب می‌شد. دکتر حمیدرضا صدر در کتاب

● اعتراض‌های ضدحکومتی در استادیوم‌های فوتبال ایران به اوج خود رسیده است.

● همزمان با اعتراضات سراسری دی‌ماه هزاران تماشاگر معترض علیه سیاست‌های نظام و شخص علی خامنه‌ای شعار داده‌اند.

● فوتبال ایران این روزها کانون انتقاد و اعتراض علیه مسئولان جمهوری اسلامی شده و محبوبیت برخی فوتبالیست‌ها سبب شده تا اعتراضات آنها در رسانه‌ها شنیده شود.

فوتبال در جوامعی که تحت سیستم‌های دیکتاتوری اداره می‌شوند به مرور شکل خاصی می‌گیرد و عموماً مشخصه‌های مشترک در آنها بروز می‌کند. شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در چنین کشورهایی به نحوی است که آثار شیوه‌های استبدادی اداره جامعه مانند «فضای بسته سیاسی»، «نبود آزادی بیان و نداشتن رسانه‌های آزاد»، «سرکوب اعتراضات مدنی»، «نانوائی بخش خصوصی در اقتصاد» و بسیاری شاخص‌های دیگر در همه ابعاد فوتبال از ساختار مدیریتی در فدراسیون‌ها و اتحادیه گرفته تا وضعیت باشگاه‌ها و شرایط بازیکنان و مربیان و موقعیت و رفتار تماشاگران تاثیرات انکارناپذیر می‌گذارد.

این روزها متن و حاشیه فوتبال ایران پر از ویژگی‌هایی است که بخش زیادی از آنها از یک سو یادآور کیفیت فوتبال در واپسین سال‌های حکومت‌های دیکتاتور مثل معمر قذافی در لیبی و صدام حسین در عراق است و از سوی دیگری نشانگر وضعیت فدراسیون‌ها، تیم‌ها و هواداران فوتبال در سال‌های منتهی به انقلاب‌های محملی و

رنگین شرق اروپا. فوتبال هم در ایران امروز بی‌شباهت به وضعیت فوتبال در شوروی و اقامر آن نیست در آن روزهایی که در آستانه‌ی فروپاشی قرار گرفته بودند.

سایمون کوپر در کتاب «فوتبال علیه دشمن» می‌نویسد: «در جوامعی مثل لیبی و در گذشته صدام حسین، که مطبوعات آزاد و اعتراض قانونی وجود ندارد و کمتر خبرنگاران خارجی حضور دارد، فوتبال می‌تواند مسائل پنهانی را آشکار کند.»

فوتبال ورزشی جذاب و پرتیرار و منافعشان.

علی کریمی: فدراسیون ۵ ستاره پر از اشکال است



علی کریمی در برنامه نود

علی کریمی بازیکن اسبق تیم ملی فوتبال ایران و سرمربی پیشین تیم های نفت و سپیدرود روز دوشنبه در جلسه کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال حضور یافت و در پایان این جلسه با خبرنگاران صحبت کرد.

او گفت: از من سؤالاتی کردند من هم نظراتم را به‌طور کتبی نوشتم و به آقایان دادم و امشب هم قرار است در برنامه نود تلویزیون شرکت کنم. او افزود در اولین جلسه که حکم صادر نمی‌کنند باید بررسی کنند و جواب بدهند. ضمناً در مورد گفته‌های انجام شده بهتر است خودشان توضیح بدهند.

کریمی گفت: این جلسه که هیچ، اگر ۱۰ جلسه هم برپا شود تا آخر کار ادامه خواهم داد امشب نیز در برنامه نود همین حرف‌ها را خواهم زد و اگر تا پیش از آغاز برنامه مطالب جدیدی پیدا کنم مطرح خواهم نمود و مثل شما خبرنگاران نیستم که اگر کسی پاسخ سوالم را ندهد کوتاه بیایم.

هنگام حضور کریمی در جلسه کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال دو مأمور مقابل ساختمان فدراسیون فوتبال دیده می‌شدند چون به پلیس خبر داده شده بود هواداران کریمی ممکن است بیرون ساختمان جمع شوند. او در مورد دلیل احضار خود به کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال گفت: به علت مصاحبه بعد از مسابقه تیم سپیدرود با استقلال خوزستان احضار شده بودم. وی یادآور شد که در برنامه ۹۰ آقای ساکت دبیرکل فدراسیون فوتبال نیز صحبت خواهد کرد و من فقط در برنامه حضور فیزیکی خواهم داشت. او افزود: من تکلیفتی نکرده‌ام الان هم لطف کرده‌اند و می‌خواهند پاسخگو باشند. باید شرایطی به وجود بیاید که به فوتبال کشور کمک کند. هر کس در حد اختیارات خودش در فدراسیون می‌تواند جوابگو باشد.

علی کریمی درباره تیم سپیدرود تنها تیم شمالی لیگ برتر و باخت سنگین آن به استقلال و استعفای خود چه بود؟ (این دو سؤال علی کریمی به کارلوس کیروش سرمربی تیم ملی مربوط می‌شد که کریمی اسمی از او نبرد) ساکت گفت: سرمربی تیم ملی اختیار دارد همکاران خود را انتخاب و عزل کند. کیروش هم این حق را داشت.

کریمی درباره تیم سپیدرود تنها تیم شمالی لیگ برتر و باخت سنگین آن به استقلال و استعفای خود چه بود؟ (این دو سؤال علی کریمی به کارلوس کیروش سرمربی تیم ملی مربوط می‌شد که کریمی اسمی از او نبرد) ساکت گفت: سرمربی تیم ملی اختیار دارد همکاران خود را انتخاب و عزل کند. کیروش هم این حق را داشت.

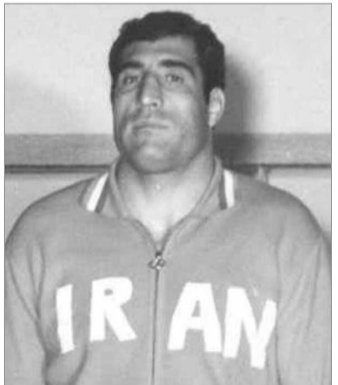
علی پروین: داوری جشنواره‌ها هم مثل داوری فوتبال است

علی پروین بازیکن پیشین تیم های شاهین، پرسپولیس و کاپیتان سابق تیم ملی فوتبال ایران داوری‌های فوتبال و جشنواره «فیلم فجر» را که هفته گذشته برگزار شد خیلی شبیه هم می‌داند و می‌گوید بعد از اعلام رای داوران دیگر کاری نمی‌شود کرد. نتیجه تغییر ناپذیر باقی می‌ماند.

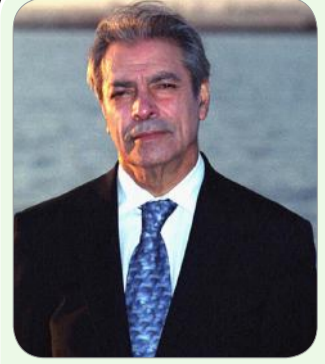
او در مورد انتقاد اخیر علی کریمی از فدراسیون فوتبال و سر و صداهایی که در این رابطه به وجود آمده به خبرنگار ورزشی ایلنا گفته است: فکر می‌کنم حق با کریمی است اما او باید قدری خونسرتر رفتار کند و سعی کند هنگام اشتباه داوران که زیاد اتفاق می‌افتد اعصاب خود را کنترل کند.

او تاکید کرده که بازیکنان تکنیکی مانند علی کریمی معمولاً مربیان موفق می‌شوند البته باید در لباس مربی‌گری آرام‌تر از این باشد. پروین درباره جشنواره «فیلم فجر» نیز که به مدت تقریباً یک هفته ادامه داشت و اینکه چرا پژمان جمشیدی دوست نزدیکش

پرچمدار کاروان ایران در المپیک در گذشت ۱۹۶۸



ابوالفضل انوری کشتی‌گیر سنگین‌وزن ایران دارنده دو مدال برنز جهان و پرچمدار کاروان ایران در المپیک ۱۹۶۸ مکزیکوسیتی در سن هفتاد و نه سالگی چشم از جهان فرو بست. وی در مسابقات جهانی کشتی در سال‌های ۱۹۶۶ و ۱۹۶۹ مدال برنز دریافت کرده بود. در مسابقات جهانی ۱۹۶۷ چهارم و در المپیک ۱۹۶۸ نیز ششم شده بود. او در بازی‌های آسیایی بانکوک ۱۹۷۰ به مدال برنز دست یافته بود. شش بار نیز قهرمانی ارتش‌های جهان در کارنامه ورزشی انوری دیده می‌شود.



داریوش همایون
(۵ مهر ۱۳۰۷، تهران - ۸ بهمن ۱۳۸۹، ژنو)

داریوش همایون روزنامه‌نگاری برجسته، نظریه‌پردازی جستجوگر و نوچو، و سیاستمداری ملی‌گرا و میهن‌دوست بود که بر نقش موثر ایران در مناسبات منطقه‌ای و جهانی آگاهی داشت. وی سال‌های طولانی در روزنامه‌های معتبر ایران قلم زد و از بنیانگذاران اصلی روزنامه‌ی «آیندگان» بود که صفحه‌های نوین در تاریخچه‌ی روزنامه‌نگاری ایران گشود. همایون مهارت روزنامه‌نگاری و تسلط خود بر زبان فارسی را با ایده‌های سیاسی خویش در هم آمیخت و از دهه‌ی ۳۰ خورشیدی به این سو، نوشته‌هایی از خود بر جای گذاشت که بنا بر شرایط موجود در خاورمیانه، بسیاری از آنها همچنان معتبرند و گویی همین امروز نگاشته شده‌اند. مقالات قدیمی‌وی در دهه‌های سی تا پنجاه خورشیدی همچنین بازتاب مستند موقعیت سیاسی و اجتماعی ایران هستند. از همین رو ما به باز نشر گلچینی از آثار داریوش همایون می‌پردازیم که در سال‌های تبعید پس از انقلاب ۵۷ با کیهان لندن نیز همکاری نزدیک داشت. مقالاتی که در این ستون می‌خوانید، از آرشیو کیهان لندن انتخاب شده‌اند.

همکاری بر اصول، نه با کسان

کیهان لندن شماره ۱۳۳۸ - ۲ دی ماه ۱۳۸۹

پراتزهای (هر گروه برای خودش) نمی‌بینند که می‌باید بست. منظره برای آنان سراسر پرتگاه‌هاست. نمی‌خواهند به پرتگاه بدتری بیفتند و چاره این رژیم را در شرایط بد و بدتری نمی‌جویند. راه‌های خردمندانه‌تری هم هست. در چنین احوالی می‌باید با دوری از اشتباهاتی که در بالا اشاره شد در مهمترین مسائل مورد اختلاف، مواضع روشن در خدمت خیر عمومی گرفت و آنگاه به نیروی کاراکتر و انتلکت (دو واژه‌ای که نبود معادل رسای آنها به فارسی بیش از یک کمبود زبانی را می‌رساند) دیگران - هرچه بیشتری را متقاعد ساخت.

در ایران بخش توده‌گیر جنبش سبز مواضعی را که سی سالی کم و بیش تابو شمرده می‌شدند، هرچند در بیرون بدیهی شده‌اند - که هنری نیست - گرفت و در روبرواری، خونین قهرمانانه‌اش با رژیم درافتاد. راه سبز امید نیز کوشید بسیاری از آن مواضع را در جامعه‌های متعارف قانون اساسی و پیشینه و رویه سیاسی خود رژیم بیوشاند و از درون در دگرگونی اوضاع بکوشد.

تا آنجا که بتوان بی‌تعصب قضاوت کرد آنچه در ایران برای درآوردن کشور از این وضع فاجعه‌بار می‌کنند بر همه استراتژی‌های بیرونیان برتری دارد. بر هر گوشه مبارزه سران جنبش سبز انتقادها وارد است، از نیمه‌راه رفتن‌ها، گام‌هایی به پیش سبز هم به سطح‌های زیرین جامعه رفته است و کاستن از شدت روبرواری، آنچه را که ممکن و به مصلحت عمومی است انجام می‌دهد. می‌توان از سران و سخنگویان آن انتظار داشت که در دفاع از زندانیان یا طبقات محروم جامعه فعال تر شوند و به‌ویژه جنبه اقتصادی را از یاد نبرند. مردم ایران سرانجام هم می‌دانند چه می‌خواهند و هم چه نمی‌خواهند و در هر دو به جاهای درست رسیده‌اند. ما نیز بجای رقابت آشکار و نهان با جنبش سبز که تنها اثرش ضعیف کردن روحیه مردم است بهتر است بدانیم چه می‌خواهیم و چه نمی‌خواهیم. نخست دست برداشتن از ادعاهای نامربوط؛ و رها کردن استراتژی همه در یک جبهه می‌آید. باید بهترین آینده‌ای را که برای ایران می‌خواهیم پایه همکاری‌ها قرار دهیم. بجای سرهم کردن ائتلافی تازه در اصول متناقض و سخن گفتن با یافته‌اند و رسیدن به نقطه‌های اشتراک دشوارتر شده است. اگر قرار بر خشونت کردن همگان باشد یا می‌باید اعلامیه‌های بیروح و خاصیت صادر کرد و یا تناقضات را برهم‌انباشت که همه را خواهد ماند. در حالی که ایرانیان با گزینش‌های دشوار زورآور روبرویند نه کلیات به خورد آنان می‌توان داد؛ نه از برابر آن گزینش‌ها می‌توان گریخت.

«پس از این رژیم چه؟» برای ایرانیان درون همان اندازه اهمیت دارد که برداشتن این رژیم. آنها برخلاف بیرونیان موقعیت ایران را

اسلامی چه؟ برای چه مبارزه کنیم؟ برای برگرداندن پادشاهی، یا برقراری جمهوری؛ برای سرمایه داری یا سوسیالیسم و کمونیسم؛ برای تکه تکه کردن ایران؛ برای پیش افتادن فلان شخص یا گروه ...؟ هر کس می‌تواند در پیرامون خود این ملاحظات را حس کند. هم‌اکنون، چه رسد به همکاری مخالفانی با چنین نگرانی‌ها خیال‌اندیشی است.

۲- مشکل اصلی در نبود رهبری است. اگر یک خمینی دیگر می‌بود! اما نقش و سهم خمینی چه بود؟ خمینی در ۱۳۴۲ و هنگامی که در ایران بود دست به شورش زد که با آنکه سه روزی تهران و شهرهای دیگری را نیز فرا گرفت از کاری برنیامد. حکومت با قدرت ایستادگی کرد و فرصت نداد که نیروهای ملی و مترقی بیشتری به پشتیبانی او برخیزند. شبکه هواداران او نیز چندان زوری نداشت نه از نظر مالی نه سازمانی. پانزده سال بعد او با رژیم روبرو شد که برای فروپختن منتظر تلنگری می‌بود. در فاصله آن پانزده سال هوادارانش شمار مسجدها را که بیشترین مراکز تبلیغاتی شده بودند در سراسر ایران به هزاران رساندند و زیر بینی ساواک که لابد خیلی هم به خود می‌بالید با سیل پول‌های بازاریان و دیگران صندوق‌های قرض‌الحسنه برپا داشتند و هیات‌های مذهبی و تکیه‌های گوناگون در هر جا راه انداختند و ده‌ها هزار تن را در شبکه کوشندگان امر خمینی بسیج کردند.

خمینی در بیرون ایران تنها نیفتاده بود. نیروهای سیاسی مخالف رژیم اگر هم یکدیگر را نمی‌سندیدند در پشتیبانی او همدستان می‌شدند و به هر صورت که می‌توانستند با او در تماس می‌بودند و به زیارتش می‌رفتند. کاست پیام‌های آتشینش هزار هزار در ایران دست به دست می‌گشتند. امروز چه کسی را می‌توان تصور کرد که بتواند به چنان جایگاهی برسد. آیا مردم و نیروهای سیاسی ایران اصلاً تحمل آن درجه سرسپردگی را دارند و اگر چنان می‌بود آیا نمی‌بایست از ملتی که رشد نمی‌کند و همواره درجا می‌زند نا امید شد؟

۳- گوناگونی عقاید و برنامه‌های سیاسی مانع اصلی تمرکز مبارزه بر جمهوری اسلامی است. می‌باید پیامی یافت که بیشترین نقاط اشتراک را دربر گیرد. چنین رویکردی یک اشکال بزرگ دارد. با پیچیده‌تر شدن مسائل و پدیدار شدن نیروهای تازه در میدان، گوناگونی‌ها افزایش یافته‌اند و رسیدن به نقطه‌های اشتراک دشوارتر شده است. اگر قرار بر خشونت کردن همگان باشد یا می‌باید اعلامیه‌های بیروح و خاصیت صادر کرد و یا تناقضات را برهم‌انباشت که همه را خواهد ماند. در حالی که ایرانیان با گزینش‌های دشوار زورآور روبرویند نه کلیات به خورد آنان می‌توان داد؛ نه از برابر آن گزینش‌ها می‌توان گریخت.

«پس از این رژیم چه؟» برای ایرانیان درون همان اندازه اهمیت دارد که برداشتن این رژیم. آنها برخلاف بیرونیان موقعیت ایران را

باید بهترین آینده‌ای را که برای ایران می‌خواهیم پایه همکاری‌ها قرار دهیم؛ بجای سرهم کردن ائتلافی بر اصول متناقض، در همراهی کردن گرایش‌های گوناگون بر اصول همگانی بکوشیم

سه دهه‌ای است که همکاری، جبهه متحد، همبستگی، یگانگی گرایش‌ها و کوشندگان سیاسی، ترجیح‌بند گفت‌وگو سیاسی بیرون بوده است. آن قدر برای چنان ترتیباتی کوشیده‌اند که شماره نمی‌توان کرد. این کوشش‌ها به جانی نرسیده است و نمی‌توانسته برسد به دو علت: نخست دور بودن از میدان اصلی مبارزه، و دوم ترکیب نیروهای سیاسی بیرون. فعالیت‌های بیرونیان به‌جای لمس‌پذیری نمی‌رسید، نه در ایران جنبشی پدید می‌آورد نه در گوش زمامداران آمریکائی و اروپائی، که به امیدهای واهی، مخاطبان اصلی شمرده می‌شدند طنینی می‌یافت. آنها جماعت تبعیدی را بی‌ربط می‌شمردند و همه در پی یافتن راهی با عناصری از خود رژیم هستند. ترکیب سیاسی تبعیدیان نیز همکاری را ناممکن می‌ساخت و هنوز می‌سازد. در بیشتر آنها پیشینه ده‌ها سال دوری و دشمنی چنان زنده است که هر چه بتوانند از بی اثر و حتی ویران کردن یکدیگر کوتاهی ندارند.

اما بیش از این‌ها، همکاری از اصل غیر عملی بود زیرا در خود ایران تا مدت‌ها کار زیادی نمی‌شد کرد. بخش بزرگتر جمعیت، از جمله روشنفکران، با همه مخالفت روز افزون با رژیم اسلامی هنوز از حال و هوای انقلاب و نظام برخاسته از آن بیرون نیامده بودند و کارسازترین سلاح خود را در رویکردهای گوناگون به مذهب جستجو می‌کردند. در اندیشه‌شان نمی‌گنجید که نخست می‌باید از قالب ذهنی دهه‌های چهل و پنجاه/ شصت و هفتاد بیرون آمد (این سوادزدگی - که به‌عنوان «راحت کژدم زده کشته کژدم بود» نیز به رخ کشیده می‌شد - بیشتری از بیرونیان را نیز تا مدت‌ها رها نکرد). بر این‌ها البته ناهم‌ترازی نیروی سرکوبگری حکومت و نیروی مقاومت مردمی را نیز می‌باید افزود که مایه امیدواری نمی‌بود.

با این همه آرزوی همکاری نیروها به همان روال گذشته بیرونیان را رها نکرده است و اگر عملاً به تنها مبارزه مؤثری که از ما بر می‌آید آسیبی نمی‌زد، نیازی به پرداختن به آن نمی‌بود. در اینجا پیشاپیش می‌باید روشن کرد که همکاری نیروها و کوشندگان (آن بخش نه چندان بزرگی که کمترین آمادگی در آنها هست) هیچ عیبی ندارد. عیب در روال گذشته است. می‌باید از این سه دهه آموخت و دنبال آنچه عملی است رفت. اینک فهرستی از مهمترین فرض‌های بی پایه (در عمل) این سه دهه:

۱- ایرانیان در بیرون دشمنان طبیعی جمهوری اسلامی هستند پس ناچار می‌توانند تا سرنوشت این رژیم با هم کار کنند و بعد به فیصله دادن اختلاف‌های خود پردازند. تقسیم‌بندی جز این نیست: یا هوادار یا مخالف رژیم اسلامی. این ساده کردن و فروکاستن مساله تا همه را در بر گیرد یک عامل مهم را در حساب‌های سیاسی ایرانیان در نظر نمی‌آورد - پس از جمهوری

دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۵۷)

کیهان لندن شماره ۱۳۳۸

احمد اصرار

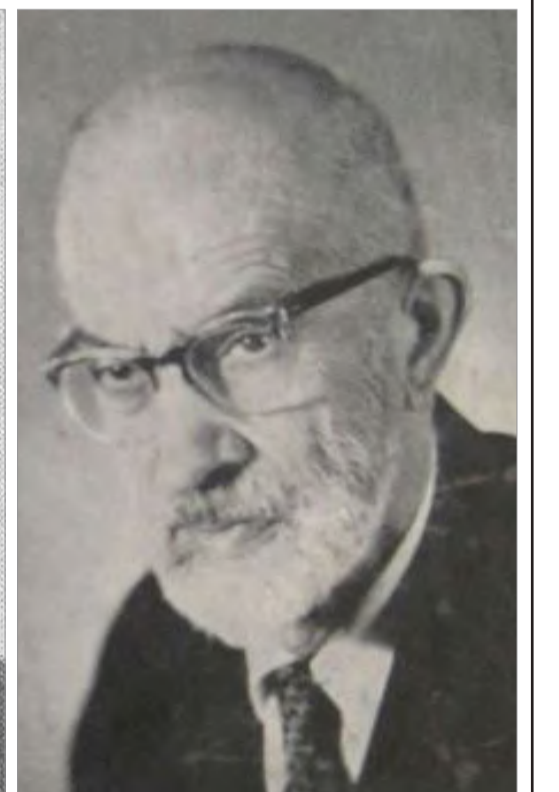
زبیبای بنام سکینه خانم در خانه ما رفت و آمد می‌کرد که متین‌السلطنه به او نرد عشق باخته بود. این خانم برای ما نقل می‌کرد که چند روز قبل ببرد نامه‌های مرموزی به او رسیده بود و از او مبلغی پول خواسته بودند. در کابینه وثوق الدوله همه عاملین این کمیته بازداشت و به مجازات قانونی رسیدند به‌استثنای دو نفر که به آنها دسترسی پیدا نشد بقیه یا اعدام شدند و یا به نقاط دور دست تبعید شدند... غائله کمیته مجازات که وحشت‌گرایی در دلها انداخته بود بر اثر شهامت دولت وقت خاتمه پیدا کرد معذالک تا چند ماه پس از تار و مار شدن این دسته هنوز ترس و هراس از آنها در دلها باقی بود به‌طوری که وثوق الدوله و وزرای کابینه او از ترس جان بدون اسکورت



علیقلی مسعود انصاری (مشاور الممالک)

حرکت نمی‌کردند. دو سه روز پس از پایان بازپرسی از اعضای کمیته، میرزا احمدخان صفا مستنطق تأمینات که از اعضای کمیته مجازات بازپرسی کرده بود در یکی از کوچه‌های تاریک ولی‌آباد، هنگام شب وقتی به خانه خود برمی‌گشت کشته شد و این نشان می‌داد که فعالیت‌های مخفیانه کمیته هنوز ادامه دارد.»

ابوالقاسم کحّال زاده نیز می‌نویسد: «اولین کسی که ترور شد میرزا اسماعیل خان معروف به میرزا اسماعیل انبار بود. این شخص رئیس انبار گندم بود که در مراجعت از اداره انبار، در درشکه شخصی خود هدف گلوله قرار گرفته و کشته شده بود. البته در همان ایام قبل از ترور این شخص، معروف بود که وی با انگلیس مربوط است و در تمام تهران این موضوع پیچیده بود... دومین کسی که به امر کمیته مجازات ترور شد، متین‌الدوله ثقفی مدیر روزنامه عصر جدید بود که پشت میز تحریرش کشته شد. آقای متین‌السلطنه پدر آقای منوچهر ثقفی داماد حاجی شکرالله فتوره‌چی بود. شخص سوم میرزا محسن خان مجتهد معروف بود که نزدیک مسجد جامع در حالی که وارد خانه خود می‌شد ترور شد. چهارمین نفر منتخب‌الدوله خزانه‌دار بود که ترور شد. بعد معلوم شد بهادرالسلطنه که با اجزاء کمیته بستگی داشت روی غرض شخصی این شخص را ترور کرده است. بعد، دو نفر از اجزاء نظمی هم ترور شدند، یکی میرزا احمدخان صفا بازپرس اعضای کمیته مجازات و دیگری ماژور استوار احمدخان که از افسران بسیار شرافتمند شهربانی بود. اعضای کمیته مجازات عبارت بودند از: ابوالفتح زاده، منشی‌زاده، عمادالکتاب، میرزا علی اکبر خان ارداقی، بهادرالسلطنه، حسین خان لله، رشیدالسلطان، مشکوه‌الممالک، عبدالحسین خان پسر شفاء‌الملک.»



سعید نفیسی

زیرا که مرحوم متین‌السلطنه که فکرش بازتر و نوتر از روزنامه‌نویسان دیگر بود بسیار مشکل‌پسند بود و هر مقاله‌ای را نمی‌پذیرفت و هر کس را به همکاری با خود قبول نداشت. انتشار نام من در آن روزنامه باعث شد که بسیاری از رقیبان و همکاران بر من رشک می‌بردند. بیشتر بدان جهت که من تازه از راه‌رسیده و از بسیاری از ایشان جوانتر بودم و به‌اصطلاح هنوز یک پیراهن بیشتر پاره نکرده بودم.»

پایه «کمیته مجازات» در قصر شیرین گذاشته شده بود. جمعی از مهاجرین تندرو که بی‌تحریکی و شکست نهضت را معلول وجود رهبران محافظه‌کار می‌دانستند در صدد برآمدند نظام‌السلطنه را ترور کنند و از حیدر عمو اوغلی (مشهور به حیدرخان بمبی) برای تشکیل دولت انقلابی دعوت به‌عمل آورند. ابوالفتح‌زاده صاحب منصب ژاندارمری و احسان‌الله خان و کریم دواتگر و حسین خان معروف به «لله» طراحان این توطئه بودند اما پیش از آن که دست‌به‌کار شوند لو رفتند و نقشه آنها عقیم ماند. تهران، آنان یکدیگر را باز یافتند و به سازماندهی یک گروه عملیاتی پرداختند که هدفش مرعوب ساختن هواخواهان روس و انگلیس بود.

حسین اعظام قدسی (اعظام‌الوزاره) که در سفر مهاجرت حضور داشت و در تهران از وی برای پیوستن به گروه دعوت شده بود می‌نویسد: «در اثر وضعیت پریشان و هرج و مرج در قصر شیرین چند نفر با مکاتبه با حیدرخان عمو اوغلی - که در بغداد به‌سر می‌برد - تصمیم گرفتند چند نفر را ترور نمایند که در درجه اول نظام‌السلطنه و پس از ورود حیدر خان و گرفتن زمام کار عده‌ای را از میان ببرند. در نتیجه اطلاع دادن مساوات (سید محمدرضا) و محاصره نمودن منزل آقایان و فرار احسان‌الله خان و کریم دواتگر و داشی مجاهد

صلح همیشه زیباست

داستان واقعی آتش بس ایام کریسمس



ارتشهای آلمان، بریتانیا و فرانسه در جریان جنگ جهانی اول در بلژیک با هم می‌جنگیدند. شب کریسمس جنگ را تعطیل می‌کنند تا دست کم برای چند ساعت کریسمس را جشن بگیرند. در ارتش آلمان یکی از سربازان که سابقه خواندن در ایپرا را نیز دارد شروع به خواندن ترانه کریسمس مبارک می‌کند. صدای خواننده آلمانی را سربازان جبهه‌های دیگر می‌شنوند و با پرچمهای سفید به نشانه صلح از خاکریز بالا می‌آیند و به سوی ارتش آلمان می‌روند. آن شب سربازان ۳ ارتش در کنار هم شام می‌خورند و کریسمس را جشن می‌گیرند ولی هر ۳ فرمانده توافق می‌کنند که از روز بعد صلح شکسته شود و جنگ را از سر بگیرند! صبح روز بعد دست و دل سربازان برای جنگ نمی‌رفت. شب قبل آن قدر با دشمن رفیق شده بودند که بی‌خیال جنگ شدند و از پشت خاکریز برای هم دست تکان می‌دادند! چند ساعت که گذشت باز هم پرچمهای سفید بالا رفت و پس از گفتگوی ۳ نماینده ارتش‌ها تصمیم بر این گرفته شد که برای سرگرم شدن با هم فوتبال بازی کنند. آنها آن قدر با هم رفیق می‌شوند که با هم عکس می‌گیرند و حتی آدرس خانه‌های خود را به همدیگر می‌دهند تا بعد از جنگ به کشورهای هم سفر کنند! کار به جایی می‌رسد که این ۳ ارتش به هم پناه می‌دهند و ...



کریسمس «Christmas Truce» شناخته می‌شود. سال‌ها بعد «کریس دی برگ» متن یکی از این نامه‌های سربازان را در یک حراجی به قیمت ۲۷ هزار دلار می‌خرد و پل مک کارتنی بیتل مشهور انگلیسی هم در ویدیوی یکی از کارهایش به این رویداد ادای احترام کرده و سال ۲۰۰۵ هم کریستین کاربون با استناد به مدارک این اتفاق فیلمی بنام «کریسمس مبارک» می‌سازد که اسکار بهترین فیلم خارجی را به خاطر آن گرفت و این فیلم حتی در جشنواره فیلم فجر تهران نیز به نمایش در آمد.

عجایب هفتگانه جهان عهد باستان

مجسمه زئوس



تقریباً سه هزار سال پیش، «المپیا»، مرکز مذهبی در جنوب غربی یونان بود. یونانیان باستان زئوس پادشاه خدایان را می‌پرستیدند و در زمانهای مشخص به افتخار او جشن‌هایی بر پا می‌کردند. در این جشن‌ها مسابقات ورزشی هم انجام می‌شد. از نظر ساکنان دنیای قدیم این بازیها خیلی مهم بودند، چندان که در زمان برگزاری مسابقات، جشن‌ها متوقف می‌شد تا شرکت‌کنندگان و تماشاگران به آسانی خود را به محل مسابقات برسانند. مجسمه زئوس یکی از عظیم‌ترین مجسمه‌های جهان است. این اثر در ۴۵۰ سال قبل از میلاد توسط مجسمه‌ساز معروفی به نام فیدیاس ساخته شد این هنرمند همان کسی بود که مجسمه خدای آتنا را هم برای معبد پارتنون در آتن ساخت. ارتفاع مجسمه زئوس در حدود ۱۲ متر بود. بدن این مجسمه را از عاج فیل و ردا و موها و ریشش را از طلا ساخته بودند. این اثر ارتفاعش چنان بود که با سقف معبد زئوس برخورد می‌کرد. فیدیاس با این کار می‌خواست اقتدار و نیرومندی زئوس را نشان دهد. مجسمه زئوس در معبد زئوس که طول آن به ۶۴ متر می‌رسید قرار داشت. ۷۲ ستون خارجی این معبد که به سبک معماری قدیم یونان بودند این معبد را دارای معماری خیره‌کننده‌ای کرده بودند. سنگفرش آن نیز با مجسمه‌های بی‌نظیری تزئین گشته بود. مجسمه زئوس در حدود ۸۵۰ سال در این معبد قرار داشت تا هنگامی که بعضی از یونانیها آن را به استانبول منتقل کردند. البته این موضوع زیاد طول نکشید چرا که محل جدید نیز در آتش سوخت و این مجسمه برای همیشه از بین رفت.


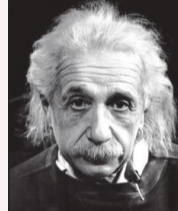
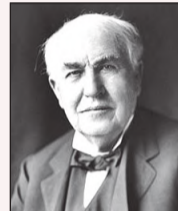
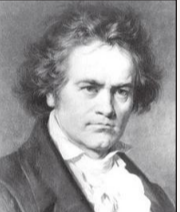

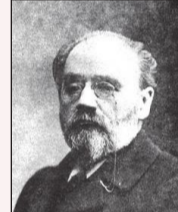
۱۰ پرسش و ۱۰ پاسخ

در صفحه ۱۷

۱- در فیلم «تاندربال» ساخته شده در سال ۱۹۶۵ چه کسی در نقش جیمز باند بازی کرد؟
۲- راجر مور ۲ شون کانری ۳- ریچارد برانز ۴- تیموتی دالتون
۳- در بازی‌های آسیایی سال ۲۰۰۲ در کره جنوبی، تیم فوتبال ایران چند مدال به دست آورد؟
۱- مدال طلا ۲- مدال نقره ۳- مدال برنز ۴- مقام چهارم
۳- پرچمدار ایران در همین مسابقات چه کسی بود؟
۱- امیررضا خادم ۲- رضا سوخته‌سرابی ۳- علی دایی ۴- آرش میراسماعیلی
۴- شهر «پورتلند» در کدام ایالت آمریکا قرار دارد؟
۱- ایندیانا ۲- یوتا ۳- آلاباما ۴- اورگون
۵- مارتینا نورا تیلوا قهرمان تنیس جهان چند بار وبمبلدون را برد؟
۱- ۴ بار ۲- ۵ بار ۳- ۶ بار ۴- ۹ بار
۶- بازیگر اصلی فیلم «زولو» ماجرای کشتار سربازان انگلیسی به دست قبیله زولو در آفریقای جنوبی، ساخته شده در سال ۱۹۶۴، چه کسی بود؟
۱- مایکل کین ۲- راجر مور ۳- شون کانری ۴- ریچارد برتون
۷- «کجور» نزدیک کدام شهر قرار دارد؟
۱- کرج ۲- اصفهان ۳- اهر ۴- تبریز
۸- چند دقیقه طول می‌کشد که نور خورشید به زمین برسد؟
۱- ۸ دقیقه و ۱۷ ثانیه ۲- ۲۸ دقیقه و ۱۷ ثانیه ۳- ۴۸ دقیقه و ۱۷ ثانیه ۴- ۵۸ دقیقه و ۱۷ ثانیه
۹- کدام حیوان هیچوقت آب نمی‌خورد و آب مورد نیاز بدنش را با خوردن برگ‌های خیس تأمین می‌کند؟
۱- میمون ۲- زرافه ۳- خرس کوالا ۴- بزکوهی
۱۰- این بیت سعدی را تکمیل کنید: در ... جان از بدن، گویند هر نوعی سخن / من خود به چشم خویشتن، دیدم که جانم می‌رود.
۱- باره ۲- مورد ۳- رفتن ۴- کندن

این شش جیمز باند را شناسایی کنید!

در صفحه ۱۷

		
لویی پاسستور دانشمند و شیمی‌دان	آلبرت اینشتاین دانشمند و ریاضیدان	توماس ادیسون مخترع برق
		
لودویک بتوهون موسیقیدان نابغه	جیمز وات مخترع ماشین بخار	امیل زولا نویسنده فرانسوی

۸	۳	۷			
		۱	۹		
		۱	۶	۳	
	۲			۱	۴
	۹	۵	۲	۳	
	۳		۸	۷	
		۴	۱	۹	۵
۴	۶	۵	۷		
۳					

جدول اعداد (سودوکو)

			۱	۶			۵
۳				۶			
							۵
۴				۳	۲		
			۶			۳	

سودوکو

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱

عمودی:

۱- سردار بزرگ ایران
۲- دستور دهنده -
۳- گیاهی
۴- توفیق و قبول -
۵- از کشیدنی‌ها -
۶- شریان - وافر
۷- بلیغ - درخشان
۸- چاپار و قاصد -

عمودی:

۱- پنهان کردن - الونک و کپر - واحد اندازه‌گیری سطح
۲- از سلاطین قاجار
۳- ناظر - زبان موسیقی - صنم
۴- آهنگ - دشتی در مغولستان - حاشیه
۵- مادر به عربی - دانش و عقل - از چهارپایان - بهره
۶- نردبان و پلکان - تلخ - خوراکی است
۷- حرف خطاب - پژوهشگر، ادیب و مؤلف معروف ایران و استاد پیشین دانشگاه تهران
۸- شاعر، نویسنده و روزنامه‌نگار برجسته معاصر کشور ما

عمودی:

۱- از پیشکسوتان برجسته هنر بازیگری سینما و تئاتر در ایران
۲- بندری در کنار مدیترانه - داخل سراسر - بخشوده
۳- رودخانه‌ای در اروپا - بنا - کاشف هر راز
۴- شراب - جدایی و خلاف - کوشش
۵- بهره - جوی خون - چهره
۶- قاضی و داور - مهمترین فرد در تهیه فیلم و تئاتر
۷- جد - دگرگونی - نگونبخت و بیچاره
۸- زبانی است - شهری - مقام
۹- بدی - ایزد آب - رأس
۱۰- خوراکی است - از وسایل مذهبی سنتی - شهری مذهبی در عراق
۱۱- بالا بردن - از فلزات

حل جدول شماره قبل

۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۶	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۷	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۸	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۹	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱

حل جدول شماره قبل

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۶	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۷	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۸	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۹	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۳	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۴	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
۱۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱

افقی:

۱- علمی است
۲- مصاحبه - مددکار
۳- از بازیهای ورق - کشوری است
۴- سلمانی - اشاره به دور
۵- بخار مترکم - لحظه و نفس - از کارخانجات معطم تولید اتومبیل
۶- تهمت زدن
۷- سنگینی - راه بی‌پایان - حد
۸- او هم حرفه‌ای دارد - مازاد

بودند که من کاملاً به منبع قدرت و ناچار به اخبار سیاسی از همه بیشتر نزدیک هستم. در واقع غیر از شب‌هایی که در سفارت میهمانی برپا بود، اغلب در جلساتی با والاحضرت مولای عبدالله و نخست‌وزیر و ژنرال او فقیر و رئیس ستاد ارتش و وزیر خارجه و وزیر اطلاعات دوره‌هایی داشتیم که در بعضی از آنها تا پسی از شب پوکر بازی می‌کردیم و در واقع من مثل عضو دولت مراکش شده بودم و راجع به همه مطالب مذاکره می‌کردیم.

این نفوذ به اندازه‌ای بود که سفیر آمریکا به نام مستر تاسکا از من وقت ملاقات می‌خواست و تقاضا می‌کرد دفعه آینده اگر موقعیت داشت راجع به هواپیمایی آمریکا با اعلیحضرت به ملک حسن صحبت کنید و قس علیهذا. من هم با همه رفتار بسیار خوب داشته و همیشه رموز آداب را رعایت می‌کردم. کم‌کم به زندگانی در رباط عادت کرده بودم و با اخباری که از منابع دست اول بدست می‌آوردم و به تهران می‌فرستادم احساس می‌کردم که اعلیحضرت همایونی هم ارزش کار مرا دانسته و احساس کرده بودند. گاهی هم به شهرهای دیگر می‌رفتم یا در ویلای محمدیه به اتفاق برادرم شاپور میهمان والاحضرت مولای عبدالله بودیم. شهر فاس خیلی نظر مرا جلب کرد. مثل اینکه مهد تمدن اسلامی آفرینا بود. در بازار بسیار بزرگی که بی‌شباهت به تهران و اصفهان نبود اجناس زیادی وجود داشت و کتابخانه‌ها و مدارس رونق زیادی داشت.

تقریباً به کارمندان سفارت کاری نداشتیم یعنی جز امور اداری داخلی کسی برای من نمی‌توانست کاری انجام دهد. با چند نفر از بانوان مراکشی نیز دوستی داشتیم که هر یک از آنها را گاهی دعوت کرده و مذاکره می‌کردیم...

ضمناً بعضی از دوستان من مانند جناب آقای مشیری و جناب آقای دکتر تعلیمی یک بار به طور خصوصی به مراکش آمدند. ما درم نیز دوبار به مراکش تشریف آوردند و برای من دیدار معظم‌لها موهبت بزرگی بود. همچنین مرحوم دکتر صدر و همشیره دیگریم مرحوم ناهید بهرامی و خواهرزاده دکتر بهمن صدر به اتفاق خواهرزاده مرحوم حسنعلی منصور و سولانه همسر برادرم به اتفاق برادرزاده‌ام که به قصد کمک به من در تهیه وسایل میهمانی یا دکوراسیون این لطف را کرده بودند به مراکش آمدند. بنابراین، این دیدارها روحیه مرا بیش از پیش تقویت می‌کرد.

روابط با تهران نسبتاً خوب بود. فقط گاهی بعضی دستورات غیرقابل اجرا صادر می‌شد که با وجود مأمور سازمان امنیت آنها را اجرا نمی‌کردم. از جمله روزی تلگرافی رسید که تا دستور ثانوی از لحاظ حفظ امنیت در سفارت بسته باشد و هیچ ایرانی را راه ندهید.

هر چه فکر کردم دیدم این کار از من هر نمی‌آید و هیچ اتفاقی هم نمی‌توانست بیفتد زیرا هموطنان همه دوستان من محسوب می‌شدند و رفتار من همیشه با همه دوستانه بوده است، یا اینکه دستور می‌رسید که هر کس به جای خلیج فارس کلمه خلیج عربی را استعمال کرد یا نوشت فوراً او را رد دادگستری تعقیب کنید. این کار غیرممکن بود و به کلی وجهه ایران را از بین می‌برد. این است که با مطالعات سریع و زیاد جزوه‌ای به زبان فرانسه تهیه کرده و آن را فتوکپی کردم. در این رساله از شروع تاریخ نام خلیج فارسی و شهادت عده‌ای از مورخان خارجی و مخصوصاً عربی رادرج کرده و نقشه‌های قدیمی را اضافه کرده و نتیجه کاملاً منطقی گرفته بودم که نام این خلیج، خلیج فارس است.

چون بعضی از احزاب و روزنامه‌نویس‌ها هم در مراکش که مخالف با دولت پادشاهی خودشان بودند یا آزادی بیشتر می‌خواستند همیشه نام خلیج عربی را استعمال می‌کردند. من به جای تعقیب در دادگستری با نامه‌ای مؤدبانه و منطقی و ارسال یک نسخه از رساله به آنها می‌فهماندم که اشتباه کرده‌اند. چندین نسخه هم به تهران فرستادم که اگر تصویب می‌کنید به تمام سفارتخانه‌های ایران ارسال نمایند و به همین ترتیب هم عمل کردند.

ادامه در صفحه ۱۷



و متن آن این بود که مبلغ ۳۵۰ هزار دلار به حساب من ریخته شده است. بنابراین پاسخ اعلیحضرت مثبت بود و من می‌توانستم مراتب را به اعلیحضرت ملک حسن اعلام نمایم. حال موضوع مهم برای من این بود که این پول بدست یاسر عرفات و سران الفتح برسد و زیاد خاطر جمع نبودم که وسط راه حیف و میل نشود، بعد از چند بار مذاکره قرار شد یکی از رجال مراکشی که در آن موقع در لبنان سفیر بود و از دوستان نزدیک عرفات محسوب می‌شد به رباط آمده و ترتیب کار را با من بدهد.

وجوه درسه قسط از طریق ایشان ارسال گردید و هر بار رسید آن به امضای عرفات یا سران درجه یک الفتح بدست من رسید. خیالم راحت شد و در موقع مقتضی سوابق را به دربار دادم و



یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین (۲۰۰۴ - ۱۹۲۹)

خیال می‌کنم اینک در بایگانی محرمانه دربار یا وزارت امور خارجه می‌توان به آن دسترسی داشت. در هر حال مناسبات با فلسطینی‌ها از طریق من شروع شد و حتی قرار بود خود یاسر عرفات به تهران برود. ولی بعد از چند ماه در جراید مصاحبه مفصل اعلیحضرت همایونی را دیدم که به عرفات حملات شدیدی کرده بودند. از طرف دیگر فلسطینی‌ها برای دریافت وجوه بیشتر فشار می‌آوردند. یعنی چنین تصور می‌کردند که این کمک لاقال به ۵ میلیون دلار بالغ خواهد بود. برای من علت تغییر عقیده اعلیحضرت هیچوقت روشن نشد و همین امر موجب گردید که دشمنی فلسطینی‌ها را با فامیل سلطنتی برانگیزد و عده‌ای از جوانان را به سمت خود کشیده و به آنها راه‌های انقلاب و آدم‌کشی و هرج و مرج را بیاموزند. ولی اعلیحضرت ملک حسن روابط دوستانه خود را با یاسر عرفات ادامه داد و من شاهد بودم که سالی چند بار رئیس الفتح به مراکش می‌آمد. امروز اسرائیل و الفتح مشغول مذاکره هستند و اگر اتفاق خاصی نیفتد شاید در سال‌های آینده به توافق برسند و بالاخره مردم فلسطین کشوری پیدا خواهند کرد.

بنابراین می‌توان گفت که اعلیحضرت ملک حسن از سال‌ها قبل پیش‌بینی درستی کرده و با خریدن چند سهم به قول خودش مملکت خود را از آشوب نجات داده است.

نفوذ من در مراکش روز به روز زیادتر می‌شد. همه سفرای خارجی درک کرده

والاحضرت را گرفته و به داخل هواپیما بردم. معظم‌لها خیلی به محبت از من تشکر کردند و فرمودند که در تهران همشیره من ناهید بهرامی را که با ایشان آشنایی داشت بیشتر ملاقات خواهند کرد. بالاخره آقای پهلبد هم سوار شدند و هواپیما پرواز کرد.

حالا من مانده بودم با یک مأموریت مهم و فکر درباره اینکه برای چه مطلبی تقاضای اجازه مسافرت به تهران را بنمایم. بالاخره چند مطلب اداری و سیاسی را بهانه کرده و تقاضای مسافرت چند روزه را کردم. البته بلافاصله پاسخ مثبت واصل گردید و من بلیت گرفته و به تهران حرکت کردم. هیچیک از کارمندان سفارت به هیچ وجه از علت اصلی مسافرت من با خبر نبود.

در تهران هم با دربار یا نخست‌وزیر و

وزیر امور خارجه صحبتی از مأموریت خود نکردم. فقط با سفیر مراکش چند ساعتی از مسائل سیاسی مهم و روابط دو کشور صحبت کردم. درک کردم که او هم مطلع نیست و خوشحال شدم که واقعا اعلیحضرت ملک حسن مطلب را فقط به من فرموده‌اند. تقاضای شرقیایی کرده و در وقت معین نزد اعلیحضرت رفتم. در آنجا پیام را عرض کردم. در بادی امر اعلیحضرت احساس ناراحتی کرد. فرمودند: آنچه شما می‌گویید بی‌معنی نیست ولی ضمناً انجام آن شیهه به آن است که من کاردی را از پشت سر به ملک حسین بزنم که هیچ شایسته دوستی ما نیست. تا آنجا که عقلم می‌رسید توضیحات بیشتری دادم که مقصود حفظ صلح جهانی و عدالت است.

فرمودند: بسیار خوب بروید، من تصمیم خواهم گرفت و به شما اطلاع خواهم داد. ضمناً عرض کردم که هیچیک از مقامات ایران از موضوع اطلاعی ندارند. معظم‌لها فرمودند: این فکر، یک فکری نیست که اعراب کرده باشند، حتماً مسأله مهم دیگری در زیر آن خوابیده است. شاید تصور می‌نمودند که آمریکایی‌ها هم موافقت دارند. به رباط مراجعت کردم. در واقع نتیجه‌ای بدست نیاورده بودم و اعلیحضرت ملک حسن چه جوابی بدهم! ولی بعد از دو هفته نامه‌ای از بانک سویس در ژنو به رباط ارسال شد

باز نشر

خاطراتی از دکتر احمدعلی بهرامی: «در جست و جوی عدالت و انسانیت» (۱ و ۲)

- مأموریت در مراکش
- پیام سلطان حسن دوم به محمدرضا شاه درباره فلسطین
- مسافرت والاحضرت شمس پهلوی
- ۳۵۰ هزار دلار کمک مالی پادشاه ایران به یاسر عرفات

خاطرات دکتر احمد علی بهرامی، وزیر و سفیر و دولتمرد دوران پیش از انقلاب در کتابی با عنوان «در جست و جوی انسانیت و عدالت» به کوشش عطا آیتی در تهران چاپ شده است.

بخشی از این خاطرات به دوران سفارت دکتر بهرامی در مراکش مربوط می‌شود که برای مطالعه شما برگزیده‌ایم.

تشکیل دهم. هر روز به رئیس دفتر ایشان آقای انصاری سفارش می‌کردم که هدایا را حاضر کنند و لیست و آدرس گیرندگان و حتی چند سطر که باید نوشته شود به ایشان داده بودم ولی به قدری اهمال شد که شب آخر مجبور شدم خودم در هتل به اتفاق ایشان هدایا را بسته‌بندی کنم که خیلی طول کشید و در حدود نزدیک نصف شب بالاخره توانستیم هدایا را ارسال کنیم. هدایا تعدادی کاسه بشقاب و این نوع چیزها بود که آقای پهلبد با علاقه زیاد در کارگاه‌های هنری وزارتخانه درست کرده بودند.



سلطان حسن دوم پادشاه پیشین مراکش

ولی متأسفانه به علت تأخیر، هدایا زمانی به گیرندگان رسید که دیگر آنها وقتی برای تشکر و دادن هدیه نداشتند. از این اهمال خیلی ناراضی بودم. برای خداحافظی و ملاقات با اعلیحضرت

ملک حسن دوم عصر همان روز قبل از بسته‌بندی و غیره شرفیاب شدیم. عصرانه صرف شد و والاحضرت و من از همه همراهان دیگر نزدیک‌تر به اعلیحضرت نشسته بودیم و وزیر امور خارجه آقای دکتر لاراکی که مرد فوق‌العاده خوش‌رو و با محبتی بود نیز حضور داشت. بعد از نیم ساعت که شرفیابی خاتمه یافت و اعلیحضرت نهایت محبت را به همگی نموده و حتی والاحضرت را تا دم در مشایعت نمودند رو به من کرده و فرمودند آقای سفیر ممکن است خواهش کنم شما چند دقیقه تشریف داشته باشید. البته اطاعت کردم ولی گفتم باید والاحضرت را به هتل برسانم. وزیر امور خارجه مغرب را مخاطب قرار داده و فرمودند شما همراه هیأت به هتل بروید. ولی والاحضرت از این امر آگاه نبودند و من هم وقت خداحافظی با ایشان را پیدا نکردم.

مذاکره درباره تشکیل دولت فلسطین

بعد از رفتن همه، در سالن پذیرایی قصر فقط اعلیحضرت ملک حسن و من باقی مانده و نشسته و مشغول مذاکره شدیم.

اعلیحضرت فرمودند: آقای سفیر، آیا ممکن است از شما خواهش کنم که به عنوان نماینده فوق‌العاده من حامل پیامی برای اعلیحضرت همایونی باشید. این پیام در شرایط سیاسی امروز به قدری مهم است که میل ندارم دولت من و یا دولت ایران از آن مطلع شوند و هیچ سابقه‌ای از آن باقی بماند. در

در طنجه، در هتل بسیار خوبی که باغ آن پر از گل‌های زیبا بود اقامت کردیم و یک بانوی محترمه قدیمی و مسن از فامیل اعلیحضرت حسن دوم به دیدن آمدند و بعد از یک ربع ساعت گفتند: مثل اینکه من شمارا ناراحت کرده‌ام و برنامه‌های دیگری دارید. والاحضرت بلافاصله گفتند: بله، ما امشب شام را در بیرون هتل صرف می‌کنیم و بانوی محترمه از جای برخاسته و خداحافظی کرد. نه تنها هیچ تعارفی به ایشان نشد بلکه هیچ کس هم قصد مشایعت ایشان را نکرد. تعجب کردم که همراهان جطور این آداب معمولی را به جای نیاوردند. این بود که خودم بانو را مشایعت کرده و حتی در اتومبیل سوارش کرده و احترامات لازم را به جای آوردم که خیلی ممنون و سپاسگزار شد.

روی هم رفته والاحضرت بانویی بسیار موقر و ساده و دوست‌داشتنی بود. به من تأکید کرده بودند که اهل نطق و صحبت نیستند و در هر مورد من به جای ایشان چند کلمه‌ای بیان می‌کردم. می‌فرمودند برای نطق و خطابه و این تشریفات خواهر من والاحضرت اشرف این کارها را بلد است و من اصلاً علاقه‌ای به این کارها ندارم.

آقای پهلبد ناراحت و ناراضی بود از اینکه برنامه‌های خاصی برای ایشان ترتیب داده نشده است و باید همیشه در معیت والاحضرت باشند و حتی با زبان بی‌زبانی گله خود را ابراز می‌داشتند. ولی کاری از دست من ساخته نبود و نمی‌توانستم برای ایشان مسافرت و ملاقات‌های جداگانه

جنبش مردمی، پایه‌های لرزان رژیم، روضه‌های بی‌خاصیت تکراری

نمی‌توان مانند دیگر مغضوبین رفتار کرد. خامنه‌ای در سخنانی سراسر تبلیغ و شعارهای اغراق آمیز در ۲۲ بهمن در مورد دستاوردهای جمهوری اسلامی گفتمن زیاد کرد. مثلا گفت مردم نسبت به سال‌های گذشته به مراتب انقلابی‌تر شده‌اند. استحکام و قوام انقلاب امروز بیشتر از اوایل سال‌های اول است. انقلابیون امروز ایستاده‌تر، آگاه‌تر و بصیرتر از اوایل انقلاب هستند. هذیان‌گویی‌های خامنه‌ای البته می‌تواند نشان از سرگیجه‌ی او و وحشت از سقوط رژیم در آینده نزدیک داشته باشد. او در شرایطی چنین شعارهای استالیانی می‌دهد که چندماه پیش در جریان دیدار از حوزه علمیه قم گفت: هیچ‌گونه اثری از انقلابیگری در طلبه‌ها ندیدیم در حالی که انتظار این است هوزوی‌ها انقلابی‌ترین افراد مملکت باشند. او از رئیس حوزه خواست در روش‌های آموزشی حوزہ تجدید نظر شود. وی چند ماه بعد نیز گفت شرایطی در کشور پیش آمده که ناچارم به بسیج و حزبالله اجازه دهم آتش به اختیار عمل کنند. این دستور عصبی و عجولانه که ناشی از عصبانیت و کلافگی او از اوضاع مملکت بود باعث دستپاچگی اطرافیان او شد و پس از ساعاتی اعلام شد منظور رهبر از این توصیه دست زدن به اعمال و رفتار فیزیکی نبوده بلکه ارشاد و راهنمایی زبانی بوده است!

به نظر می‌رسد این سال‌ها سر ولی فقیه بیشتر اوقات زیر برف بوده است درست مانند کبک‌ها در زمستان.

او از شروع جانیشینی خود در جایگاه خمینی شاهد مهاجرت یا در واقع فرار میلیون‌ها ایرانی از هر راه و طریق از کشور بوده و شمار ایرانیان جلای وطن کرده در دوران حکومت او از جمعیت بسیاری از کشورها بیشتر شده است. در داخل ایران نیز ولی فقیه حتما از گسترش فحشا، کارت‌نخوانی و اعتیادی که دانش‌آموز، دانشجو و مهندس و دکتر را در خود به نابودی کشانده خبر دارد و می‌داند که دختران و زنان معتاد برای تامین مخراج اعتیاد، فرزند مشروع و نامشروع خود را که غالباً محصول تن‌فروشی است به بهای نامزل می‌فروشند. او کاملا آگاه است که رژیم بی‌با چنین شرایط و این درجه از بی‌بازاری مردم نسبت به خود سرنوشتی متفاوت از هیتلر، استالین و صدام حسین نخواهد داشت. از گفته‌های خامنه‌ای در سخنرانی اخیرش که باید آن را مغلطه‌ای آخوندی‌نماید این بود که گفت: قبل از انقلاب نه روشنفکران مردم را درک می‌کردند و نه مردم روشنفکران را! و به همین دلیل از ما خواستند حکومت را به دست بگیریم. در واقع او سعی داشت بگوید مردم واقعی ایران آنهایی هستند که ما دست‌اندازی به کشور می‌پسندند! نه تحصیل کرده‌ها و روشنفکران را. منظور خامنه‌ای لابد همان‌ها هستند که وقتی رهبر یکی از دستجاتی که به مقابل سفارت آمریکا برده شده بودند فریاد زد: «گشاد گشاد راه نروید» آنها هم آن را به عنوان شعار تکرار کردند. آن شخص سپس فریاد زد: «گشاد گشاد راه نروید شعار نیست» راهپیمایان باز حرف او را به عنوان شعار تکرار کردند!

آنچه از سخنان ولی فقیه و دیگر حکومتگران وابسته به او به وضوح آشکار است تاثیر سنگین اتفاقات اخیر و دومین جنبش مردمی در فاصله‌ی کوتاه از رویدادهای سال ۸۸ است. قطعاً شخص رهبر و سپاهیان و دیگر اطرافیان، همکاران و هم‌دستان او به خوبی می‌دانند که پایان عمر رژیم سال‌های زیادی باقی نمانده. وقتی موجودی مانند احمد جنتی که باید از او به عنوان نماد تجرد، واپس‌گرایی، دشمن‌آزادی و انسانیت نام برد در ۹۲ سالگی می‌گوید باید حرف مردم را شنید، ترس و وحشت از دچار آمدن به سرنوشت دیکتاتوری‌هایی که به زباله‌دان تاریخ سرنوشتور شده‌اند را در هر کلمه از سخنان او و بسیاری از هم‌لباسان به ویژه پس از علنی‌تر شدن اختلافات میان رئیس جمهوری، ولی فقیه و اردوگاه او و تصمیم روحانی برای برگزاری فراندوم و موضع‌گیری تند برخی از امامان جمعه به این حرکت را این روزهای می‌توان به خوبی احساس کرد.

اجتماعی و فرهنگی، محرومیت دانشجویان معترض از تحصیل، به بند کشیدن منتقدین، اعدام نوجوانان زیر ۱۸ سال، قطع دست و پای سارقین خردسال، مورد اعتراض و سرزنش کمیته حقوق بشر سازمان ملل و دیگر نهادهای بین‌المللی حقوق بشر قرار می‌گیرند آنها را توطنه‌های جهانی علیه مردم ایران قلمداد می‌کنند و رذیلتی تلاش دارند دائم به آنها بیاورند که تمام دنیا علیه آنان بسیج شده است. خمینی، خامنه‌ای و همفکرانشان پیش از انقلاب ایراد می‌گرفتند چرا یکی از القاب محمدرضا شاه «سایه خدا» است اما بعد از انقلاب مقام نمایندگی خدا بر روی زمین و نیابت امام زمان را که مشاغل است اجرایی حق مسلم خود دانستند و از اینکه مردم آنها را با این عناوین بخوانند نه خجالت می‌کشند و نه نگران روز قیامت هستند که دائم دیگران را از آن می‌ترسانند. مصباح یزدی نظریه پرداز و کارشناس تنوری ولایت مطلقه فقیه در این رابطه تا آنجا پیش می‌رود که خیلی قرض اسلامی کاملاً در جایگاه امامان قرار دارد و هیچ‌کس را اجازه نیست در اجرای بی‌چون و چرای دستورات ایشان تردید به خود راه دهد. گفتنی است که بسیاری از آخوندها درست مثل معرکه‌گیران خیابانی و مارگیرها با مردم حرف می‌زنند که از نمونه‌های دم دستی دیگر آن از آیت‌الله سعیدی نماینده خامنه‌ای در سپاه و احمد جنتی رئیس شورای نگهبان می‌توان نام برد. این سه در قرن بیست و یکم جمعیت ۸۰ میلیونی ایران را با نزدیک به ۱۵ میلیون دانش‌آموز و دانشجو و میلیون‌ها انسان‌های تحصیل کرده و فرهیخته مردمی احق به حساب می‌آورد و با سر هم نمودن چرندیاتی ادعا می‌کنند که خمینی و خامنه‌ای برای رهبری واجد شرایطی کاملاً برابر با امامان هستند و حتی چون در دورانی می‌آوردند و با سر هم نمودن چرندیاتی ادعا می‌کنند که خمینی و خامنه‌ای برای رهبری واجد شرایطی کاملاً برابر با امامان هستند و حتی چون در دورانی حرف آنها گناهی است نابخشودنی. خامنه‌ای چند روز پیش در دیدار با کارکنان نیروی هوایی، حرکت اخیر مردم جان به لب رسیده و متنفر از دیکتاتوری، سرکوب و اختناق مذهبی و قرون وسطایی ولایت مطلقه فقیه را توطئه رسانه‌ها و دولت‌های استعمارگر خارجی خواند. این در حالیست که جمهوری اسلامی این روزها خود به یکی از زشت‌ترین حکومت‌های استعماری جهان تبدیل شده است که به بهانه دفاع از مظلومان با پول نفتی که کفاف هزینه‌های روزمره مردم خود ایران را نمی‌دهد به دنبال کشورگشایی و دست‌اندازی به خاک لبنان، سوریه، کردستان و یمن است.

خامنه‌ای در سخنرانی ۲۲ بهمن گفت جمهوری اسلامی روز به روز به هدف‌های خود نزدیک‌تر می‌شود. اگر چه تا ایده‌آل فاصله داریم اما دیر یا زود به آن مرحله خواهیم رسید.

وی در سخنان خود جز شعارهای زنگ‌زدۀ و از دور خارج شده خروشچفمانند و روضه‌ای خسته‌کننده و بدون محتوا حرف قابل شنیدنی به زبان نیاورد. ضمن آنکه حرکت اعتراضی چند هفته پیش مردم علیه دیکتاتوری هولناک رژیم ولایت فقیه در سراسر ایران را سوء استفاده بدخواهان و دشمنان رژیم از مشکلات مردم دانست. خامنه‌ای پس از حوادث سال ۸۸ گفته بود این اتفاقات آنچه را که در طول ۳۰ سال در ارتباط با سروری بر منطقه و نفوذ در جهان رشته بودیم پنبه کرد و به همین دلیل مسببان آن به هیچ وجه قابل بخشش نیستند و با وجود همه وساطت‌ها میرحسین موسوی نخست وزیر و از نزدیکان خانواده خود و مهدی کروبی رئیس مجلس خمینی را همچنان کینه‌تورانه در حبس خانگی نگه داشته است.

او حتی کسانی را نیز که آن حوادث را فتنه نخواندند از آتش کینه‌اش در امان نگذاشت مانند رفسنجانی و محمد خامنی. البته سعیدی نماینده ولی فقیه در سپاه همان زمان گفت با هاشمی رفسنجانی چون طرفداران زیادی دارد

مینو یگانه - برخی از ما روضه‌خوانی در خانه مادر بزرگ را به یاد داریم. روضه‌خوان ماهی یک بار وقتی وارد منزل خانم بزرگ می‌شد، «یاالله» می‌گفت که خانم‌ها موهای خود را ببوشانند زیرا او تنها نامحرم مجلس بود. سپس برای چند دقیقه حاضران را به انجام کارهای نیک و خیر مانند سر زدن به مسجد محل، برپایی روضه در خانه‌های خود، دادن پول خرد به گدای سر کوچه توصیه می‌کرد و ضمن آرزوی عاقبت‌به‌خیری برای آنان از آنجا که حضور در چند منبر دیگر را تا هنگام غروب در برنامه داشت وارد اصل مطلب و بخش تراژدی روضه یعنی حوادث روز عاشورا در صحرای بی آب و علف کر بلا می‌شد. ماجرای قتل‌های هولناک آن روز و کشته شدن امام حسین و یاران او را به تصویر می‌کشید و از حضار می‌خواست یزدی، معاویه و به خصوص شمر ذی‌الجوشن را لعنت کنند و وقتی صدای گریه خانم‌ها به اوج می‌رسید از آنها می‌خواست با دستمال یا گوشه چادر اشک‌های خود را پاک کنند.

سپس با فرستادن صلوات ختم مجلس را اعلام می‌کرد و پس از اعلام شماره تلفن خود برای کسانی که به روضه‌خوان نیاز دارند از جا برمی‌خاست و عزم رفتن می‌کرد. مادر بزرگ هنگام خداحافظی «آقا» را تا دم در خانه بدرقه می‌کرد ۵ یا ۱۰ تومان کف دست او می‌گذاشت. آن روزها برای روضه‌خوان‌هایی که شماره تلفن خود را به زنان حاضر در جلسات روضه‌خوانی می‌دادند لطفیه‌هایی نیز ساخته شده بود مثلاً «آقا» آماده است تا زنان بیوه را از سر خیرخواهی و برای آنکه تنها نباشند به عقد موقت خود درآورد.

نوجوانان خانواده هر وقت از مادر بزرگ‌ها می‌پرسیدند شما چطور می‌توانید برای اتفاقی که ۱۴۰۰ سال پیش رخ داده با صدای بلند گریه کنید جواب می‌شنیدند که روضه آدم را یاد عزیزان از دست رفته و مشکلات و گرفتاری‌های روزمره زندگی می‌اندازد و با ریختن اشک انسان سبک می‌شود. خمینی، خامنه‌ای، امام جمعه‌ها و همه کسانی که در حوزه‌های علمیه پرورش یافته‌اند پیش از آنکه رهبر رئیس جمهوری، نخست‌وزیر، نماینده مجلس، مدیرعامل، رئیس رادیو و تلویزیون، مدیرکل، استاندار، فرماندار، مقام امنیتی، بازجو، شکنجه‌گر، رئیس دادگاه و قاضی شوند مدت‌ها به منبر می‌رفتند و روضه می‌خواندند.

بعد از انقلاب و به ویژه پس از روی کار آمدن علی خامنه‌ای، آخوندهای حکومتی در سخنرانی‌های خود مجیز گوینان او را نماینده پروردگار بر روی زمین و نایب امام زمان معرفی می‌کنند و هنگام خواندن نماز و روضه به جای صحبت از پیغمبر و امامان یا مشکلات مردم بیشتر پیرامون توانایی‌های خارق‌العاده، بصیرت استثنائی و قدرت عجیب پیش‌بینی رویدادهای سیاسی جهان و هنرهای بی‌ظنیر او حرف می‌زنند تا حدی که امر بر خود خامنه‌ای که آخوندی است از جنس بقیه هم‌لباسانش با معلومات محدود حوزوی و مقداری اطلاعات عمومی مشتبه شده و به همین دلیل از خیزش مردم که هر دو بار در ۸ سال گذشته با فریاد «مرگ بر خامنه‌ای» آغاز شده تحلیل‌های عامیانه والبتیه مغرضانه در سخنرانی‌هایش ارائه می‌دهد. در صحبت‌های رهبر رژیم بعد از جنبش‌های اعتراضی اخیر که با بیش از یک هفته تأخیر ایراد شد همان‌طور که انتظار می‌رفت یک کلمه حرف به‌دردخور و تحلیل واقع‌بینانه وجود نداشت جز همان چرندیات نیم‌خما شده: آمریکا و انگلیس، اسرائیل و عوامل داخلی آنها نگران از نفوذ جمهوری اسلامی بر غرب آسیا صبح تا شب در اندیشه براندازی ملت غیور ایران هستند. خامنه‌ای، مقامات رژیم، امام جمعه‌های دست‌آموز، رؤسای سپاه و دیگر همفکران و همدستان او در این سال‌ها هر گاه از موفقیتی حرف زده‌اند مانند بروجام و حضور در لبنان و سوریه آن را مدیون بصیرت و هوشمندی رهبر عظیم‌الشأن دانسته‌اند.

اما هر وقت به خاطر اختناق و سرکوب حاکم بر ایران، نبود آزادی‌های سیاسی،

بحثی در مقوله فراندوم در خواستی و بیانیه پانزده اصلاح‌طلب پشیمان



گسترش شعارنویسی علیه علی خامنه‌ای

قبیله خاتمی و رفسنجانی بوده و یک دهه، تبلیغ «رضایت دادن به بد، برای پرهیز از بدتر».

در جمع امضاده‌ها، یکی کمیته‌چی قیچی به دست سابق است که در راه اسلامی کردن جامعه با زور موی بلند پسرها را می‌پریده و با توستری به سر دخترها روسری می‌کرده و دیگری حاضر خوری از جمع «دانشجویان مسلمان خارج از کشور» که دوان دوان خود را به پرواز انقلاب رسانده تا بعد از تغییر وضع، بدون نوبت و در سر صف به نان و نوایی برسد.

انها امروز در داخل و خارج از ترس «آقا» و یا عشق به «امام» همچنان بر سجاده اصلاح‌طلبی نماز شکسته می‌خوانند، و اگر مانند عباس عبدی اندکی صداقت، و یا مانند بهزاد نبوی وقاحت بیشتر می‌داشتند یا سرکوب طرفداران جنبش دی‌ماه را به حکومت توصیه می‌کردند و یا خیزش توده‌ها را انکار.

قائد اعظم و عشق اکبر یکی از امضاکندگان خاتمی است که آشکارا تهدید می‌کند اگر بعد از حکومت اسلامی، ایران پادشاهی شد، دوباره «چریک» خواهد شد و امضاکنده دیگر، در حال و هوای جنبش اعتراضی دهه قبل، همچنان می‌چند اصلاحات سبزی می‌پوشد.

یکی از امضاکندگان معترف است که با گفتمان ملی مخالف است و روی سخن او و طرف خطاب «بیانیه درخواست برگزاری همه‌پرسی» حکومت است. خوش‌نشین دیگری از امضاکندگان برون‌مرزی که از منابع کلان خارجی نیز برخوردار بوده، با قوت، حامی «اسلام معتدل» و ادامه راه اصلاحات است در ادامه هر دو جنبش‌های خود را بر خواست‌ها و شعارهای مردم بسته‌اند.

بعد از هر نوبت درجا زدن، رژه رفتن این خوش‌نشینان عاقبت‌طلب همیشه رو به عقب بوده و مهارت آنها محدود به نوشتن نامه سرگشاده (به امید انتشار) خطاب به ولی فقیه و امضای بیانیه با دریافت هزینه‌ی کار. آنها کار میدانی و تخریبی خود را پیش از انقلاب صورت داده‌اند و امروز «موعظه سرکوهی» خوانند و صدور بیانیه‌های انحرافی و نوشتن نامه سرگشاده به ولی فقیه اشتغال عمده آنهاست.

سند افتخار در کارنامه سیاسی شماری از افراد این گروه سر کردن چند ماه در زندان حکومتی است که خود کار گزار آن بوده‌اند، با فراموشی مصلحتی یا مشارکت غیرمستقیم آنها، در مسلخ حکومت انقلابی ریخته شد؛ انگاری که ریختن خون جهانیانی‌ها، رحیمی‌ها، فرخ‌رو پارساها، عاملی تهرانی‌ها و ده‌ها هزار شهید نامدار و گمنام حق آنها بوده.

هدف‌های بیانیه

همسو با تلاش‌های شکست‌خورده حکومت مذهبی در ۳۹ سال گذشته به منظور تخریب کارنامه پهلوی‌ها از راه تغییر و تحریف کتاب‌های درسی تا تهیه فیلم و نمایش، تعدادی از امضاکندگان بیانیه، هنوز در فضای جعل واقعات دوران پهلوی اول و دوم فکر و ذکر می‌کنند حال آنکه نسل جوان ایران راه آینده را در ریشه‌های تاریخی دور و

● دست کم شماری از امضاکندگان بیانیه می‌دانند که در رأس حکومت اسلامی ایران هرگز اراده‌ای برای تغییر از درون و شناسایی حق مردم برای انتخاب آزاد وجود نداشته و سراب «همه‌پرسی به دست حکومت» در حیات آن، هرگز واقعیت نخواهد یافت.

● برای درک ماهیت هر اقدام و شناختن هدف‌های واقعی هر طرح، آشنایی با هویت طراحان و مجریان آن وسیله موثری است.

رضا تقی‌زاده - درخواست برگزاری فراندوم برای «عبور مسالمت‌آمیز از جمهوری اسلامی» توسط ۱۵ فعال سیاسی، هم‌زمان با طرح پیشنهاد توسل به راهکاری مشابه از سوی حسن روحانی برای رفع اختلاف‌های درون‌سازمانی و عبور دادن حکومت از بحران، ادامه تلاش‌های شکست‌خورده کسانی است که بیشتر با طرح درخواست «انتخابات آزاد» در درون و به دست دیکتاتوری مذهبی، از واقعیت‌های ملموس و خواست‌های حقیقی کف جامعه عقب ماندند و امروز با انکار جنبش دی‌ماه و خواسته‌های طبیعی مردم، همچنان حکومت را به معامله و سازش با خود دعوت می‌کنند.

درخواست از دیکتاتوری مذهبی برای برگزاری همه‌پرسی (با نظارت سازمان ملل) تلاش تازه‌ای است برای ایجاد فضای انتظار در جامعه و وقت‌کشی بیشتر با وعده «اصلاح» نظام از درون. تفاوت درخواست امضاکندگان بیانیه با پیشنهاد حسن روحانی توسل به بند ۵۹ یا ۱۷۷ قانون اساسی حکومت مذهبی است و نه بیشتر از آن.

در وضعیت حاد کنونی که حکومت رو به ضعف گذاشته و جنبش اعتراضی مردم رو به قدرت، و تلاطم این روند تغییر توازن نیرو به نفع توده‌ها و فروپاشی نظام را نوید می‌دهد، صادر کنندگان بیانیه از حکومت درخواست می‌کنند که کوتاه آمده و از سر لطف همه‌پرسی دیگری برگزار کند!

اصلاح‌طلبان به حاشیه رانده شده بدون ایفای کوچک‌ترین نقش در شکل گرفتن جنبش دی‌ماه، به قطار در حال حرکت پریده و کالای کهنه و به فروپاشی رفته و تاریخ مصرف سرآمده «انتخابات آزاد» را در بسته‌بندی متفاوتی (همه‌پرسی) قرار داده و از نظام درخواست برگزاری فراندوم دارند. در توجیه درخواست خود نیز بهانه‌هایی مطرح می‌کنند مانند «پیشگیری از ایجاد خلاء قدرت» و «پرهیز از سوریه شدن ایران».

دست کم شماری از این گروه کوچک مدعی می‌دانند که در رأس هرم قدرت حکومت اسلامی ایران هرگز اراده‌ای برای تغییر از درون و شناسایی حق مردم برای انتخاب آزاد وجود نداشته، در آن انتخابات سالم و آزاد بر پایه مساوات و آزادی برگزار نشده، و رویای باطل همه‌پرسی به دست حکومت نیز در حیات آن، هرگز واقعیت نخواهد یافت.

امضاکندگان بیانیه

برای درک ماهیت هر اقدام و شناختن هدف‌های واقعی هر طرح، آشنایی با هویت طراحان و مجریان آن وسیله موثری است. نگاهی گذرا به امضاهای اکثریت این گروه کوچک حکایت دارد که یا از دور و نزدیک در انقلاب و براندازی پادشاهی ایران دست داشتند و یا بعد از انقلاب به بلوغ رسیده و ابتدا مجذوب تبلیغات حکومت شده‌اند. در جمع امضاکندگان نه نام یکی از کارگزاران دوران پیش از انقلاب به چشم می‌خورد و نه حتی یک فرد متمایل به تجدید پادشاهی مشروطه در ایران.

وجه مشترک شماری از این گروه ناممکن، نشستن بر مخده عاقبت‌طلبی، خطر نکردن از بیم تحمل هزینه‌ها و تبلیغ «عبور مسالمت‌آمیز» از دیکتاتوری مذهبی ایران است. حاصل سه دهه فعالیت سیاسی آنها نیز دو دهه تبلیغ و جهات اصلاح‌طلبانی از

وضعیت‌های رقت‌بار اپوزیسیون جمهوری اسلامی

● **در این نوشته هفت وضعیت گفتمانی، برنامه‌ای، تشکیلاتی، سیاسی، رفتاری، روانی و افکار عمومی مخالفان را مورد بررسی قرار می‌دهم. این بررسی عمدتاً مبتنی است بر مشاهدات ۹ سال اخیر پس از سرکوب جنبش سبز در ایران.**

(افغانستان، جمهوری اسلامی، و قلمرو تحت داعش) نگاه کنند. بشارت‌های سوسیالیستی در سال‌های قبل از انقلاب ۵۷ هم توسط چپ‌های کمونیست و هم چپ‌های اسلامگرا عرضه می‌شد. مردم ایران به عینه دیدند که چپ‌های اسلامگرا در یک نظام بسته و تمرکزگرا چگونه به یکی از فاسدترین حاکمان دنیا تبدیل شدند. همچنین نتایج برخی از سیاست‌های چپ در ایران (پرداخت یارانه، سهام عدالت، مسکن مهر، واگذاری زمین‌های شهری و روستایی، اقتصاد مقاومتی) در برابر چشمان مردم ایران است؛ اجرای این سیاست‌ها مردم را فقیرتر و کاست حاکم را فریبه‌تر کرده است. جمهوری اسلامی بدون ولایت فقیه یا بدون ولایت مطلقه فقیه نیز چشم‌اندازی است که گروه‌های ملی-مذهبی و بعد اصلاح‌طلبان مذهبی به ایرانیان عرضه کرده‌اند. این چشم‌انداز در همان سال‌های آغازین جمهوری اسلامی بی‌زمینه بودن خود را آشکار کرد. اگر قرار باشد اسلامگراها در قدرت باشند طبعاً نوعی از ولایت بر مردم حاکم خواهند کرد خواه ولایت فقیه و خواه ولایت روشنفکر دینی (فقیه مدرن) و بعد با تمامیت‌خواهی‌ای که در میان آنها به چشم می‌خورد این ولایت مطلقه خواهد شد.

وضعیت برنامه‌ای

هر گروه و سازمان مخالف برای بسیج عمومی نیاز به ارائه برنامه‌ای برای گذار از وضعیت موجود دارد. مخالفان تا کنون نتوانسته‌اند برنامه‌ای عملی (حتی درازمدت) برای سرنگونی دولت مطلقه عرضه و جمعیت قابل توجهی را به خود جلب کنند. بعد از چهار دهه تجربه، امروز اکثر مخالفان جمهوری اسلامی برنامه‌ی تجزیه و حمله خارجی برای گذار از جمهوری اسلامی را چشم‌اندازی واقع‌بینانه و موثر نمی‌دانند. مخالفان بعد از تجربه یوگسلاوی، عراق، و تا حدی اتحاد جماهیر شوروی (در چین)، این نکته را حس کرده‌اند که بدون دمکراسی و رفراوند که امروز در ایران وجود ندارد تجزیه‌طلبی یعنی کشت و کشتار و جنگ داخلی. تجزیه‌خواهی بدون خونریزی منوط است به ایجاد دمکراسی و بعد دیدن اینکه فدرالیسم در یک ایران دمکراتیک کار خواهد کرد یا نه و اگر نکرد مردم مناطق مختلف به همه‌پرسی برای این کار متوسل شوند. بر این اساس چشم‌انداز تجزیه برای بسیاری از مخالفان در این مقطع چندان واقع‌بینانه به نظر نمی‌آید. حمله‌ی خارجی نیز تقریباً غیرممکن به نظر می‌آید. بعد از بروز نتایج براندازی صدام در عراق هیچ دولت خارجی برای سرنگونی جمهوری اسلامی به جنگ متوسل نخواهد شد. از این جهت دادن چنین چشم‌اندازی نه زمینه‌ی عملی دارد و نه بسیاری از ایرانیان آن را باور خواهند کرد. چنان که می‌بینید اپوزیسیون هیچ طرح و برنامه‌ی عملی و واقع‌بینانه‌ی

مخالفت با رئیس دولت به پایان رسید. به همین دلیل گروه‌های مختلف مخالفان دوستان و دشمنان خود را به وضوح پیدا نکرده‌اند؛ حکومت در پیدا کردن هم‌پیمان موثرتر بوده است چون مشخص است که با کیست و علیه کیست.

وضعیت رفتاری

اکثر مخالفان جمهوری اسلامی در نوعی سکوت دوگانه و ریاکارانه در برابر مداخلات نظامی، سوء استفاده از قدرت و فریبه شدن دیوان‌سالاری دینی و نظامی از جیب مردم فرو رفته‌اند. اپوزیسیون به مجموعه‌ی ناراضه‌هایی که ساکت هستند یا زیر لب غر می‌زنند پیوسته است بدون اینکه صدای بلند و مبتنی بر تحقیق علیه تبعیض و تحقیر داشته باشد. مخالفان از شجاعت لازم برای مخالفت با اضمحلال دولت و نهادهای آن در دیوان‌سالاری دینی برخوردار نیستند و تصور می‌کنند اسلامگرایی مخوف موجود همانا دین مردم است. همچنین به دلیل عدم تفکیک میان ایران و رژیم سیاسی حاکم بر آن، دیوان‌سالاری نظامی را در اعمالی که کاملاً علیه امنیت ملی است (مداخلات منطقه‌ای و اقدامات مخاطره‌انگیز در آب‌های آزاد خلیج فارس) مورد انتقاد قرار نمی‌دهند.

وضعیت تشکیلاتی

در ایران و خارج از آن با غیبت نسبی فعالیت تشکیلاتی، رسانه‌ای و جمع‌آوری منابع از سوی مخالفان مواجه هستیم. بسیاری از گروه‌ها سال‌ها و بلکه دهه‌هاست کنگره‌های برگزار نکرده و بیانیه‌های منتشر نکرده‌اند. اعضای شورای مرکزی یا دبیر برخی از این گروه‌ها حتی برای ناظران و تحلیلگران مسائل ایران شناخته شده نیستند. امواج مهاجرت فعالان سیاسی و حقوق بشری فرصت‌های از دست رفته برای جذب نیروی جوان توسط گروه‌های داخلی و فرصت پیش رو برای گروه‌های مستقر در خارج بوده‌اند اما از این جایجایی فرصت به درستی استفاده نشده است. این گروه‌ها دارند کم‌کم سالخورده می‌شوند؛ درست مثل کاست حکومتی در ایران. در خارج از ایران نیز تداوم فعالیت سیاسی دشوار است چون افراد مجبور به تحصیل و کار و انطباق شرایط خود با جامعه‌ی میزبان هستند. ائتلاف‌های شکننده و بی‌خاصیتی در یکی دو دهه‌ی اخیر شکل گرفت اما به جای تحرک مایه خود بیشتری شد.

وضعیت سیاسی

آنچه از آن تحت عنوان اپوزیسیون یاد می‌شود در واقع چهار گروه متفاوت است: مخالفان رژیم، مخالفان کاست حکومتی، مخالفان خامنه‌ای، و مخالفان قوه مجریه. بخش اپوزیسیون رژیم بسیار کوچک‌تر از بخش‌های دیگر است. به همین دلیل صدای کسانی که به صراحت خواهان براندازی یا انحلال رژیم باشند به شدت کمتر از سه گروه دیگر شنیده می‌شود. اپوزیسیون کاست حکومت کار بسیار دشواری دارد چون خامنه‌ای این کاست را به هواداران خود تقلیل داده است. اپوزیسیون خامنه‌ای خود را به عنوان دنباله شرایط اعتراضی داخلی کشور یعنی اصلاح‌طلبان مجذوب در ولایت تعریف می‌کند که چند سالی است همه‌ی تلاش آنها معطوف به ترمیم رابطه با قوای قهریه و شخص خامنه‌ای است. با پایان عصر احمدی‌نژاد دوران اپوزیسیون‌نمایی با

محمید محمدی - پس از خیزش دی ۹۶ و کارزار دختران خیابان انقلاب که همچنان ادامه دارد و در شرایط ناتوانی‌های اصلاح طلبان/اعتدالگرایان در دولت روحانی و مجلس دهم برای پاسخ به مطالبات و وعده‌ها در کنار تغییر فضای روابط خارجی جمهوری اسلامی با روی کار آمدن دولت ترامپ فرصت مناسبی برای تحرک نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی فراهم آمده است اما فعالیت چندانی از آنها مشاهده نمی‌شود. مخالفان تابلودار جمهوری اسلامی تقریباً هیچ نقشی در اعتراضات دی‌ماه ۹۶ نداشتند و تنها به همدردی و حمایت معنوی اکتفا کرده‌اند. چرا مخالفان تا این حد از فضای اعتراضی جامعه فاصله دارند؟ آیا اکنون که این ظرفیت در سراسر کشور آشکار شده، احزاب و گروه‌ها و چهره‌های سیاسی شناخته شده در داخل و خارج ظرفیت و قدرت تحرک و استفاده از این شرایط را دارند؟ در این نوشته هفت وضعیت گفتمانی، برنامه‌ای، تشکیلاتی، سیاسی، رفتاری، روانی و افکار عمومی مخالفان را مورد بررسی قرار می‌دهم. این بررسی عمدتاً مبتنی است بر مشاهدات ۹ سال اخیر پس از سرکوب جنبش سبز در ایران.

وضعیت گفتمانی

همچنان گفتمان اسلامگرا، چپ‌و ضد امریکایی بر مخالفان جمهوری اسلامی یا بهتر بگوییم مخالفان خامنه‌ای غلبه دارد. این گفتمان دولتگرا، مرکزگرا و هویتگراست و آزادی‌های فردی و دمکراسی بی قید و شرط (غیر منعهد به ای‌دولت‌وژوی) و کسب و کار و تجارت آزاد اولویت آن نیست. تنها به باورهای میهمانان و تحلیلگران رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور نگاه کنید. اکثر آنگار چپ سوسیالیست یا اسلامگرا هستند و بسیاری از آنها گرایش آشکار یا پنهان ضد‌آمریکایی/ضد اسرائیلی (مثل سران رژیم) دارند. در این شرایط چرا مردمی که در کشور به دنبال آزادی بیان و کسب و کار و دین و سبک زندگی هستند باید به این گونه مخالفان اعتماد کنند و پشت سر آنها راه بیفتند؟ سوسیالیست‌ها و اسلامگراها می‌توانند با ضدا امریکایی/ضد اسرائیلی در کدام نقطه از دنیا برای مردم رفاه و آزادی و شادی به ارمغان آورده‌اند که ایران مورد دوم آن باشد؟ کافی است به بهشت‌های باقی مانده‌ی سوسیالیسم (کوبا، کره شمالی و ونزولا) و اتوپیا‌های اسلامیسیم

محمید محمدی - پس از خیزش دی ۹۶ و کارزار دختران خیابان انقلاب که همچنان ادامه دارد و در شرایط ناتوانی‌های اصلاح طلبان/اعتدالگرایان در دولت روحانی و مجلس دهم برای پاسخ به مطالبات و وعده‌ها در کنار تغییر فضای روابط خارجی جمهوری اسلامی با روی کار آمدن دولت ترامپ فرصت مناسبی برای تحرک نیروهای اپوزیسیون جمهوری اسلامی فراهم آمده است اما فعالیت چندانی از آنها مشاهده نمی‌شود. مخالفان تابلودار جمهوری اسلامی تقریباً هیچ نقشی در اعتراضات دی‌ماه ۹۶ نداشتند و تنها به همدردی و حمایت معنوی اکتفا کرده‌اند. چرا مخالفان تا این حد از فضای اعتراضی جامعه فاصله دارند؟ آیا اکنون که این ظرفیت در سراسر کشور آشکار شده، احزاب و گروه‌ها و چهره‌های سیاسی شناخته شده در داخل و خارج ظرفیت و قدرت تحرک و استفاده از این شرایط را دارند؟ در این نوشته هفت وضعیت گفتمانی، برنامه‌ای، تشکیلاتی، سیاسی، رفتاری، روانی و افکار عمومی مخالفان را مورد بررسی قرار می‌دهم. این بررسی عمدتاً مبتنی است بر مشاهدات ۹ سال اخیر پس از سرکوب جنبش سبز در ایران.

وضعیت گفتمانی

همچنان گفتمان اسلامگرا، چپ‌و ضد امریکایی بر مخالفان جمهوری اسلامی یا بهتر بگوییم مخالفان خامنه‌ای غلبه دارد. این گفتمان دولتگرا، مرکزگرا و هویتگراست و آزادی‌های فردی و دمکراسی بی قید و شرط (غیر منعهد به ای‌دولت‌وژوی) و کسب و کار و تجارت آزاد اولویت آن نیست. تنها به باورهای میهمانان و تحلیلگران رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور نگاه کنید. اکثر آنگار چپ سوسیالیست یا اسلامگرا هستند و بسیاری از آنها گرایش آشکار یا پنهان ضد‌آمریکایی/ضد اسرائیلی (مثل سران رژیم) دارند. در این شرایط چرا مردمی که در کشور به دنبال آزادی بیان و کسب و کار و دین و سبک زندگی هستند باید به این گونه مخالفان اعتماد کنند و پشت سر آنها راه بیفتند؟ سوسیالیست‌ها و اسلامگراها می‌توانند با ضدا امریکایی/ضد اسرائیلی در کدام نقطه از دنیا برای مردم رفاه و آزادی و شادی به ارمغان آورده‌اند که ایران مورد دوم آن باشد؟ کافی است به بهشت‌های باقی مانده‌ی سوسیالیسم (کوبا، کره شمالی و ونزولا) و اتوپیا‌های اسلامیسیم



احمدی‌نژاد را به دادگاه بقایای راه ندادند: جنازه تحویل می‌دهند بعد می‌گویند «معتاد بوده، خودکشی کرده»



بقایای در حال ورود به دادگستری

نوشته‌اند اینها بازی‌های حکومت است و برای سرگرم کردن مردم. اشاره بعضی به سرپازان قوه‌قضاییه بود که به همراه محافظان احمدی‌نژاد دور تا دور او حلقه زده بودند که آسیبی نبیند و دو پله بالاتر ماموران نیروی انتظامی ایستاده بودند که نه تنها با او برخورد نکردند بلکه با تلفن‌های همراه شروع به فیلم‌برداری از او کردند.

طرفدارانش اما احمدی‌نژاد را باور دارند. یکی از آنها نوشته «اگر فقط یک مرد در دنیا باشد او هم احمدی‌نژاد است». حدود ۱۰۰ نفر جمع شده بودند که ببینند احمدی‌نژاد چه می‌گوید. بین آنها آشکارا پر بود از لباس شخصی‌ها که یا از او فیلم می‌گرفتند و یا از جمعیت حاضر.

مردم دوربین به دست شعار می‌دادند «احمدی‌نژاد خدایا نگهدار تو». گاهی هم علیه روحانی و دولت شعار می‌دادند. در کانال‌ها و گروه‌هایی که پاتوق احمدی‌نژاد است فتیله‌های

● **احمدی‌نژاد از ورود به دادگاه تجدید نظر حمید بقایای منع شد و مقابل ساختمان دادگستری شروع به داد و بیداد کرد.**

● **هر کسی جای او بود لحظاتی بعد سرنوشت‌اش مشخص نبود اما او در میان محافظانش بدون دخالت پلیس حرف‌های خود را زد و سوار ماشین شد و رفت.**

● **واکنش‌های توپینتری: احمدی‌نژاد هشت سال عروسک خیمه شب‌بازی بود. اما حالا با خارج شدن اپوزیسیون بازی در میاره.**

هشت صبح روز چهارشنبه، ۲۵



فریادهای احمدی‌نژاد در میان محافظان

بهمن، خیابان خیام، روی پله‌های ساختمان دادگستری، وضعیت با روزهای عادی فرق می‌کرد. محمود احمدی‌نژاد رییس جمهوری پیشین ایران را که آمده بود در دادگاه حمید بقایای شرکت کند به داخل راه ندادند و او علیه ظلم و ستم قوه قضاییه و لاریجانی‌ها قیل و قال راه انداخت و طعنه‌ای هم به علی خامنه‌ای زد و گفت هیچ نهادی پاسخگو نیست و حتی «رهری هم می‌گویند مسؤولیت عملکرد دستگاه قضایی و بقیه دستگاه‌ها به عهده ایشان نیست.»

احمدی‌نژاد از قوه قضاییه به خاطر «بی‌عدالتی»، «بازداشت بدون ملاحظه افراد»، اعلام «خبر خودکشی» آنان انتقاد کرد و گفته «انقلاب شد که یک عده صاحب اختیارات مطلق و ملت فقیر و دلیل نباشند، امروز کوچک‌ترین اعتراض با شدیدترین رفتار قوه قضاییه مواجه می‌شود، افراد را بدون ملاحظه دستگیر می‌کنند جنازه را تحویل می‌دهند بعد هم می‌گویند معتاد بوده خودکشی کرده [...] معلوم است که ملت نمی‌تواند باور کند.»

وی این را هم اضافه کرد که «به همت ملت این شرایط به زودی به طور اساسی به نفع ملت تغییر خواهد کرد چون هیچ جای دنیا ظلم باقی نخواهد ماند.» بقایای در حال ورود به دادگستری اسفندپار رحیم‌مشایی هم که به همراه احمدی‌نژاد برای حضور در دادگاه تجدید نظر بقایای آمده بود از ورود به داخل دادگاه منع شد.

مردمی که صبح امروز در محل برگزاری دادگاه حمید بقایای حضور داشتند نظرات مختلفی درباره اظهارات صبح امروز احمدی‌نژاد داشتند. واکنش‌های عمومی نیز به اظهارات امروز احمدی‌نژاد متفاوت است. گروهی در فضای مجازی

از میزان دقیق اعتماد افکار عمومی به گروه‌های اپوزیسیون اطلاعات روشنی نداریم و آنها نیز کاری در این زمینه انجام ندادند. سید رای هیچ یک از این گروه‌ها در شرایط انتخابات دمکراتیک روشن نیست. این نکته روشن است که مخالفان ارتباطی مستمر و نهادینه با شهروندان ایرانی ندارند و حتی رسانه‌های آنها بر روی نظرات مخاطبان باز نیست. آنها یک طرفه حرف‌هایی می‌زنند و انتظار دارند شنیده شوند. جوانان نیز اکثراً آنها را نادیده می‌گیرند همان‌طور که تبلیغات دولتی را نادیده می‌گیرند. تداوم جمهوری اسلامی به عنوان رژیم تقب و فساد و تبعیض تا حدی نیز به علت ناکارآمدی مخالفان در ارتباط‌گیری با جامعه بوده است. در این شرایط ناکارآمدی است که امثال «آمدنیوز» و «ژی‌استارت» به جریان‌های مورد توجه برخی اقلشار تبدیل می‌شوند.

احمدی‌نژاد از قوه قضاییه به خاطر «بی‌عدالتی»، «بازداشت بدون ملاحظه افراد»، اعلام «خبر خودکشی» آنان انتقاد کرد و گفته «انقلاب شد که یک عده صاحب اختیارات مطلق و ملت فقیر و دلیل نباشند، امروز کوچک‌ترین اعتراض با شدیدترین رفتار قوه قضاییه مواجه می‌شود، افراد را بدون ملاحظه دستگیر می‌کنند جنازه را تحویل می‌دهند بعد هم می‌گویند معتاد بوده خودکشی کرده [...] معلوم است که ملت نمی‌تواند باور کند.» وی این را هم اضافه کرد که «به همت ملت این شرایط به زودی به طور اساسی به نفع ملت تغییر خواهد کرد چون هیچ جای دنیا ظلم باقی نخواهد ماند.»

بقایای در حال ورود به دادگستری اسفندپار رحیم‌مشایی هم که به همراه احمدی‌نژاد برای حضور در دادگاه تجدید نظر بقایای آمده بود از ورود به داخل دادگاه منع شد. مردمی که صبح امروز در محل برگزاری دادگاه حمید بقایای حضور داشتند نظرات مختلفی درباره اظهارات صبح امروز احمدی‌نژاد داشتند. واکنش‌های عمومی نیز به اظهارات امروز احمدی‌نژاد متفاوت است. گروهی در فضای مجازی

کریم زرگر مدیر سابق شبکه اول سیما، رییس سابق دانشکده صدا و سیما و مسئول موسسه «راه معرفت» اعدام شد

حقوق دریایی از دانشگاه استراسبورگ فرانسه بود، همچنین در سینما نیز فعالیت‌هایی داشت. کریم زرگر در فیلم «عروسی خوبان» از محسن مخملباف به عنوان مدیر تولید و بازیگر حضور داشت. در کارنامه حرفه‌ای کریم زرگر عنوان مدیرکل سیمای برون‌مرزی، مدیرپخش شبکه اول سیما، رئیس دانشکده صدا و سیما، صاحب امتیاز و مدیر مسئول ماهنامه «گزارش فیلم» را می‌توان یافت. کریم زرگر در مهرماه ۱۳۹۴ با تعطیل شدن و بازداشت مسئولان موسسه «راه معرفت» به همراه مرجان داوری بازداشت و راهی بند ۲۰۹ زندان دوآب شد. به گزارش هرانا، جلسات دادگاه در روزهای ۲۵، ۲۶ و ۲۷ مهر ۹۵ و نیز ۲۱ و ۲۲ آذرماه ۹۵ در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی تشکیل شد. نهایتاً دادگاه به اتهاماتی از جمله فساد فی‌الارض بر اساس ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی هر دو متهم را به اعدام محکوم کرد. علاوه بر حکم دادگاه انقلاب، کریم زرگر در پرونده

دیگری تحت اتهام «تجاوز به عنف» نیز در شعبه ششم دادگاه کیفری استان تهران محاکمه و به اعدام محکوم شد. پیشتر وکیل مرجان داوری در این رابطه به گزارشگر هرانا گفته بود که پرونده از این قرار بود که موسسه‌ای به نام راه معرفت تشکیل شده بود و مرجان داوری به عنوان مترجم و مشاور با آن همکاری می‌کرد. شخص و اشخاص دیگری مسئول این موسسه بودند. پرونده قضایی این موسسه ۸هزار صفحه داشت و عرفانیان وکیل مرجان داوری به تعریف گفته «بحث اتهام افساد فی‌الارض تعریف خاصی دارد در قانون که از نظر ما وکلای این اتهام شامل خانم داوری نمی‌شد.»

به گفته‌ی عرفانیان در همان گفتگو، کریم زرگر مسئول موسسه بود که او هم محکوم به اعدام شد و حکم اعدام وی نیز تأیید شده است. هرانا روز ۱۶ دی‌ماه ۹۶ گزارش داد که حکم اعدام مرجان داوری در شعبه ۴۷ دیوان عالی کشور نقض شده است

سیستم از داخل می‌دانند.

دختران خیابان انقلاب همچنان تکثیر می‌شوند:

بازداشت اعظم جنگروی فعال سیاسی اصلاح‌طلب و عضو ستاد حسن روحانی



● این فعال سیاسی در توئیتر خود نوشته: شاید حالا حالاها آزاد نشم ولی من می‌جنگم.
● او از زنان فعال سیاسی اصلاح‌طلب است که به دختران خیابان انقلاب پیوسته است و پیش از بازداشت انگیزه و استقلال خود را اعلام کرده است.
● «خسته شدم، انگار باید عمل کرد، شعار بس است.»

عصر پنج‌شنبه، ۲۶ بهمن‌ماه، زن دیگری در خیابان انقلاب تقاطع وصال، بی‌توجه به اخطارها و هشدارهای نیروهای انتظامی و تهدیدهای قضایی حجاب از سر برداشت تا نشان دهد کمپین #دختران_خیابان_انقلاب و راهی که وی را موحد آغازگر آن شده همچنان ادامه دارد.
تصاویر نشان می‌دهد مردم زیادی اطراف این دختر جمع شده و دوربین به دست از او فیلم می‌گیرند اما وقتی ماموران از راه می‌رسند و او را با خشونت از جعبه تقسیم برق به پایین می‌کشند تقریباً اکثر آنها هیچ اعتراضی نمی‌کنند و در نهایت پلیس وی را با خود می‌برد.
بی‌تفاوتی جمعیت حاضر در این صحنه که بیشتر آنها مردان بودند، با انتقاد زیادی روبرو شده است و بسیاری در شبکه‌های اجتماعی

انتقاد کردند که چرا مردم فقط نظاره‌گر بودند و تعداد اندکی اعتراض کردند. آنها توقع داشتند افراد نسبت به این مبارزه مدنی بی‌تفاوت نباشند. در این بین کاربری در توئیتر به نام گوینده با انتشار فیلم این ماجرا به نکته‌ای متفاوت از دیگران را اشاره کرده و نوشته:
دفعه اول مردم نگاه کردند
دفعه دوم مردم نگاه کردند
دفعه سوم مردم دورش جمع شدند
دفعه بعد به دورش حلقه خواهند زد
دفعه بعد با پلیس برایش درگیر میشن
دفعه بعد...
زنی که به دختران خیابان انقلاب پیوسته اعظم جنگروی فعال سیاسی اصلاح‌طلب و از اعضای ستاد انتخاباتی حسن روحانی است، او در صفحه اینستاگرام خود پیش از این اقدام خودش را معرفی کرده و نوشته «خسته شدم» و «شعار بس است و این کار را برای آزادی انجام دادم، بدون وابستگی به گروه و جریان خاصی».
او در توئیتر خود نیز نوشته «شاید حالا حالاها آزاد نشم ولی من می‌جنگم.» آن‌طور که جنگروی خودش را در توئیتر معرفی کرده فوق‌لیسانس هوش مصنوعی و رباتیک است و مدیر روابط عمومی

از صفحه ۷ طرح مجدد «فراندوم»...

با این تفاوت که آن زمان بیشتر معترضان می‌پرسیدند «رای من کوف؟» و رای خود را در همین نظام می‌خواستند و امروز، معترضان اساساً این نظام را نمی‌خواهند و نه تنها نامی از محمد خاتمی و موسوی و کروبی و قانون اساسی و «اصلاحات» در شعارهای خود نمی‌برند بلکه صریح و آشکار خواهان گذار از این نظام به شرایطی هستند که در آن امنیت و رفاه و آزادی داشته باشند.



البته ناگفته نماند که قبل از خاتمی علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی هم زمانی در یکی از سخنرانی‌های خود به طور تلویحی فراندوم را راه برون‌رفت از مشکلات و مصیبت‌ها دانسته بود بدون آنکه او هم توضیح بدهد که منظورش از «فراندوم» چیست. ولی روشن است که زمامداران و مقامات یک نظام مانند جمهوری اسلامی هرگز فراندوم برگزار نمی‌کنند تا از مردم پاسخ «نه» بگیرند!
در واقع استراتژی اصلاح‌طلبان برای حفظ جایگاه خود هم در نظام و هم در جامعه، از یک سو امتیاز گرفتن از حکومت در پیچ‌های خطرناک و از سوی دیگر طرح «همه‌پرسی» از مردم است بدون آنکه مشخص کنند چه چیز قرار می‌بایست از مردم پرسیده شود! اگر برگزاری فراندوم یک «جام زهر» برای علی‌خامنه‌ای و به طور کلی رهبری نظام باشد، هاشمی‌رفسنجانی به مراتب جایگاه قدرتمندتری برای تحمیل آن داشت تا حسن روحانی. خاتمی نیز زمانی موضوع فراندوم را پیش کشید که حامی پرنفوذی مثل رفسنجانی داشت و هنوز موسوی و کروبی در حصر نبودند. اما امروز تظاهرات سراسری شرایط را از بنیاد تغییر داده است به طوری که مدافعان جمهوری اسلامی نیز معتقدند در صورت برگزاری یک فراندوم درباره خواستن یا نخواستن این نظام، بیش از هفتاد درصد آن را نخواهند خواست.
اما در آن سوی ماجرا، واکنش جریان‌های متعصب و تندرو و ولایی است که فکر می‌کنند، یا این طور تظاهر می‌کنند، که جمهوری اسلامی رسالت خود را از آسمان‌ها دریافت کرده و ابدی است!

تویخانه پاسداران به سمت فراندوم پاسدار عزت‌الله ضرغامی رییس پیشین صدا و سیما جمهوری اسلامی در واکنش به طرح مجدد فراندوم از سوی روحانی در کانال

خارج نشین تقسیم کنند. هم‌صدایی داخل و خارج در بیانیه‌ی فراندوم امری بسیار مثبت است. نگاهی به تاریخ معاصر جهان برای پی بردن به این واقعیت که گذر از نظام‌های غیردمکراتیک همیشه نتیجه همگامی و همکاری مخالفان درون و برون مرز بوده است، شکی باقی نمی‌گذارد که باید سلاح تفرقه‌افکنی را از دست رهبران جمهوری اسلامی گرفت و این اتحاد را بدون هیچ‌گونه

از صفحه ۱۸ «حفاظت سپاه» کار گزاران جمهوری...

فرانسه و عربی منتشر می‌کردم که بسیار موفقیت‌آمیز بود و گاهی هم از تهران درخواست می‌شد چندین نسخه ارسال شود که به همه سفارتخانه‌های ایران در خارجه فرستاده شود.
در مراکش هم خواننده زیاد داشتیم که کم کم جلد خوب و عکس‌های رنگی هم به آن اضافه کرده بودم. ولی به جای تشکر یک روز از تهران تلگرافی از آقای خوانساری رسید که به موجب اجازه چه کسی این نشریه را منتشر می‌کنید. منظورشان خرج مالی مجله بود که فوراً جواب دادم به اجازه خودم و از جیب خودم پول آن را می‌پردازم. به این ترتیب تهران خاموش ماند و جوابی ندادند. هر هفته در کیسه پستی که به تهران می‌فرستادیم پنج شش گزارش مهم هم از لحاظ سیاسی تهیه کرده و می‌فرستادم. به طوری که یکی از کارمندان که پاکت‌ها را مهر کرده و کیسه‌ها را مهر و موم می‌کرد اظهار کرده بود اینجا را نمی‌شود سفارت گفت، اینجا خودش یک وزارتخانه است.

این کارها موجب شد که در یکی دو نفر از صاحب منصبان عالی‌رتبه وزارت امور خارجه از جمله امیر خسرو افشار احساس حسادت پیدا شد و پشت سر من حرف‌هایی زدند که واقعاً شوم‌آور و ننگین بود و آنجا آدم احساس می‌کرد که دستگاه‌های ما چقدر قلابی است و اشخاص فقط در فکر ترقی خود هستند و تا یک نفر واقعاً وظیفه خود را به درستی انجام می‌دهد موجب ناراضی آنها می‌شود

از صفحه ۱۴ خاطراتی از دکتر احمدعلی بهرامی...

سپاه حفاظت انصار ظاهراً به منظور بالا بردن قابلیت کادرهای حفاظت، سالانه چند نوبت تمرین‌هایی نیز با هزینه‌های گزاف برگزار می‌کنند و تیم‌های حفاظت خودشان اعتراف کرده‌اند که معمولاً اکثر ترورهای فرضی و اجرا شده در تمرین‌ها موفق بوده‌اند!
مخالفان امنیتی مسئولان موظفند در دفترچه‌های یادداشت روزانه موسوم به «لوح» گزارش دقیق از محل‌های تردد شخص محافظت شده و حتی غذایی که خورده‌اند را نوشته و گزارش دهند. این گزارش‌ها گهگاهی توسط خبرنگارها و رسانه‌های نزدیک به سپاه و همچنین کیهان مصادره‌ای تهران و نشریه جوان به عنوان خبر اختصاصی مورد استناد قرار می‌گیرند. هم‌زمان با برگزاری کنفرانس سران اسلامی در تهران و ظاهراً به تقلید از «گارد‌های آمزون» که معمر قذافی رهبر سابق و نگون‌بخت لیبی برای

از صفحه ۱۳ پاسخ سوالات (۱۰ پرسش و ۱۰ پاسخ)

۱- شون کازی ۲- مدال طلا ۳- علی دابی ۴- اورگون ۵- ۹ بار ۶- مایکل کین ۷- نو شهر ۸- ۸ دقیقه و ۱۷ ثانیه ۹- خرس کوالا ۱۰- رفتن
پاسخ شناسایی شخصیت‌های جیمز باند از صفحه ۱۳ اینان همگی معلمینشان آنها را افرادی کم هوش و گاهی کودن می‌دانستند!

از صفحه ۲ خارج نشین تقسیم کنند.

خارج نشین تقسیم کنند. هم‌صدایی داخل و خارج در بیانیه‌ی فراندوم امری بسیار مثبت است. نگاهی به تاریخ معاصر جهان برای پی بردن به این واقعیت که گذر از نظام‌های غیردمکراتیک همیشه نتیجه همگامی و همکاری مخالفان درون و برون مرز بوده است، شکی باقی نمی‌گذارد که باید سلاح تفرقه‌افکنی را از دست رهبران جمهوری اسلامی گرفت و این اتحاد را بدون هیچ‌گونه

از شخصیت‌های آن زمان، جلوی ما ویراژ دادند و برای اینکه راهشان را باز کنند ما را به سمت حاشیه بزرگراه هدایت کردند (هل دادند) و آن قدر ویراژ دادند که موتورم به همراه خودم و خانواده‌ام داخل جوی آب افتادیم؛ در حالی که من هم در مسیر خودم بودم و هم سرعتم به اندازه‌ای کم بود که به هیچ وجه نمی‌توانستم تهدیدی برای تیم حفاظت همراه ایشان باشم. به هر حال به همراه موتور و خانواده در جوی آب سقوط کردیم؛ آن هم جوی آب بزرگراه که هم عمیق بود و پهن و هم پر از گل».
جدایی دولت‌های دیکتاتوری از مردم و بیگانگی حکومت با جامعه در تمام تجربه‌های تاریخی به یک جنبش اعتراضی از بیرون و یافروپاشی حکومت از درون انجامیده. خروش مردم خشمگین علیه نخبگان سیاسی فرانسه و انهدام آریستوکراسی در آن کشور و همچنین جنبش مخالف با حکومت نخبگان و قوام گرفتن قهرآمیز دمکراسی پارلمانی (تشکیل مجلس عوام) در انگلستان نمونه‌های قدیمی‌تر تجربه‌ای است که نظام کمونیستی اتحاد شوروی با سقوط خود در ابتدای دهه ۹۰ میلادی پشت سر گذاشت و امروز کارگزاران حکومت مذهبی نظامی در ایران پیش رو دارند. نتیجه جنبش اعتراضی امروز مردم ایران و تداوم به چالش گرفتن حکومت نخبگان مذهبی و خونا (junta) ی نظامی- امنیتی نیز که با شعار «حمایت از مستضعفین» به قدرت رسیده، هم‌سو با ده‌ها تجربه مشابه تاریخی، فروپاشی دیکتاتوری حاکم و سقوط نهایی آن خواهد بود.

نیست و دوگانگی و چندگانگی فکری و سیاسی بین صفوف سپاهیان با رده پایین و فرماندهی آنها مشهود است. چندگانگی و سوء ظن در بین فرماندهان سپاه نیز وجود دارد و هر یک برای حفظ جایگاه خود در هرم قدرت نظام، دیگری و دیگران را از نزدیک زیر نظر دارد.

نحوه حفاظت از مسئولان حکومت اسلامی ایران و وابستگان آنها، حتی در مقایسه با شیوه و لایه‌های حفاظت از رهبران اتحاد شوروی سابق و دیگر دیکتاتورهای واژگون شده اروپای شرقی نیز کاملا غریب و به نسبت تهدیدهای محتمل، خارق‌العاده است. تنها حسن روحانی نیست که از پشت شیشه‌های دودی اتومبیل ضد گلوله خود هنگام عبور احتمالی از خیابان‌های حفاظت شده سایه‌های مردم عادی را می‌بیند. سطح تماس صدها به اصطلاح «شخصیت» پایین‌تر از او نیز با مردم عادی از همین قماش است.

شیوه حفاظت و تدارکات مدیریت تیم‌های محافظ کاملاً خارج از مسئولیت کاری و اختیار افراد حفاظت شده و عمدتاً در کنترل سپاه پاسداران است. به این ترتیب حفاظت سپاه علاوه بر ایجاد توهم ضرورت وجودی خود در درون نظام، به قدرتی بالاتر از مجموعه مسئولان حکومت تبدیل شده است. طی چهار دهه گذشته پنهان شدن کارگزاران جمهوری اسلامی پشت «پرده آهنین» هر روز گستره بیشتری یافته و به نسبت، امکان هر نوع تماس مستقیم بین مردم عادی و کارکنان وابسته به حکومت را سلب کرده است. با وجود تضادها و حتی دشمنی‌های مسئولان حکومت با هم، در نمونه‌هایی مأموران امنیتی به ظاهر مأمور حفاظت از آنها تغییری نکرده‌اند چنانکه مأمور محافظ خاتمی بعد از دوران ریاست جمهوری او به خانه احمدی نژاد رفت، و یا مأمور حفاظت احمدی نژاد در تیمی قرار گرفت که برای حفاظت از اکبر هاشمی رفسنجانی تعیین شده بود.

عدم تناسب تعداد محافظین با تهدیدها

نه تنها در دیکتاتورهای سابق که حتی در دموکراسی‌ها نیز همیشه خطر سوء قصد علیه رهبران و رؤسای دولت‌ها وجود دارد ولی محافظت اصلی در یک نظام سیاسی متعارف همیشه محدود به رئیس دولت و شمار اندکی از مسئولان پایین‌تر کشور است. تجهیز یک نیروی ۱۵۰ هزار نفری به بهانه حفاظت از مسئولان و کارگزاران حکومت مذهبی ایران یک پدیده استثنایی و منحصر به فرد است و به هیچ وجه هدف ظاهری را توجیه نمی‌کند.



«حفاظت سپاه» کارگزاران جمهوری اسلامی را پشت «پرده آهنین» قرار داده

اسلامی موضع گرفت و در سال ۱۳۹۰ در هتل گلوربای دبی به قتل رسید، همچنین موضوع اتهام زهرا اردشیر لاریجانی فرزند صادق لاریجانی رییس قوه قضائیه به جاسوسی برای انگلیس و گزارش بازداشت او توسط اطلاعات سپاه و عدم دسترسی رییس قوه قضائیه به فرزندش از نمونه‌هایی است که امنیتی‌ها سعی در پیشگیری از تکرار و یا آشکار شدن آنها دارند.

مأموران حفاظت در محل کار و خانه مسکونی مسئولان تحت پوشش خود مستقر شده و مانند سایه با آنها زندگی و دفع وقت می‌کنند. علاوه بر ایفای نقش زندانبان اندرونی، محافظین مسلح کارگزاران نظام، کلیه ارتباطات بیرونی آنها را نیز پوشش می‌دهند. برای تجهیز خیل محافظان «شخصیت»‌ها که کلیددار اصلی آنها سپاه و نظامیان و امنیتی‌های حکومت‌اند، با یک برآورد تقریبی بین ۱۲۰ تا ۱۵۰ هزار مرد مسلح با نام‌ها و در ارگان‌های ظاهراً متفاوت سازمان

شد و جمهوری اسلامی اعلام کرد در آمریکا زندانی است. بعد از بازگشت بر گارد تشریفات رییس جمهور، از سوی پاسداران «سپاه انصارالمهدی» حفاظت می‌شود.

سپاه انصارالمهدی زیر فرماندهی کل سپاه پاسداران قرار دارد و این نیرو با بیش از ۹۰۰۰۰ نفر، بجز رییس جمهور، وزرای سابق و لاحق، استانداران، فرمانداران، اعضای مجلس خبرگان، نمایندگان مجلس، اعضای شورای نگهبان، پیشنهادهای جمعه، شهرداران، روسای نهادها و شرکت‌های دولتی و خانواده کارگزاران حکومت و دیدارهای خارج از خانه او با تمهیدات امنیتی و در حلقه تنگ محافظین صورت گرفته است.

سپاه حفاظت ولی امر دارای ۱۲۰۰۰۰ نیرو است که بعد از انتقال آن در سال ۱۳۸۶ از مجموعه مطهری در خیابان پاستور تهران تا کنون همراه تجهیزات و نفرات در مجموعه‌ای در خیابان نجات‌اللهی مستقر شده است. فرماندهی حفاظت رهبران و

علاوه بر زندگی در حال و هوایی متفاوت با وضعیت زندگی مردم عادی که نوعی گسیختگی غیرقابل ترمیم بین مردم و نظام را شکل داده، بهانه حفاظت از مسئولین، امکان تماس و ارتباط عادی کارگزاران با مردم عادی و شنیدن صدا و درک انتظارات عمومی را نیز از میان برده است.

علی خامنه‌ای در محاصره شبانه‌روزی «سپاه ولی امر» بیش از سه دهه تماس آزاد با مردم عادی جامعه نداشته و ملاقاتی‌های او از بین «خودی‌ها» دست‌چین شده و دیدارهای خارج از خانه او با تمهیدات امنیتی و در حلقه تنگ محافظین صورت گرفته است.

سپاه حفاظت ولی امر دارای ۱۲۰۰۰۰ نیرو است که بعد از انتقال آن در سال ۱۳۸۶ از مجموعه مطهری در خیابان پاستور تهران تا کنون همراه تجهیزات و نفرات در مجموعه‌ای در خیابان نجات‌اللهی مستقر شده است. فرماندهی حفاظت رهبران و

● به منظور حفاظت از کارگزاران «حکومت مستضعفین» یک نیروی ۱۵۰ هزار نفری توسط سپاه پاسداران و نهادهای امنیتی تجهیز شده است.

● علی خامنه‌ای در محاصره شبانه‌روزی «سپاه ولی امر» قرار دارد و بیش از سه دهه تماس آزاد با مردم عادی جامعه نداشته و ملاقاتی‌های او نیز از بین «خودی‌ها» دست‌چین می‌شوند.

رضا تقی‌زاده - سپاه پاسداران و سازمان‌های امنیتی به بهانه حفاظت از گردانندگان جمهوری اسلامی و بستگان آنها، طی ۳۸ سال گذشته نیرویی در اندازه‌های یک ارتش متوسط را با هزینه سالانه صدها میلیون دلار تجهیز کرده‌اند؛ اجرای طرح امنیتی پیچیده، چندشاخه و هدف‌داری که ضمن جداسازی کارگزاران حکومت از مردم، محافظان مسلح را در کنترل زندگی و گردش کار روزانه آنها قرار داده است.

جا گرفتن اقلیت مرفه و بیگانه با نیازهای مردم عادی ایران در بالا، و اکثریت محروم و بی‌صدا که بارها و فشارهای بالانشینان را تحمل می‌کنند در پایین، نتیجه محتوم جداسازی دو طبقه حاکم و محکوم در جامعه امروز ایران است. در دوران معاصر، حفاظت ۲۴ ساعته و هفت روز هفته از گردانندگان سیاسی و اجرایی تا حدودی یادگار دیکتاتورهای کمونیستی است. نظام کمونیستی اتحاد شوروی سابق با شعار «دیکتاتوری پرولتاریا» به دولت رسید و بلافاصله بعد از کسب قدرت، رهبران حزبی پشت «پرده آهنین» پنهان و تحت حفاظت «ارتش سرخ» و گاردهای امنیتی «ک‌گ‌ب» قرار داده شدند. مأموران «ک‌گ‌ب» که در زمان خود بزرگترین سازمان امنیتی-جاسوسی جهان محسوب می‌شد، مشابه با عملکرد امروز مأموران حفاظت سپاه و وزارت اطلاعات ایران در رابطه با کارگزاران حکومت اسلامی، علاوه بر نظارت و مداخله در زندگی روزانه مردم عادی، عملاً نقش زندانبان مسئولان تحت حفاظت خود را نیز ایفا می‌کردند. الگوی کمونیستی حفاظت از کارگزاران حکومت و نظارت بر آنها، در جمهوری اسلامی ایران مدارج تازه‌ای را طی کرده است. **فقس‌های طلایی پشت پرده آهنین** کارگزاران دیکتاتوری مذهبی ایران بدون شک از مزایای کامل یک زندگی مرفه و اشرافی برخوردارند؛ بیشتر از



یکی از محافظان احمدی نژاد در تیم حفاظت رفسنجانی



استفاده از زنان به تقلید از قذافی ...



محمود احمدی نژاد در حال عبور از خیابان خالی با نه محافظ

بجز حمله استثنایی و همزمان سال گذشته به مجلس شورای اسلامی در مرکز پایتخت و محل دفن خمینی در جنوب تهران و همچنین چند اقدام تروریستی مشکوک علیه تعدادی از کارکنان هسته‌ای ایران، طی ۳۰ سال گذشته به ندرت تهدیدی علیه کارکنان ارشد جمهوری اسلامی رخ داده است.

ادامه در صفحه ۱۷

داده شده‌اند. رده امنیتی مشاغل و درجه حفاظت از یک فرد حکومتی از نظر اداری در شورای امنیت حکومت مطرح و ترتیب لازم عملاً از سوی حفاظت اطلاعات سپاه داده شده و مراتب برای تصویب صورتی به شورای امنیت اعلام می‌شود. برخلاف پاره‌ای تصورات، سپاه پاسداران که بازوی اصلی قدرت نظام محسوب می‌شود، یک‌دست

شخصی است و درون ساختمان شهرداری، مأموران مسلح «حراست» بر رفت و آمدها نظارت داشته و اجازه ملاقات مراجعین با شهردار را می‌دهند. ماجرای احمد رضایی میرقاند فرزند محسن رضایی دبیر کنونی مجمع تشخیص مصلحت و فرمانده سابق سپاه پاسداران که در اوایل ریاست جمهوری خاتمی به آمریکا پناهنده شد و علیه جمهوری

در دهه گذشته، به بهانه حفاظت، و در عمل به منظور پیشگیری از احتمال تکرار ماجرای شهرام امیری، کارکنان هسته‌ای ایران نیز همراه با خانواده‌های خود زیر نظارت سپاه انصارالمهدی قرار داده شده‌اند. شهرام امیری از کارکنان دانشگاه «مالک اشتر» (متعلق به سپاه) دست در کار رشته فیزیک بود که در سال ۱۳۸۸ بعد از خروج از ایران ناپدید

کارگزاران از نظر سازمانی زیرمجموعه سپاه و از لحاظ انتخاب کادر، پرسنل و مدیریت زیر نظارت «حفاظت اطلاعات سپاه» عمل کرده و هر یک از نمود و اعتبار شغلی بالایی برخوردارند. در مراسم درگذشت مادر ابراهیم جباری، فرمانده حفاظت ولی امر، علاوه بر مجتبی و سایر فرزندان ذکور خامنه‌ای، کلیه مسئولین شناخته شده حکومت شرکت کردند.

هزینه معیشت خانواده، درآمد دارند؛ با استفاده از قدرت پول به سفرهای تفریحی خارج از کشور می‌روند؛ بر حسب ضرورت در مراکز پزشکی پیشرفته خارج درمان می‌شوند؛ با تشدید آلودگی هوا به مناطق بیلابلی کوچ می‌کنند و در عمل با مشکلات روزانه مردم عادی و راه و روال زندگی و مشکلات آنها کاملاً قطع رابطه کرده‌اند.